

آموزش فا در کنفرانس (۵)

لی هنجگی

فهرست

۲	آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۴ غرب آمریکا
۳۲	آموزش فا در کنفرانس فای بین‌المللی ۲۰۰۵ منهن
۴۰	آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۵ کانادا

آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۴ غرب آمریکا

لی هنگجی، ۲۸ فوریه ۲۰۰۴، لس آنجلس

درد! («درد/استاد!» تشویق) آزار و اذیت سال‌ها طول کشیده است. از این رو، هنگامی که به موجودات پلید ارتباط پیدا می‌کند، محیط و فرصت‌ها برای ادامه حیات کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود و حیات برای آن افراد بد که آزار و اذیت را در جهان سازمان‌دهی کردند بیشتر و بیشتر مشکل می‌شود. در ارتباط با موقعیت کلی اصلاح فا، اکنون هنگامی که به این آزار و اذیتی که تفاله‌های نوع انسان و افراد رذل سازمان دادند ارتباط پیدا می‌کند، مردم دنیا درحال آگاه‌تر شدن هستند و مردم سرزمین چین، بویژه، درحال بیدار شدن هستند- مردم، زشتی آزار و اذیت را دیده‌اند و آمده‌اند تا دلایل پشت آن‌را بدانند. می‌توانید بگویید که شرایط جاری برای مریدان دافا در ارتباط با روشنگری حقایق، نجات مردم دنیا و افشا کردن آزار و شکنجه، بیشتر و بیشتر مطلوب می‌شود. اکنون، به دلیل اینکه اکثریت مردم دنیا پس از برچیده شدن اهریمن توانسته‌اند آگاه شوند و به دلیل اینکه قادر شده‌اند آزار و شکنجه فالون گونگ را با تفکر منطقی خود مورد بررسی قرار دهند، برای افراد بد ادامه دادن سرکوب شرارت‌آمیز سخت‌تر می‌شود. از آنجایی که مردم دنیا درحال بیدار شدن هستند اهریمن کاملاً ترسیده است. مردم دنیا دیگر نمی‌خواهند سپر بالای آن شوند و عوامل اهریمنی و افراد پست حقیقتاً نمی‌توانند آزار و اذیت شیطانی را پیش ببرند، اما بعد از اینکه خودشان را به گوشه‌ای می‌برند، برایشان عقب‌گرد سخت است. هنگامی که موجودات اهریمنی در حالتی جنون‌آمیز و غیرعقلانی هستند، آزار و شکنجه مرحله به مرحله تشدید می‌شود، اما به نظر می‌رسد که هیچ چیز کارایی ندارد. بنابراین بسیار عنان‌گسیخته‌تر می‌شوند. از نظر من مثل این است که اکنون نمی‌توانند گام دیگری بردارند، اما نمی‌توانند عقب‌نشینی کنند؛ نمی‌توانند عقب‌نشینی کنند اما پایگاه خودشان را از دست داده‌اند. مردم دنیا از طریق سرکوب اهریمنی دقیقاً مشاهده کرده‌اند، اما آسیبی که این وحشیانه‌ترین آزار و اذیت به مریدان دافا وارد کرده است عظیم است و در سراسر تاریخ آزار و اذیتی به این حد وحشیانه هرگز وجود نداشته است. از نقطه‌نظری دیگر، آنچه که آنها درباره دافا و مریدان دافا انجام داده‌اند معادل انجام آن با خودشان است، زیرا در آینده مجبورند به دفعات زیادی تاوان آن‌را بپردازند.

در کیهان فضیلت و پلیدی، منفی و مثبت و خوب و بد وجود دارد و تمام این‌ها ایجاد متقابل و بازداری متقابل را در کیهان موجب می‌شود. درحقیقت مردم قادر به دیدن نیستند و افراد پست احتمالاً حتی کمتر درباره آن فکر می‌کنند، این حقیقت که، از خیلی از ابتدا آزار و اذیت محکوم به شکست بود، اما روند آن مریدان دافا را قادر ساخته است که در تزکیه‌شان موفق شوند. به عبارت دیگر، نیت افراد شرور و قیحانه بود، اما دقیقاً محیطی را برای مریدان دافا تدارک دید تا خودشان را به‌عنوان مریدان دافا به اثبات برسانند. البته، نمی‌خواستیم این موقعیت فراهم شود و در حالی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیریم، مریدان دافا و من درحال متوقف کردن شیطان هستیم و نمی‌گذاریم موجودات علیه دافا گناه کنند. آن موجوداتی که ورای نجات دادن هستند به انجام اعمال شیطانی ادامه می‌دهند، اما این اصل را که مثبت و منفی همزمان از هر کلمه و هر عملی بوجود می‌آید درک نمی‌کنند. زیرا در این سطح از کیهان قدیم، اصل ایجاد متقابل و بازداری متقابل و دو عامل مثبت و منفی وجود دارد، چیزهای مثبت و منفی هر زمان که فرد کاری را انجام می‌دهد ایجاد می‌شود و آن شامل هر چیزی است که در جامعه انسانی انجام می‌شود- همه چیز به پدید آمدن این دو عامل منجر می‌شود. هنگامی که فرد چیزی می‌گوید، کاری انجام می‌دهد یا حتی فکری دارد شامل آن می‌شود- همه اینها به نمودی از دو عامل منتهی می‌شود. آن دقیقاً همانند آزار و اذیت است: همه شما می‌دانید که هدفش چیست و نقطه آغاز واقعاً شیطانی است، اما نتیجه این است که در روند انجام اعمال شیطانی، این امکان را برای مریدان دافا ایجاد کرده تا در [جریان] مخالفت با آزار و اذیت، تا نقطه بلوغ آبدیده شوند و هرچه آزار و اذیت دشوارتر باشد، بیشتر قادر است مریدان دافا را پابرجا کند. افراد پلید کلاً این اصل را درک نمی‌کنند. از دیدگاه من، به‌عنوان استاد شما، در

طی اصلاح فا مطلقاً استفاده از این آزار و اذیت اهریمنی را برای آزمودن مریدان دافا قبول نمی‌کنم و مریدان دافا نباید این عقیده اشتباه را داشته باشند که می‌توانند با تحمل کردن آزار و شکنجه به [سطح] بالاتر تزکیه کنند. دافا و مریدانش با آزار و اذیت مخالفت می‌کنند و این وظیفه مریدان دافا است. اگر خودتان را براساس فا تزکیه نکنید، نمی‌توانید فقط با تحمل کردن آزار و اذیت به بالاتر تزکیه کنید، کمتر اینکه [بتوانید] به استاندارد یک مرید دافا برسید. این به اصطلاح «محیط» را که نیروهای کهن فراهم کرده‌اند تصدیق نکنید، زیرا گذاشته‌ام که همه موجودات در طی اصلاح فا در دافا جذب شوند و لزومی ندارد مریدان دافا با آن نوع شرارت تعدیل شوند. اصلاح فا [حتماً] موفق خواهد شد و مریدان دافا [حتماً] موفق خواهند شد. مریدانم با انجام کارها بدین طریق موفق خواهند شد و مریدانم بدون انجام کارها بدین طریق موفق می‌شدند- فقط این‌طور است که اهریمن بر انجام تمام این کارها که با اصلاح فا تداخل کرده است پافشاری کرد. این مسئله آنها را به ارتکاب گناهان در طی انجام اعمال اهریمنی‌شان سوق داده است و این باعث شد که موجودات و افراد زیادی، شامل خودشان، به دور ریخته شوند. در کیهان این عامل یک مثبت در مقابل یک منفی و یک موافق در مقابل یک مخالف دقیقاً متجلی شده است.

مردم نمی‌توانند این اصل را به وضوح ببینند. هنگامی که یک فرد معمولی می‌خواهد کاری در جامعه انجام دهد، در واقع به مجرد اینکه فکرش هویدا می‌شود یا به محض اینکه کاری را انجام می‌دهد، دو تأثیر دارد. در گذشته تزکیه‌کنندگان گفته‌ای داشتند، «نتایج خوب و بد از یک فکر حاصل می‌شود.» لایه دیگری از مفهومی که آن کلمات دارند این است که در روند انجام کاری، واقعاً می‌تواند دو تأثیر باشد. با آزار و اذیت مریدان دافا، فکر نکردند که آن می‌تواند در انتها مریدان دافا را متعادل کند، آن چیزی است که نتوانستند درک کنند. در گذشته اصل کیهانی در ارتباط با اینکه یک منفی و یک مثبت در یک زمان متجلی می‌شود قطعی بود و این در ارتباط با جامعه انسانی که [آن] در هر چیزی نمایان می‌شود نیز به قوت خود باقی بود. هرچه که مردم عادی می‌خواهند انجام دهند، یک مثبت در ازای یک منفی و یک خوب در ازای یک بد وجود دارد. به عنوان مثال، هنگامی که فردی به فردی دیگری که دوست ندارد ضربه می‌زند یا دشنام می‌دهد، درحالی که به او ضربه می‌زند و دشنام می‌دهد، به آن شخص تقوا می‌دهد و باید بعداً به طریقی ملموس به فرد دیگر باز بپردازد. درباره حیطه‌ای صحبت می‌کنم که مردم نمی‌توانند ببینند. همین در ارتباط با چیزهایی که مردم می‌توانند ببینند نیز صدق می‌کند. به عنوان مثال، مردم اغلب به کودکان خود یاد می‌دهند که افراد موفق سطح بالایی باشند، اما به ذهن‌شان خطور نمی‌کند که کودکان‌شان بیشتر و بیشتر از پاک و مهربان بودن دور می‌شوند، بیشتر و بیشتر از سرشت کیهان دور می‌شوند و بیشتر و بیشتر از خدایان دور می‌شوند. مردم می‌ترسند کودکان‌شان آسیب ببینند، از این رو به آنها یاد می‌دهند که چگونه دست به اقدام متقابل بزنند، اما به خاطرشان نمی‌گذرد که وقتی شما به آنها می‌گویید که آن‌طور عمل کنند، در سطحی بنیادی به اصول اخلاقی انسانی و مهربانی صدمه می‌زنید. هر جا که مردم کاری را انجام می‌دهند آن [کار] آن دو اثر را بوجود می‌آورد.

در چند سال گذشته آزار و اذیت مریدان دافا به‌طور کامل آن وضعیت را نشان داده است. چگونه یک رژیم سیاسی می‌تواند اعتقادات مردم را بگیرد؟ چگونه می‌تواند آزادی فکر مردم را بگیرد؟ آنچه که در حال انجام آن است بی‌سابقه است. چگونه می‌توانست موفق شود؟ به منظور رسیدن به آن هدف حتی سعی کرده هزاران سال تمدن باستانی را به‌طور کامل تخریب کند. چیزهایی که استانداردهای اخلاقی انسانی را برای هزاران سال زنده نگه داشته است به‌طور کامل انکار شده، به‌طور کامل فروریخته شده است و حتی «زیر پا له کرده است» به‌طوری‌که «هرگز اجازه ندهد دوباره برخیزد.» اینکه آن به انجام رسیده است یا نه، برای آنچه انجام شده است بازپرداخت خواهد آورد- این چیزی است که به خاطرشان نمی‌گذرد. از آن نقطه نظر، چینی‌هایی که سیستم‌های اعتقادی‌شان را از دست دادند استاندارد رفتار شرافتمندانه را از دست دادند. چنین افرادی جرأت می‌کنند هرکاری را انجام دهند و می‌توانند هر نوع کار بدی را انجام دهند. هر جنبه‌ای از جامعه فاسد است، دروغ مستقیماً بر روی زبان چینی‌های امروزه می‌چرخد و دروغ گفتن همچون صحبت مختصر و غیرمهم، عادی به نظر می‌آید و آنها هر کار بدی را بدون شرم و حیا انجام خواهند داد. بنابراین آیا این گروه از مردم به رژیم سیاسی که این چیزها را فراهم کرد منفعت می‌رساند؟ مردم هیچ‌یک از اینها را پیش‌بینی نکردند.

موافق و مخالف با هم وجود دارند و اینکه کسی که سعی کند در جامعه عادی به طور تصنعی به اهدافی برسد، کاملاً برای او غیرقابل انجام است. هر جا که جامعه انسانی از میان انواعی از دگرگونی گذر می‌کند یا نوعی جنبش وجود دارد، در واقع همه توسط خدایان کنترل می‌شود. فقط زمانی که خدایان مردم را برای انجام کاری راهنمایی می‌کنند و تحت تأثیر خدایان، شرایط مختلفی می‌تواند در جامعه انسانی فراهم شود. تلاش در انجام کاری از روی تمایل انسانی محض، عملی نخواهد بود و شیاطین فاسد و خدایان بُعدهای پایین‌تر نیز نمی‌توانند این‌گونه عمل کنند. فقط پلیدترین و بی‌شعورترین چیز می‌تواند این آزار و اذیت غیرعقلانی مردم خوب، تزکیه‌کنندگان را انجام دهد. در آینده مردم درک تازه‌ای از تاریخ خواهند داشت، مخصوصاً تاریخ یک‌صد سال گذشته یا بیشتر و آن دوباره ارزیابی خواهد شد.

در هر موردی، در روند مخالفت با آزار و اذیت، دیده‌اید که مریدان دافا در حال بالغ شدن هستند و مردم دنیا بیشتر و بیشتر بیدار می‌شوند. شیاطین و افراد شروری که آزار و اذیت را در این جهان سازمان‌دهی کردند بیشتر و بیشتر افول می‌کنند. تمام قدرت سیاسی که آنها بهره‌برداری کرده‌اند و تمام روش‌هایی را که برای سلطه داشتن به کار برده‌اند، در طی آزار و اذیت شاگردان فالون‌گونگ، توسط تاریخ از بین خواهد رفت. شما دیده‌اید که آن غیرقابل اجتناب است. پس، به عنوان مریدان دافا، در این موقعیت، اکنون روشنگری حقیقت برای مردم دنیا سخت نیست. این وضعیتی است که ما هم‌اکنون مشاهده می‌کنیم و جلوتر که می‌رود حتی برای شما آسان‌تر خواهد بود که حقیقت را آشکار کنید. آن بدین دلیل است که مردم دنیا در حال روشن‌تر و روشن‌تر شدن هستند و خودشان نزد شما می‌آیند تا موقعیت حقیقی را بشنوند و خودشان برای یادگیری تمرینات به نزد شما می‌آیند. این [وضعیت] در شرف وقوع است و در سرزمین چین تمام جمعیت به پیش خواهند رفت تا با آزار و اذیت مخالفت کنند. (تشویق) هر چه که مردم انجام می‌دهند، نسبت به خودشان انجام می‌دهند و آزار و اذیت علیه مریدان دافا، درحقیقت به این شکل است که شکنجه‌گران خودشان را آزار و اذیت می‌کنند. آن چیزی است که توسط سرشت کیهان تعیین می‌شود. در ابتدا آزار و اذیت فالون‌گونگ جنبشی بود که همه جمعیت را بسیج کرد. در آن مثبت و منفی وجود دارد - فقط نگاهی به نتیجه نهایی ببیند. این چیزی نیست که انسان‌ها می‌توانستند انجام دهند. مردم فکر می‌کنند که آنها قدرتمند هستند، اما هر قدر هم دستگاه تبلیغاتی شما وحشی می‌شود باز هم بی‌نتیجه است. دروغ و حیله آن دسته آدم رذل علیه تزکیه‌کنندگان، بی‌حاصل است. هنگامی که باعث جنجالی می‌شوید و عمداً کارهایی را انجام می‌دهید که خدایان جایز نمی‌دانند، پس از انجام دادن آن، خدایان می‌آیند و قضیه را با شما تسویه می‌کنند. چگونگی عمل آن این‌گونه است.

به عنوان مریدان دافا باید معقول‌تر باشید و قبل از اینکه شیاطین به‌طور کامل از بین بروند هنوز لازم است برای روشنگری حقیقت و نجات مردم دنیا تلاش کنید و در کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند به‌خوبی عمل کنید. همه کارهایی را که مریدان دافا امروز انجام می‌دهند اعتباربخشی مریدان دافا به‌فا می‌باشد، همه آن این است که شما در حال گام برداشتن در یک مسیر خدایی هستید. نمی‌توانید در این مراحل پایانی سستی کنید؛ به‌خوبی انجام دادن آنچه را که باید انجام دهید ادامه دهید.

برخی از شاگردان باید اینجا توجه کنند: هر زمان که اشاره می‌کنم که اهریمن کوچکتر و کوچکتر می‌شود و کمتر و کمتر قادر است ادامه مسیر دهد، بسیاری از شاگردان فکر می‌کنند، «آهان، هر کار دیگری را رها خواهیم کرد و فقط کار دافا را انجام می‌دهم.» این عملی نخواهد بود، به‌عنوان مریدان دافا در هیچ چیزی نمی‌توانید به افراط بروید. باید یک زندگی عادی را بگذرانید و به‌طور عادی تزکیه کنید، درحالی که در همان زمان در حال انجام آنچه که مریدان دافا باید انجام دهند هستید. در حال حاضر باید این‌گونه باشد، هیچ تفاوتی [نسبت به مردم عادی] در شکل وجود ندارد، در ظاهر همانند جامعه عادی به نظر می‌رسد، فقط شما یک تزکیه‌کننده هستید - این چگونگی آن است. آنچه را که امروز در حال انجام آن هستید بنیان گذاشتن کارها را برای آینده است و آن‌گونه باید در مسیرتان گام بردارید. این درست‌ترین مسیر است و آنچه که تزکیه‌کنندگان آینده به آن رجوع خواهند کرد، بنابراین نمی‌توانید هیچ‌گونه رفتار افراطی را به نمایش بگذارید یا به هیچ افراطی کشیده شوید، چراکه آن به‌طور تصنعی موانع و دردسر برای خودتان ایجاد خواهد کرد. تمام شیوه‌های تفکر افراطی و هر شکلی از آنها، از آنچه که من به شما گفته‌ام نیستند و می‌توانند شکل‌هایی از وابستگی‌ها باشند و بنابراین باعث دردسر می‌شوند؛ چیزهای زیادی شبیه آن را تجربه

کرده‌ایم. فکر می‌کنم که به عنوان مریدان دافا درحالی که امروز تا این‌جا آمده‌اید، می‌توانیم بگوییم که به خیلی از چیزها بسیار آگاه هستیم و بیشتر و بیشتر منطقی می‌شوید و وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید می‌دانید چه پیش خواهد آمد. بنابراین در این حوزه‌ها می‌بایستی بسیار خوش فکر باشید و اکنون نمی‌توانید توسط مسائل خاصی مورد تداخل قرار بگیرید.

نکته دیگر این است که هرکاری را که مریدان دافا درحال حاضر درحال انجام آن هستند اعتباربخشی به فا است، بنابراین ادراکات و رشد شما همه از فاشآت می‌گیرد. پس البته به عنوان مریدان دافا باید به فا اعتبار ببخشید که نیازی به گفتن نیست. اما هر کاری که درحال اعتباربخشی به فا انجام می‌شود برای خودتان انجام می‌شود و یک کار هم برای من انجام نمی‌شود، شامل کارهایی که به شما گفته‌ام که انجام دهید. از آنجاکه هر مرید دافا باید تقوای عظیم خودش را در روند به‌سوی کمال رفتن پایه‌گذاری کند، مخصوصاً چون موجوداتی [هستید] که توسط دافا ساخته و پرداخته شدید، اینها همه در اعتباربخشی شما به فا به نمایش گذاشته شده و همه آنچه که مریدان دافا انجام می‌دهند باشکوه است. آنچه که ساده‌ترین چیز به نظر می‌رسد نیز شامل می‌شود، مثل دادن فلایر، روشنگری حقیقت برای مردم دنیا، فرستادن افکار درست در کنسول‌گری‌ها و سفارت‌ها، اعتباربخشی مریدان دافا به فا به شیوه‌های مختلف برای حکومت، جامعه و مردم و رسانه‌های گروهی و غیره - همه آنها تقوای عظیمی برایتان پایه‌گذاری می‌کنند و راهی است که به کمال نهایی ختم می‌شود. به عبارت دیگر، همه کارهایی که درحال انجام آن هستید، شامل کارهای کوچک و ناچیز، همه آنها برای خودتان انجام می‌شود و یک کار هم برای دافا انجام نمی‌شود و یک کار نیز برای من، استادان انجام نمی‌شود. (تشویق)

در آینده همگی خواهید دید که بجز گفتن آنچه لازم است در کنفرانس‌های فا گفته شود، معمولاً خیلی کم صحبت می‌کنم. زیرا هرکسی لازم است مسیر خودش را طی کند و هر کسی باید مسیر خودش را طی کند و فقط پس از آن، تقوای عظیم می‌تواند بنیان نهاده شود. بنابراین نمی‌توانم هر دقیقه از هر روز و در هر موردی همانطور که قبلاً انجام شد شما را به سمت جلو هل بدهم. زمان فقط مطالعه کردن فا و تزکیه خود، گذشته است و زمان حال برای مریدان دافا است که آخرین موارد خود را به کمال برسانند، همه چیزهایی که لازم دارید. در ظاهر به نظر می‌رسد که کارها را برای دافا انجام می‌دهید و برخی از مردم فکر می‌کنند، «من برای استاد کارها را انجام می‌دهم، زیرا استاد به من گفت.» (استاد می‌خندند) درحقیقت این طور نیست. وقتی به شما می‌گویم کاری را انجام دهید، برای خودتان آن را انجام می‌دهید.

دافا چیزی است که هیچ فردی نمی‌تواند به آن آسیب برساند و آن از قبل آورده شد و چیزی که درحال حاضر وجود دارد و آن دقیقاً برای همه موجودات اشاعه داده می‌شود و همه موجودات را نجات می‌دهد، اما چه تعداد از موجودات می‌توانند شکل‌های حقیقی و ویژه فا را که در آن تجلی می‌یابد ببینند؟ واقعاً مشکل است و نمی‌توانند دیده شوند، بنابراین محتوای فا نمی‌تواند دیده شود. فالونی را که می‌بینید فقط یک شکل از گونگ است و برای موجودات معمولی سخت است که چرخه را که به‌طور واقعی درحال تثبیت کردن فا است ببینند و آن حتی بوسیله کسانی که در سطوح بالا هستند نمی‌تواند دیده شود. بنابراین چه کسی می‌تواند به فا حقیقتاً آسیب برساند؟ هیچ کسی نمی‌تواند به آن آسیب برساند.

به شما گفته‌ام که نجات موجودات ذی‌شعور بسیار سخت است و [گفته‌ام] که برای اینکه به همه موجودات به‌صورت یک کل و موجودات در سطوح مختلف امکان داده شود که فا را کسب کنند و نجات یابند، آموزش فا در این مکان انسان‌ها، که موجودات پایین‌ترین سطح کیهان هستند، مجبور بود انتخاب شود تا موجودات در هر سطحی بتوانند آن را بشنوند. پس با آموزش فا در اینجا، چه کسی در بین مردم این دنیا اینجا [می‌بایستی] باشد تا به فا گوش کند؟ می‌بایست چنین موجوداتی باشند و چنین موجوداتی مریدان دافای امروز هستند. (تشویق) انتخاب مجبور بود [این طور] باشد که وقتی کیهان به مرحله پایانی شکل‌گیری - سکون - انحطاط - انهدام رسید - به عبارت دیگر، به مشکل‌ترین زمان رسید - اصلاح فا اتفاق بیفتد، به‌طوریکه موجودات ذی‌شعور و تمام افلاک بتوانند نجات یابند. هدف از بوجود آوردن سه‌قلمرو در آن زمان، این بود که بگذارد آن توسط اصلاح فا در این مرحله مورد استفاده قرارگیرد. بنابراین چه کسانی موجودات ذی‌شعور سه‌قلمرو [می‌بایستی] باشند، چه نوع موجوداتی اینجا [می‌بایستی] باشند و چه نوع موجودات و شیوه‌های هستی برای موجودات لازم بود در آینده باشد، شامل شیوه تفکر موجودات، چگونه خودشان را اداره کنند، فرهنگ‌شان و غیره، تمام این چیزها [می‌بایستی] در طول تاریخ رشد یابد. اما وقتی در طی اصلاح

فا به آنها نگاه می‌کنیم، به‌طور ضعیفی نظم و ترتیب داده شدند و علت آن این است که نیروهای کهن ظاهر شدند. این‌طور است که بگوییم، اینجا بسیاری از وضعیت‌های نوع انسان تصادفی نیست، آنها منظم هستند. دقیقاً بخاطر اینکه آنها کاملاً منظم هستند، به نظر می‌رسد که طبیعی باشند. اما وقتی به چیزهایی ارتباط پیدا می‌کند، مثل اینکه آیا یک مرید دافا می‌تواند زمانی که فا آموزش داده می‌شود وارد دروازه دافا شود یا نه، آیا هنگامی که از میان آزمایش می‌گذرد به تزکیه ادامه خواهد داد یا نه، آیا می‌تواند به سمت کمال پیشرفت کند یا نه، آیا یک مرید دافا هنگامی که آزار و اذیت یا شکل‌های دیگری از تداخل روی می‌دهد می‌تواند در اعتباربخشی به فا بخوبی عمل کند یا نه، این چیزها به خود فرد بستگی دارد. بنابراین درحالی که به فا اعتبار می‌بخشید، دیده‌اید که یک مشکل وجود دارد، که ظهور نیروهای کهن به‌طور جدی با اصلاح فا و مریدان دافا تداخل کرده است. اما مهم نیست که آنها چگونه مداخله می‌کنند و کارهایی را که انجام داده‌اند چقدر شیطانی است، هنگامی که به گذشته نگاه می‌کنید خواهید دید که در واقع هیچ چیزی نمی‌تواند «از دست تاتاگاتا بگریزد».

«(تشویق) مطمئناً این‌طور است. مهم نیست که نیروهای کهن، شیاطین فاسد، یا موجودات انسانی پلید چه می‌خواهند انجام دهند، در پایان چیزها برطبق شرایط اصلاح فای من تکمیل خواهند شد. این که آن، انواع شکل‌های اختلال است که در طی مسیر روی داد یا شکل‌های مختلف رفتار و موقعیت‌هایی که شاگردان خاصی به نمایش گذاشته‌اند، اینها چیزی بیشتر از حالت‌های تجلی‌یافته توسط موجودات کیهان قدیم در آخرین مرحله شکل‌گیری - سکون - انحطاط - انهدام نیست و [چیزهایی بیشتر از] اختلالات خاص برای اصلاح فا نیستند. هیچ‌کسی نمی‌تواند به خود دافا آسیب برساند. و مهم نیست که مریدان دافا از چه دردی زجر می‌کشند، در نهایت به سمت خدا بودن می‌روند.

همگی این اصل را از فا درک کرده‌اید: در این کیهان، هیچ موجودی از درد بیهوده رنج نخواهد برد. مخصوصاً کسی که دافا را تزکیه می‌کند و بیشتر اینکه او مرید دافای دوره اصلاح فا باشد - تا زمانی که هنوز در میان فا باشد، مهم نیست چگونه به پایان می‌رسد، آنچه که انتظار او را می‌کشد کمال است. به عبارت دیگر مهم نیست که اهریمن چگونه ما را شکنجه می‌کند، نمی‌تواند هدفش را به انجام برساند و در پایان، امور بر طبق نتیجه اجتناب‌ناپذیر اصلاح فا هماهنگ می‌شود. این چگونگی آن است. هنگامی که برای اصلاح فا اختلال وجود دارد، پس در طی اصلاح فا درحالی که از وضعیت اختلال استفاده می‌شود کارها انجام خواهد شد و در نهایت هدفی که برای اصلاح فا لازم است هنوز هم به انجام خواهد رسید و مطمئناً این‌طور است.

در آینده، پس از اینکه مریدان دافا از عهده آن برآمدند و نگاه به هر چیزی بیندازید، قطعاً خواهید دید که آن حقیقت دارد. وقتی یک خدا در کیهان دید که کیهان در طی روند صعود و سقوطش درحال پیشروی به آخرین مرحله از شکل‌گیری - سکون - انحطاط - انهدام بود، آن‌را وحشتناک یافت. هیچ‌کسی نمی‌خواهد که از بین برود، بنابراین می‌خواست خودش را نجات دهد. به خاطر اینکه خودشان را نجات دهند مجبور بودند تمام کیهان را نجات دهند و با این حال، پس از آزمودن همه ایده‌هایشان، هنوز هیچ‌یک از موجودات نتوانستند به هدفشان برسند، به‌ویژه به دلیل این که ایده‌هایی که موجودات مطرح کردند و چیزهایی را که در آن زمان انجام دادند نمی‌توانست خوب در نظر گرفته شود. بدون توجه به این که سطح یک موجود چقدر بالا بود، نمی‌توانست کاملاً خوب یا کاملاً بی‌نقص در نظر گرفته شود. این دلیل آن است که چرا آنها نتوانستند به هدفشان برسند. با این همه، موجودات کیهان پیامد هولناک نهایی را دیدند و خواستند که در مورد آن کاری انجام دهند و بدین ترتیب نیروهای کهن کیهان پدید آمدند.

از آنجاکه به‌طور کلی اصلاح فا در کیهان امروز به این مرحله رسیده است، درحقیقت دیگر نمی‌توانم با استفاده از زبان بشری آن‌را به‌طور ملموسی توصیف کنم، چراکه زبان بشری دیگر نمی‌تواند آن را شرح دهد. می‌توانم چیزها را به‌طور کلی شرح دهم. چیزهایی که از قبل طرح‌ریزی شد همگی تکمیل شده‌اند. درحقیقت کیهان خود ما کامل شده است. (تشویق) آنچه که باقی مانده است فقط آن عوامل پایانی هستند که برای بدن‌های کیهانی غول‌آسا این امکان را فراهم می‌کنند تا به حیات خود ادامه دهند و تمام آن عوامل، چیزهایی هستند که به‌طور بنیادی چیزها را از لایه سطحی بشری جدا می‌کنند.

در حال حاضر وضعیتی که در جامعه انسانی متجلی می‌شود بسیار شبیه موقعیت اصلاح فا در کیهان است. مسائل واضح‌تر و واضح‌تر می‌شوند و فکر می‌کنم که این وضعیت ممکن است حتی سریع‌تر تغییر کند. وقتی اصلاح فای دنیای بشری آغاز می‌شود، زمانی است که واقعاً موجودات انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در آغاز اصلاح فا، این منطقه سه‌قلمرو قبلاً محصور شده بود. بنابراین سه‌قلمرو از بدن کیهانی اصلی جدا شد، موجودات بالا دیگر نتوانستند با موجودات زیرین ارتباط برقرار کنند و در آینده هنگامی که روی امور بشری کار می‌شود، به آنچه خارج سه قلمرو است وابسته نخواهد بود. در طی زمان‌های اخیر، موجودات قلمرو بالا همه اینها را دیدند و قبل از اصلاح فا به تعداد بسیار زیادی به این دنیا پایین آمدند و باز پیدا شدند. بنابراین در نظر موجودات انسانی، آنها با همان پوسته‌های انسانی به نظر می‌آیند، اما در حقیقت اشخاص درون پوسته‌های بشری در حال حاضر متفاوت هستند. بسیاری از موجودات سطح بالا آمدند تا فا را کسب کنند و همچون موجودات انسانی باز پیدا شدند و برخی، موجوداتی از بدن‌های کیهانی دور مختلفی هستند. در حقیقت درحالی که مریدان دافا در این زمان به فا اعتبار می‌بخشند، مردم بسیار زیادی قرار بود که فا را کسب کنند، اما به دلایل مختلفی، بوسیله نیروهای کهن که به آنها اجازه ندادند فا را کسب کنند منفک شدند. در طی این آزار و اذیت موجودات زیادی حتی کارما ایجاد کردند و علیه مریدان دافا مرتکب گناه شدند- آنقدر زیاد که هرگز نمی‌توانند توان آن‌را بپردازند- و اکنون با انهدام مواجه هستند و موجودات زیادی هستند که علیه مریدان دافا مرتکب گناه نشدند اما نمی‌توانند تزکیه کنند، آنها انسان‌هایی در دوره جدید خواهند بود. اینها همه موضوعات آینده هستند.

حالا از این فرصت استفاده کرده تا به مسئله‌ای اشاره کنم. اخیراً برخی از مریدان دافا کتاب‌هایی نوشته‌اند. تعدادی از آنها را به‌طور مختصر نگاه کرده‌ام. اهداف آنها کاملاً خوب است و بسیاری از کتاب‌ها درباره تزکیه، آزار و اذیت شدن، مخالفت با آزار و اذیت هستند. با این وجود، نمی‌توانند در بین مریدان دافا پخش شوند. نقطه آغاز تأیید می‌شود- شما در قالب استفاده از این کتاب‌ها به فا اعتبار می‌بخشید، مردم را در این دنیا نجات می‌دهید و آنچه را که مریدان دافا باید انجام دهند انجام می‌دهید. اما همانطور که می‌دانید، مریدان دافا لازم است به کمال نائل شوند، بنابراین هیچ چیزی نباید با شکلی که مریدان دافای امروز به فا اعتبار می‌بخشند مداخله کند- این بی‌نهایت حساس و مهم است. هیچ چیزی خارج از مطالعه فا را اضافه نکنید. بنابراین ابتدا نمی‌توانید چیزی را که بخشی از خود دافا نیست بین مریدان دافا پخش کنید، ابتدا نمی‌توانید باعث بوجود آمدن هیچ اختلالی برای مریدان دافا شوید.

درباره این موضوعات قبلاً صحبت کرده‌ام. در موقعیت ویژه و شرایط منحصر بفرد امروز و با رویداد وضعیت خاص مورد آزار و اذیت قرار گرفتن، آن‌را دوباره مطرح کردم. آن کتاب‌ها می‌توانند در جامعه عادی تبلیغ شوند، مریدان دافا می‌توانند با استفاده از رسانه‌ها که بوسیله مریدان دافا برپا می‌شود به تبلیغ آنها کمک کنند و می‌توانید آنها را بین اجتماع عادی پخش کنید، همه شما می‌توانید در انجام آن کمک کنید و همه اینها خوب است اما نمی‌توانید باعث هیچ اختلالی در بین مریدان دافا شوید. از حالا به بعد، بجز کتاب‌های دافا، در کنفرانس‌های فا هر اطلاعاتی، یا هر چیز صوتی یا تصویری و غیره را که بخشی از خود دافا نیستند در معرض فروش نگذارید. حتی کمتر اینکه کنفرانس‌های فا و شاگردان ما مشتری‌های اولیه شما باشند. نمی‌توانید از مریدان دافا پول کسب کنید، مطالب برای اشاعه فا، روشنگری حقیقت و امثال آن، باید اجتماع را هدف قرار دهد. آن این‌گونه باید انجام شود.

حالا زمانی را صرف پاسخ به سؤالات شما خواهم کرد. (تشویق) می‌توانید برگه‌های سؤال را بدهید. اجازه بدهید به آن بپردازیم.

پرسش: آیا می‌توانیم برای رسیدگی به رفتار پلیس فرانسه از ابزارهای قانونی استفاده کنیم؟

معلم: هنگامی که رهبر چین از فرانسه دیدار می‌کرد، شما برای خوشامدگویی و دادخواهی به آنجا رفتید. در اصل این چیز خوبی بود. اما تعدادی از آن افراد اوباش متعلق به دسته‌ای که فالون گونگ را آزار و شکنجه می‌کند، موجب برپا کردن فتنه شدند و این باعث شد پلیس فرانسه که از حقیقت آگاه نبود شاگردان را آزار دهد. این حادثه مسلماً کار شیطان بود، کار آن دسته تبهکاری بود که فالون گونگ را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد. [پلیس فرانسه] عامل اجرای قانون در یک کشور دموکراتیک،

به طور کامل از دستورالعمل‌های یک کشور دیگر، که حکومتش بوسیله شیطان کنترل شده و حقوق بشر را نقض می‌کند، تبعیت کرد. فکر نمی‌کنم که این موضوع برای کشوری که حامی دموکراسی و حقوق بشر است، باعث افتخار باشد. استفاده از ابزارهای قانونی برای حل این مسئله کاملاً بجا و مناسب است.

پرسش: *میریدان دافا در تایلند درودشان را به استاد می‌رساند.*

معلم: متشکرم (تشویق)

پرسش: *هنگام روشنگری حقیقت، برخی شاگردان آرام و خونسرد نیستند و به شیوه‌ای افراطی صحبت می‌کنند.*

معلم: میریدان دافا باید هر چیزی را با افکار نیک‌خواهانه و آرام و خونسرد انجام دهند. چه آن روشنگری حقیقت برای مردم باشد چه شرکت در یک فعالیت، باید همیشه باعث شوید که مردم خوبی و مهربانی میریدان دافا را ببینند. مطلقاً هیچ کاری را به شکل افراطی انجام ندهید. زمانی که موجودات را نجات داده و حقیقت را روشن می‌کنید، اگر به شیوه‌ای افراطی صحبت کنید، اثر مثبتی نخواهد داشت. آن به این خاطر است که وقتی نیکخواهی شما به حد کفایت نباشد [قادر نیستید] عناصر شیطانی موجود در ذهن آن مردمی که مسموم شده‌اند را متلاشی کنید و نمی‌توانید به اثر مثبتی دست پیدا کنید.

قبلاً به شما گفتم که نیکخواهی (سَن) چیزی نیست که بتوان به آن تظاهر کرد، همچنین حالتی نیست که آن را در سطح و ظاهر حفظ کرد. نیکخواهی حقیقتاً از درون می‌آید و فقط از طریق تزکیه نمایان شده و کسب می‌شود. وقتی شما روبروی موجودات ذی‌شعور قرار می‌گیرید، به محض اینکه کلمات از دهانتان خارج می‌شود و به محض اینکه افکارتان پدیدار می‌شوند، آنها قادرند عناصر بد و چیزهای بدی که مردم دنیا را مسموم کرده است و در ذهن مردم موجودیت دارد را متلاشی کنند. و آنگاه مردم به درک آن می‌رسند و شما خواهید توانست آنها را نجات دهید. بدون به کار بردن قدرت عظیم نیکخواهی حقیقی، نمی‌توانید آن چیزها را از بین ببرید. و در روشنگری حقیقت هیچ [نتیجه‌ای] کسب نمی‌کنید. آنهایی که به طور خاص، چیزها را به روش افراطی انجام می‌دهند، بگذارید به شما بگویم که مطلقاً هیچ اثر مثبتی نخواهد گذاشت. چراکه توانایی‌هایی که در تزکیه بدست آوردید، آشکار نخواهد شد، و [همچنین] نیکخواهی شما آشکار نخواهد شد. بنابراین در زمان انجام هر کاری، هیچ گونه افکار مبارزه‌جویانه نداشته باشید، این اشتباه است. به افراط نروید، حتی وقتی به کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌ها می‌روید. باید با مردم مهربان باشید. اما در مواجهه با موجودات شیطانی، قضیه متفاوت است. وقتی افکار درست می‌فرستیم، ما شیطانی که به نوع بشر تعلق ندارد، اهریمن‌ها، اشباح و موجودات پلیدی که در آزار و شکنجه شرکت داشته‌اند را پاکسازی می‌کنیم. به هر طریقی که به [حساب] آن اهریمن‌های پست و یاوران تاریک رسیدگی کنید، خوب است. اما باید با مردم نیکخواه باشید. آیا ما مردم را نجات نمی‌دهیم؟ از آنجاکه در حال نجات مردم دنیا هستیم، چگونه بدون اینکه با آنها نیکخواه باشید می‌توانید آنها را نجات دهید؟

پرسش: *همینطور که موجودات بیشتری خلق شدند، تعدادی از آنها خودخواهی را رشد دادند، و سقوط کردند. آیا این یکی از دلایل انحطاط کیهان است؟ آیا در آینده همین تعداد از موجودات وجود خواهند داشت؟*

معلم: خودخواهی مشخصه بنیادین کیهان قدیم است. به خاطر وجود این خصوصیت [است که] شکل‌گیری - ثبات - انحطاط - نابودی و تولد - پیری - بیماری - مرگ اجتناب‌ناپذیرند. در آینده، فاملاً هماهنگ، کامل و عاری از خود[خواهی] است. تغییر در این مشخصه بنیادین کیهان منجر به تغییرات اساسی در پیشرفت کیهان و خصوصیات موجودات می‌شود. مشخصه بنیادین کیهان، حالت بنیادینی که کیهان در آن [حالت] است را تعیین کرده است. آلوده شدن موجودات و حتی سقوط رو به پایین آنهایی که بد شدند، به علت شکل‌گیری - ثبات - انحطاط - نابودی است. و شکل‌گیری - ثبات - انحطاط - نابودی نیز به نوبه خود نتیجه ویژگی بنیادین کیهان است، اما به نظر نمی‌رسد مستقیماً به آن ویژگی بنیادین مربوط باشد.

شما درباره امور موجودات الهی، با ذهنیتی بشری فکر می‌کنید. مانند چیزی که شما فکر می‌کنید نیست. تعداد موجودات در کیهان ثابت است، و هیچ ارتباطی با این ندارد که موجوداتی فاسد می‌شوند یا نمی‌شوند.

موجودات الهی همه جا حضور دارند، و موجودات همه جا هستند، و تعداد بسیار زیادی از آنها وجود دارند، به‌طوریکه غیرقابل شمارش هستند. می‌دانید، در مورد هوا، آن از ذرات بسیاری تشکیل شده است. زمانی که چشم باز می‌کنیم هر چیزی که می‌بینیم از ذرات ذره‌بینی و حتی ذرات ذره‌بینی‌تری که ذرات لایه بزرگتر بعدی را شکل می‌دهد، ساخته شده است. در هر لایه از ذرات، موجودات وجود دارند، و در هر لایه از ذرات حتی گروه‌هایی از موجودات غول‌پیکر وجود دارند. برخی از آنها در بُعدهای مختلف ظاهر می‌شوند. در حال حاضر نمی‌توان آن را با روش‌های علمی مشاهده کرد، اما آنها وجود دارند. اینگونه است که تعداد بی‌شماری از آنها وجود دارند- اگر یک ذره غبار را بردارید، موجودات بی‌شماری در آن وجود دارد. و من اینجا به باکتری اشاره نمی‌کنم. اگر شما یک ذره را به اندازه کره زمین بزرگ‌نمایی کنید و به آن نگاهی بیندازید، خواهید دید چه تعداد موجود روی آن وجود دارد. و آن ذره کوچک غبار کوچکترین ذره ذره‌بینی نیست. ذرات ذره‌بینی‌تری وجود دارد، و باز هم حتی ذراتی که ذره‌بینی‌تری هستند، و آنهایی که تقریباً بی‌نهایت ذره‌بینی هستند. این در مورد چیزهای ذره‌بینی است. اما درباره ذرات بزرگتر چگونه؟ در عالم عظیم کیهانی، چه تعداد موجودات در بدن‌های غول‌پیکر کیهانی وجود دارند که از مولکول‌ها بزرگ‌ترند، و هنوز هم بزرگتر، و باز هم بزرگتر؟ روی هم رفته چه تعداد از موجودات باید در آنجا وجود داشته باشند؟! کیهان از نظر تنوع غنی است و به‌طور باورنکردنی عظیم است. هر چیزی زنده است و هر چیزی یک موجود است. موجودات بسیار زیادی وجود دارند که همه جا هستند. موجودات چه خوب باشند یا نباشند، این ربطی به تعداد آنها ندارد. طول عمر تمام موجودات زنده بوسیله سرشت کیهان کهن تعیین شد؛ در گذشته قانون شکل‌گیری- ثابت- انحطاط- نابودی موجب آن شد. در آینده فاکتور تماماً هماهنگ و کامل خواهد بود.

پرسش: آیا چهره ظاهری حال حاضر ما همانند ظاهر روح اصلی ما و ظاهرمان بعد از رسیدن به کمال است؟

معلم: قبلاً در این مورد صحبت کرده‌ام. هر چه بالاتر بروید شگفت‌انگیزتر و جوان‌تر به نظر می‌رسید، و همچنان شبیه خودتان خواهید بود. خواه در حال حاضر پیر، میانسال یا جوان باشید روح‌تان ممکن است آن طور نباشد. اما همینطور که بالاتر می‌روید مطمئناً جوانتر و شگفت‌انگیزتر خواهید بود. پس، از آنجا که آن شگفت‌انگیز است، آن شگفت‌انگیز بودن، زیبایی را هم شامل می‌شود. بنابراین وقتی به سطوح بسیار بالا برسید، در واقع زمانی که تا نقطه بخصوصی تزکیه کرده باشید، خواهید دید که آنقدر زیبا هستید که شبیه [چهره] اکنون‌تان نیستید، و اصلاً شباهتی به افراد روی زمین ندارید. آن تجلی قلمرویی است که در نتیجه فراتر رفتن از بشر بودن و صعود به آنجا حاصل می‌شود.

پرسش: در کجای بدن انرژی به‌طور خاص قوی است؟ (خنده حاضرین)

معلم: این سؤال یک شاگرد جدید است. فرقی نمی‌کند کجا باشد، قدرت همه جا یکسان است. فقط اینطور است که بخش‌های مختلف بدن‌تان حساس هستند. شما می‌خواهید بدانید کجا حساس است و کجا به‌طور خاص قوی است؟ تحت تأثیر گونگ، تغییرات در تمام بدن یکسان است.

پرسش: در سرزمین اصلی چین شاگردانی هستند که به خاطر ترس قدم پیش نمی‌گذارند. آینده آنها چگونه خواهد بود؟

معلم: در حال حاضر نمی‌خواهم چیزی قطعی در این باره بگویم. در واقع همه شما درباره این موضوع به‌خوبی آگاه هستید: وقتی شخصی از دافا سود می‌برد، و با این حال وقتی دافا با مشکلی مواجه می‌شود برای حفاظت از خود درباره حقیقت امور چیزی نگویید، آیا این شخص مستحق نجات است؟ بگذارید با مثال ساده‌ای توضیح دهم. فردی می‌بیند شخص دیگری در خطر است و جانش را نجات می‌دهد. سپس شخص نجات پیدا کرده می‌بیند که ناجی او در دردسر بزرگی افتاده است، اما او را

نادیده می‌گیرد. آیا او شخص خوبی است؟ شما موجودی هستید که توسط دافا خلق شده، و دافا زندگی جدیدی به شما بخشیده است، پس وقتی شرایطی بوجود می‌آید که طی آن، مریدان دافا تحت شکنجه قرار می‌گیرند و دافا مورد صدمه واقع می‌شود، و شما هنوز هم نمی‌توانید از دافا حمایت کنید، آیا همچنان مرید دافا هستید؟ در ابتدایی‌ترین معنا حتی نمی‌توان شما را فردی خوب نامید. از آن گذشته، شما حقیقتاً [از دافا] سود برده‌اید، از نظر موجودات الهی، شما بدترین موجود هستید، حتی بدتر از آنهایی که مستقیماً فا را مورد آزار و شکنجه قرار داده‌اند. چراکه آن آزاردهندگان از فا سود برده‌اند. بنابراین چنین شخصی حتی بدتر از آن افراد فرومایه است. و بیشتر اینکه، این قانون بزرگ است که تمام زندگی در کیهان را خلق کرد. اینکه با این افراد چگونه برخورد می‌شود، فا استانداردهای خودش را دارد.

پرسش: آیا «افکار افراطی» در «تمام افکار افراطی از بین رفته // تزکیه تا بودا شدن سخت نیست» به کارمای فکری اشاره می‌کند؟

معلم: بله درست است. کارمای فکری بیشتر اینطور تجلی می‌یابد که فرد دچار پرواز خیال یا زیاده‌روی در تصورات لگام‌گسیخته می‌شود، که همگی آنها وابستگی‌های بشری هستند. بیشتر اوقات، آنها همان افکار لگام‌گسیخته‌ی تمنای کسب آنچه فرد آرزو می‌کند هستند، چیزهایی که فرد می‌خواهد اما نمی‌تواند بدست بیاورد. به همین خاطر است که «افکار افراطی» نامیده می‌شوند، افکاری که پوچ و بیهوده هستند. (استاد لبخند می‌زند) معنایش این است.

پرسش: حین گزارش اخبار از تایوان، به منظور مشخص کردن تقابل بین دو طرف تنگه از چه زاویه‌ای باید نگاه کنیم؟

معلم: «حین گزارش اخبار از تایوان، برای مشخص کردن تقابل بین هر دو طرف تنگه، از چه زاویه‌ای باید نگاه کنیم؟» این سؤال واضح نوشته نشده است. چیزی که در واقع می‌خواهید بگویید این است که آنها در رابطه با فالون گونگ نگرش‌های متفاوتی دارند. چگونه این تمایز را نشان دهیم؟ نگرش‌هایی که هر دو طرف تنگه دارند، به خودی خود تمایز را ایجاد می‌کند. فرهنگ و تبار هر دو یکی است، اما همچنان این دو مکان دو نگرش متفاوت درباره دافا دارند. آیا این خودش یک تمایز نیست؟ در مقالات روشنگری حقیقت می‌توانید آنها را با هم مقایسه کرده و کمک کنید تا مردم دنیا آن را ببینند.

پرسش: چگونه برای شرکت‌های بزرگ حقیقت را روشن کنیم؟

معلم: در این مرحله هیچ تمایزی بین کوچک و یا بزرگ بودن شرکت قائل نمی‌شوم. مهم نیست چه باشد. ما باید تمام آنهایی که می‌بایست نجات پیدا کنند را نجات دهیم. شما باید هر کاری را که لازم است انجام دهید، هر کسی که می‌تواند نجات یابد را نجات دهید، و هر کاری از دست‌تان برمی‌آید انجام دهید. اینکه مردم بخواهند نجات یابند مسئله‌ای مربوط به خود آنهاست.

پرسش: یک مرید دافا در منطقه ما تمام مدت مشغول انجام کارهای دافا است به طوری که در مسئولیت‌هایی که در قبایل خانواده‌اش باید انجام دهد، کوتاهی می‌کند.

معلم: شاگردی که این سؤال را بالا فرستاده نیز به نظر می‌رسد یک وابستگی دارد. از زبان استاد [برای انتقاد از دیگران] استفاده نکنید. چیزی که به شما گفته‌ام این است که هر جایی که هستید باید فرد خوبی باشید طوری که دیگران بگویند شما یک مرید دافا هستید. باید امور خانواده و محل کارتان را به خوبی اداره کنید. به‌عنوان مریدان دافا، اینکه چقدر به خوبی تزکیه کرده‌اید کاملاً در این محیط‌ها، در جلوی چشم مردم دنیا، منعکس می‌شود. ممکن است بگویید: «من خوب تزکیه کرده‌ام، من یک مرید دافا هستم.» اما هنوز هم در برخورد با مردم دنیا در آن محیط‌ها رفتار خوبی نداشته باشید. آنگاه چگونه می‌توانید نشان دهید که به خوبی تزکیه کرده‌اید؟ (استاد به آرامی می‌خندد) درست؟ البته تعدادی از مریدان دافای مان به خوبی

تزکیه کرده‌اند فقط اینطور است که آن مسائل را نادیده گرفته‌اند. اما حالت به خوبی تزکیه کردن، چیزی نیست که بتوان نمایش داد، آن صرفاً حالتی است که یک تزکیه‌کننده [آنطور] هست.

پرسش: آن سردسته اهریمن در چین که توسط نیروهای کهن انتخاب شده است باید گذشته شرم‌آوری داشته باشد. آیا استاد می‌توانند درباره پیشینه آن به ما بگویند؟

معلم: در واقع پیشینه زیادی وجود ندارد. آن پفی (فوت) از هوایی شیطانی است که توسط جسد تجزیه شده‌ای که هزاران سال عمر داشت، بیرون وزید، و تبدیل به جنین وزغی شد که نیروهای کهن انتخابش کردند. آن مستعد حسادت بود، [حسادتی] که ریشه در تندخو و ناچیز بودن او داشت، و از طریق زد و بند در چرخه اداری، با آسیب رساندن به دیگران راهش را برای پیشرفت به جلو باز کرد، دسته‌هایی شکل داد، آرمان‌های اصیلی نداشت، تملق‌گویی می‌کرد، و کارهای کاملاً بی‌شرمانه‌ای انجام می‌داد. نیروهای کهن دیدند که آن برای تفاله بشریت بودن، استاندارد لازم را دارد- حتی بیشتر از حد مورد نیاز هم دارد- و انواع و اقسام شرارت را [با خود] دارد. نیروهای کهن به‌طور باورنکردنی به آن علاقه‌مند شدند و می‌دانستند که مطمئناً هنگامی که زمانش برسد می‌تواند کاملاً به دردشان بخورد. نیروهای کهن آن را انتخاب کردند و به‌طور حساب‌شده‌ای [شخصیتش را] شکل دادند. در آن زمان وقتی آنها درحال انجام انتخابشان بودند به دنبال چیزی بودند که شیطانی و احمق باشد. به همین علت است که آن کاملاً به این شکل رفتار می‌کند.

پرسش: لطفاً درباره اهمیت فرستادن افکار درست و دادخواهی در مقابل کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌ها بگویید. ما هر روز زیر باران و آفتاب، جلوی آنها تمرین می‌کنیم. با اینکه شرایط خوب نیست اما ما کاملاً استوار هستیم.

معلم: کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌ها در کشورهای مختلف مکان‌هایی هستند که چینی‌های خارج از کشور می‌توانند به آنجا رفته و نظراتشان را ابراز کنند. البته شما هم می‌توانید به آنجا بروید. در آنجا هم افرادی هستند که می‌توانند نجات پیدا کنند. پس بسیار اهمیت دارد. همچنین کارهایی که آنجا انجام می‌دهید، می‌تواند بوسیله مردم دنیا دیده شود. اما برای مریدان دافا این واقعاً طاقت‌فرسا است. در شمال زمستان بسیار سرد است، با بادهایی بی‌اندازه سرد که تا مغز استخوان را منجمد می‌کند، مریدان دافا هنوز به تلاش‌هایشان ادامه می‌دهند. آنها فوق‌العاده‌اند، حقیقتاً فوق‌العاده‌اند! هر کسی در اعتباربخشی به فا مسیر خودش را طی می‌کند. آن شاگردان نیز مسیر خودشان را در جهت اعتبار دادن به فا می‌پیمایند.

پرسش: شما اغلب درباره تقوای عظیم مریدان دافا صحبت می‌کنید. البته من به هر چه که می‌گویید باور دارم. اما برایم سخت است که نیروی عظیم کارهای کوچکی که انجام می‌دهم را ببینم. آنها تنها چند قطره آب در رودخانه‌ای خروشان هستند. به‌طور مستمر فا را مطالعه خواهیم کرد و چیزها از طریق فا [برایم] آشکار خواهد شد.

معلم: بله اینطور احساس می‌شود چراکه اساساً تمام موجودات در جامعه بشری در توهم زندگی می‌کنند، و موجودات انسانی بیشتر از همه فریب خورده‌اند. درباره هدف آن به شما گفته‌ام. آن برای این است که به موجودات بشری در حالیکه در توهم قرار دارند، فرصتی برای برگشت و تزکیه بدهد. اگر انسانها در حالیکه قادر به دیدن تصویر حقیقی چیزها نیستند، هنوز هم بتوانند خوب عمل کنند و بالاتر از آن، بتوانند در تزکیه در میان رنج پایداری کنند، آنگاه آن کلید بازگشتشان است. اگر تمام مردم می‌توانستند تصویر حقیقی کیهان و وجود موجودات الهی را ببینند، آن وقت همه، کارهای خوب انجام می‌دادند. هیچ نیازی نمی‌بود تا درباره دادن فرصت به موجودات بشری حرفی زده شود و نجات انسانها ضروری نمی‌بود. همه سعی می‌کردند کارهای خوب انجام دهند. آنگاه کسی نمی‌خواست هیچ کار دیگری انجام دهد، و هیچ چیز دیگری نبود که بخواهند- همگی [فقط] می‌خواستند خود را تزکیه کنند. در آن صورت آیا آن تزکیه به حساب می‌آید؟ حتی اگر قادر به تزکیه می‌بودند، فکر می‌کنم قطعاً تزکیه‌شان بسیار کند پیش می‌رفت چراکه تصویر واقعی چیزها را دیده بودند- «موجودات الهی آنجا هستند. مقصدمان آنجاست. بیایید برویم، و تا زمانی که به آنجا نرسیدیم متوقف نخواهیم شد.» اما زمانی که در این توهم هستید نمی‌توانید انتهای آن را

ببینید، و نمی‌توانید مقصدتان را ببینید. و حتی نمی‌توانید اثرات حقیقی کارهای باشکوهی که انجام می‌دهید را ببینید. دقیقاً در چنین محیطی، اگر بتوانید در تزکیه موفق شوید و از آن بیرون بیایید، موجودات الهی همگی، شما را تأیید خواهند کرد. فکر خواهند کرد که پس از گذر از چنین سختی‌هایی، بودن در چنین توهمی و چنین محیطی که انواع و اقسام مداخلات در آن وجود دارد، و مقاومت در برابر انواع و اقسام وسوسه‌های مادی مانند شهرت، نفع شخصی، و احساسات، شما توانستید که از حالت بشر بودن جدا شده و خارج شوید. تنها آن هنگام خواهد بود که نظر آنها را به خود جلب خواهید کرد. تنها آن هنگام آنها می‌فهمند که شما برجسته هستید و ارزش این را دارید که موجودی الهی شوید. این است تقوای عظیم. اگر تمام آن به این صورت نبود، سه قلمرو و بشریت همانند سطوح دیگر کیهان می‌بود، به حالتی که تصویر حقیقی برای هر یک از سطوح نمایان می‌بود. آنگاه نوع بشر وجود نمی‌داشت و اینجا دنیای موجودات الهی می‌بود. دست کم در آن صورت می‌توانستیم بگوییم که آنها موجودات الهی در پایین‌ترین سطح هستند بجای اینکه موجودات بشری در پایین‌ترین سطح باشند. اینگونه مسائل به هم ارتباط پیدا می‌کنند. وقتی که مریدان دافای امروز بتوانند به خوبی از عهده آنچه که باید انجام دهند، برآیند، و طی این سال‌های کمی که پر از سختی‌ها و مشقات بوده است، آن را انجام دهند، در آینده همه چیز را خواهید دید. آن را گرامی بدارید. آن را گرامی بدارید! شما باید بخشی از سفرتان را که در حال حاضر کامل کرده‌اید گرامی بدارید، و برای آن مقداری که پیش رو باقی دارید نیز باید به خوبی عمل کنید. (تشویق)

پرسش: ما چگونه حرف چینی «بی» را در واژه «سی بی» (به معنی لطف و رحمت) درک کنیم؟

معلم: من دافا را منتقل نمی‌کنم تا کلمات را توضیح دهم، زیرا این چیزها بسیار بی‌اهمیت هستند، آنقدر ناچیزند که ارزشی ندارند. اجازه دهید دو جمله به شما ارائه دهم: «بدون «هیچ»، آن یک احساس بشری است. اگر آن یک احساس بشری باشد، پس بی (رحمت) نیست.»^۳

در جامعه بشری، طی زمانی بسیار طولانی - همانطور که قبلاً گفتم - چین صحنه بزرگ نمایش تاریخ بوده است. برای هزاران سال به طور پیوسته اساس و پایه هر چیزی برای موجودات بشری بنا گذاشته شد، به این منظور که وقتی زمان کسب فرا می‌رسد، آنها فرهنگ، طرز فکر، رفتار، شیوه زندگی درست و قدرت شناخت و درک فا را داشته باشند. همچنین آن شامل این است که چگونه در میان توهم، مردم تحت تأثیر وابستگی‌ها قادر به دیدن وضعیت حقیقی نیستند، و هنوز در همان حال، تا آنجایی که افکار درست‌شان را از طریق مطالعه فا گسترش می‌دهند، می‌توانند از آن رها شوند. این دقیقاً چنین محیطی است که خلق شد. واقعاً تلاش بسیاری برای آن بکار برده شد، و انسان امروزی بوجود آمد. اما به علت مداخله نیروهای کهن، شرایط اینجا دیگر بهترین نیست، و من خردمندانه از آن بهره می‌برم. تعداد زیادی شاگرد سفیدپوست، سیاه‌پوست و شاگردانی از سایر قومیت‌ها وجود دارند. امروز شما در مکان سرزمین اصلی چین نیستید، اما بگذارید بگویم، در طول تاریخ تقریباً هر کسی در دنیا از سرزمین اصلی چین بیرون آمده است. (تشویق) طرز فکر شما با چینی‌های امروز فرق می‌کند. اما زمانی در تاریخ گذشته؛ پایه و اساس آن نوع طرز تفکر را بنانه‌داید. در عمق وجودتان شما [آن را] درک می‌کنید. به عبارت دیگر شما فایه‌ای که امروز اشاعه می‌دهم را می‌فهمید. شکل ظاهری کلمات [در هر زبانی] متفاوت است، اما محتوای درونی آنها یکی است. شما می‌توانید محتوای فا را بشناسید و آن را تجربه و حس کنید. به همین علت تزکیه‌تان تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.

بنابراین، [مفهوم] سی بی زمانی که فرهنگ برای بشر ساخته شد، بوجود آمد. سی بی حالتی را توصیف می‌کند که در آن یک احساس خدایی نمایش داده می‌شود، احساسی که از [سطح] موجودات بشری فراتر می‌رود. البته این اصطلاح دو واژه‌ای سی بی اکنون در جامعه بشری عادی هم استفاده می‌شود، اما قطعاً چیزی نیست که موجودات بشری بتوانند به آن دست پیدا کنند. چراکه فرهنگ امروزی مغشوش شده است. مردم دیگر به موجودات الهی اعتقادی ندارند، و دیگر نمی‌دانند که باید تزکیه کنند. انسان‌ها جرأت این را پیدا کرده‌اند که علیه بوداها، علیه فا، و علیه خدایان کفرگویی کنند و اصطلاحات تزکیه را در میان مردم عادی بکار ببرند. انسان‌ها تمام این کارها را انجام داده‌اند. اما آنها اصطلاحات مردم عادی نیستند، فقط اینطور است که مردم عادی آنها را برداشته و استفاده کرده‌اند.

پرسش: «تمام ملت رودرروی آن می‌ایستند.» لطفاً آن را بیشتر شرح دهید؟

معلم: اسرار آسمان پیش از رسیدن موعدهش نمی‌تواند افشا شود. (استاد به آرامی لبخند می‌زند) (حاضرین می‌خندند و تشویق می‌کنند) همانطور که قبلاً به شما گفتم آزار و شکنجه فالون گونگ باعث شده است که مردم چین درک صحیحی از فالون گونگ نداشته باشند، بنابراین، گرچه خیلی از مردم با فالون گونگ آشنا نیستند، اما همگی آن سردسته شرور را محکوم می‌کنند. آیا الان چنین نیست؟ (تشویق)

پرسش: من اخیراً در حال مبارزه با عاملی قدرتمند بوده‌ام. احساس می‌کنم ممکن است نتوانم به همین ترتیب ادامه دهم، و [تا به حال] هرگز به این اندازه از لحاظ ذهنی و جسمی احساس خستگی نکرده‌ام.

معلم: افکار درست بفرستید تا یاوران تاریک را پاک کنید. در حال حاضر، هرگاه مریدان دافا به هنگام اعتباربخشی به فادچار مداخله‌ای سرسختانه و غیرطبیعی می‌شوند، پس حتماً آن کار یاوران تاریک است. وقتی آنها را پاک می‌کنید، مطمئن شوید که کاملاً محو شده و از بین می‌روند. اما آن شاگردانی که دیرتر فادچار را کسب کرده‌اند یا شاگردانی که دیرتر قدم پیش گذاشته‌اند، تزکیه و اعتباربخشی تان به فادچار همزمان به هم گره خورده است و این موجب خواهد شد فشار روی شما حتی شدیدتر جلوه کند. البته این تزکیه است، و تا وقتی افکار درست قوی داشته باشید مطمئناً خواهید توانست بر آنها غلبه کنید. وجود سختی‌ها مسلم است. [چراکه] موجودات بشری قبل از شروع تزکیه کارما دارند، آنها باید در طول تزکیه کارما را از بین ببرند، و وقتی که در حال ازبین بردن کارما هستند، رنج می‌کشند. این کارمایی است که از قبل بدهکار هستید، و استاد نمی‌تواند تمام آن را برای تان پاک کند. اگر اینگونه می‌بود که بدون پرداخت بدهی کارمایی موجودی الهی شوید، موجودات الهی حضورتان را اسباب مزاحمت می‌دیدند: «چگونه می‌توانی بین ما باشی؟ آیا آن بدهی‌هایت را پرداخت کرده‌ای؟ تمام آنها توسط استادت برداشته شده و پرداخت شده‌اند. از چه زمانی اینگونه شده است؟» البته اینگونه نمی‌شود، به همین خاطر شما باید در تزکیه مقدار معینی رنج را تحمل کنید.

با این حال به‌طور نسبی بخواهم بگویم، برای شاگردان خارج از سرزمین اصلی چین، رنج‌هایی که تحمل می‌کنید فرسنگ‌ها از رنج‌هایی که تزکیه‌کنندگان در گذشته تحمل می‌کردند فاصله دارد. در آن زمان چقدر سخت بود! امروز آنقدرها سخت نیست. می‌دانید امروزه سختی‌ها کجا هستند؟ در گذشته مردم، هم ذهنی و هم جسمی زجر می‌کشیدند، و امروز شما فقط زمانی که نمی‌توانید از وابستگی‌هایتان دست بکشید رنج می‌برید. زجرهای شما فقط از رها نکردن وابستگی‌های تان می‌آید- «ای وای! چرا اینقدر احساس بدی دارم! چرا بعضی‌ها همیشه با من بدرفتاری می‌کنند؟ چرا بدنم همیشه در حال ازبین بردن کارماست؟» موجودات بشری نمی‌توانند این چیزها را رها کنند. حداکثر چیزی که می‌توانید رها کنید چیست؟ آیا افکارتان می‌تواند درست باشد و آیا شما می‌توانید مانند یک مرید واقعی دافا باشید؟ درستکار، باوقار و با اعتماد به نفس باشید و خود را یک مرید دافا در نظر بگیرید. اگر تحت هر شرایطی به‌طور واقعی از وابستگی‌های تان دست بکشید، و با خود مانند یک مرید دافا رفتار کنید که با مردم عادی متفاوت است، باور دارم که همه چیز تغییر خواهد کرد. شاگردان قدیمی با گذر از تمام آنها، این را عمیقاً تجربه کرده‌اند. بنابراین شاگردان جدیدتر باید در این زمینه اغلب از شاگردان قدیمی بپرسند و مشورت بگیرند، و زمان بیشتری برای مطالعه فایه‌ای که قبلاً آموزش دادم، بگذارند. این سؤال‌ها تا حدودی توضیح داده شده‌اند. چیز دیگر این است که اخیراً خدایان بد (یاوران تاریک) که وارد سه‌قلمرو شده‌اند نیز مستقیماً در آزار و شکنجه مریدان دافا شرکت کرده‌اند. در بیشتر مواقع آنها هستند که کارهایی را انجام می‌دهند. وقتی افکار درست می‌فرستید، آنها را نابود کرده و مداخلات را محو کنید.

پرسش: من از استاد بسیار سپاسگزارم که نجاتم دادند. اما از نظر مالی شدیداً مقروض هستم، و انواع و اقسام افکار و وابستگی‌های بشری را دارم. بسیار نگرانم. استاد محترم لطفاً کمک کنید.

معلم: من می‌توانم شما را نجات دهم، اما درخصوص آن دلالتی که گفتید نمی‌توانم به شما کمک کنم. (حاضرین می‌خندند) فقط می‌توانم به شما بگویم تزکیه کنید. اگر بگویید که «اکنون پول زیادی بدهکار هستم، نمی‌توانم ذهنم را آرام کرده و تزکیه کنم. معلم کمک کنید پول به دست بیاورم و بدهکاری‌ام را بپردازم که بتوانم بدون نگرانی تزکیه کنم»، بگذارید به شما بگویم، این تزکیه نیست. من نمی‌خواهم شما بدین صورت تزکیه کنید. چرا که تمام موجودات بشری قرض‌هایی برای پرداخت دارند، [چیزهایی که] اینجا و آنجا بدهکار شدند، و هرکسی رنجی دارد که باید از آن بگذرد، و دقیقاً در میان چنین مشکلاتی است که شما نشان می‌دهید آیا می‌توانید تزکیه کنید یا خیر. اگر بتوانید، آنگاه همه چیز ممکن است تغییر کند. اما تزکیه‌تان باید استوار، واقعی و برآمده از اراده و اشتیاق خودتان باشد. اگر بگویید «من تزکیه می‌کنم. و هر روز تمرین‌ها را انجام می‌دهم»، اما در اعماق وجودتان فکر کنید «تا وقتی تمرین کنم استاد گفتند که تمام آن مشکلاتم برداشته خواهد شد و تغییر خواهد کرد»، پس اگر چنین افکاری داشته باشید، چیزها تغییر نمی‌کنند. زیرا در این صورت شما یک شکافی دارید و بر روی وابستگی خود سرپوش می‌گذارید. شاید خودتان را گول بزنید، اما موجودات الهی را نمی‌توانید گول بزنید. وقتی که به‌طور واقعی یک تزکیه‌کننده شوید، و آشکارا و شرافتمندانه یک مرید دافا شوید، هر چیزی تغییر خواهد کرد.

با این وجود، مواردی هستند که یاوران تاریک مداخله می‌کنند. شما باید به‌طور جدی مداخلات را با افکار درست‌تان پاک کنید.

در ادامه نکته دیگری را ذکر می‌کنم. اخیراً بسیاری از مریدان دیدند که تعداد کمی از شاگردان نسبت به استاد محترمانه رفتار نمی‌کنند. حقیقت این است که، من تمام آنها را می‌بخشم اما دقت کنید: عوامل مختلف نیروهای کهن و آن موجودات در کیهان که توسط فاعل اصلاح نشده‌اند، نمی‌بخشند. آنها این را تقبیح کرده و هر کاری بخواهند با شما می‌کنند. زمانی که در گذشته فا را در سرزمین اصلی اشاعه می‌دادم، چنین مسئله‌ای تقریباً اغلب اوقات اتفاق می‌افتاد. وقتی یکبار کسی به استاد بی‌احترامی کند، قطعاً آنها او را به سمت مقابل هل می‌دهند. تمام موجودات برای فاعل آمده‌اند، تا نقشی مثبت یا منفی ایفا کنند. آنهايي که نقش منفی ایفا می‌کنند در انتها نابود خواهند شد. بنابراین وقتی آنها می‌بینند یک شاگرد آنگونه عمل می‌کند قطعاً آن شخص را به سمت دیگر پرت می‌کنند و [باعث می‌شوند] از آن به بعد هر چقدر که بتواند کارهای بد انجام دهد.

خیلی خطرناک است. پس وقتی چنین چیزی اتفاق بیفتد، نیروهای کهن فوراً این کار را خواهند کرد زیرا آنها دلیل و بهانه‌ای برای انجام آن پیدا کرده‌اند. آنها خواهند گفت بدهکاری عظیم آن شخص توسط استادش پاک شده و استاد به خاطر او آن را تحمل کرده است، استاد کسی مثل او را- که مستحق جهنم بود- نجات داده، و اجازه داده تا موجودی الهی شود، و به او چیزهای بسیاری داده است. اگرچه او آن چیزها را نمی‌بیند، اما تمام آنها واقعی هستند و حقیقتاً به او داده شده‌اند. آنها فکر خواهند کرد «او چگونه جرأت می‌کند با استادش به این شکل رفتار کند؟» و بنابراین با اصرار او را به سمت دیگر پرت کرده و او را مجبور به انجام کارهای بد می‌کنند تا اینکه عاقبت نابود شود.

البته، من این نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تأیید نمی‌کنم، و به آنها اجازه نمی‌دهم آن کارها را انجام دهند. و به همین خاطر تمام سعی‌ام را می‌کنم که شاگردان، خودشان این چیزها را دریابند. اما اگر شاگردان مان به اینها توجه نکنند، خلاص شدن از این نوع محنت سخت خواهد بود. این مسئله چند لحظه پیش به ذهنم رسید. باید این را جدی بگیرید- تمام راه‌های منحرف، مملو از خطر و تله هستند.

پرسش: فقط هفت ماه است که فا را کسب کرده‌ام. آیا یک مرید دوره اصلاح فا محسوب می‌شوم؟ آیا زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند من هم بازخواهم گشت؟

معلم: نمی‌توانم بگویم پرسش‌تان اشتباه است. اما آنجا شما یک وابستگی دارید. چه شاگرد جدید یا قدیمی باشید، مهم نیست در کدام دسته از شاگردان قرار دارید، حالا که از در تزکیه دافا وارد شدید- حالا که وارد در تزکیه حقیقی شده‌اید- به هیچ چیزی وابستگی نداشته باشید. تنها یک فکر بشری می‌تواند تبدیل به مانعی در راه پیشرفت‌تان باشد. به همین خاطر گفته‌ای در

تزکیه وجود دارد، «داشتن آرزوی تزکیه، بدون آرزوی بدست آوردن گونگ.» شما می‌توانید تزکیه کنید اما نمی‌توانید وابسته باشید. وقتی که هیچ آرزوی بشری نداشته باشید و به هیچ چیزی وابستگی نداشته باشید، تزکیه‌تان سریع پیش می‌رود، به سرعت پیشرفت می‌کنید، و امتحان‌های سخت‌تری خواهید داشت. هرگاه وابستگی [به چیزی] داشته باشید تزکیه‌تان کند خواهد بود.

نگران این نباشید که مرید دوره اصلاح فاهستید یا جزو مریدان آینده‌اید. اکنون که راه تزکیه را در پیش گرفته‌اید، هم اکنون موجودی هستید که موجودات بشمار دیگر به شما غبطه می‌خورند. پس در مسیرتان بخوبی گام بردارید. یک موجود هر کاری که در کیهان انجام دهد، بازخورد آن را دریافت می‌کند. برای انجام کارهای خوب و انجام کارهای بد بازپرداخت وجود دارد. البته در ازای تزکیه نیز بازپرداختی وجود دارد- از آنجاکه به مقام دستیابی خود اعتبار بخشیده‌اید، بازپرداخت خوب آن رسیدن به مقام دستیابی است. این یک حقیقت مطلق در کیهان است. زیاد [به آن] فکر نکنید، و نگران این نشوید که وضعیت‌تان چگونه است. اگر می‌توانید آنچه را که لازم است انجام داده و تزکیه کنید، پس پیش رفته و تزکیه کنید.

پرسش: معلم لطفاً «راه‌حل‌های نیک‌خواهانه» را توضیح دهید.

معلم: با گفتن «راه‌حل‌های نیک‌خواهانه» منظورم راهی است که از طریق آن، موجودات در کیهان، طی اصلاح فا در فا جذب می‌شوند. بعضی از موجودات مستحق راه‌حل‌های نیک‌خواهانه نیستند، در اینصورت آنچه باید، انجام می‌شود. برای موجوداتی که علیه اصلاح فاه مرتکب گناه شده‌اند، آنها حتی کمتر شایسته راه‌حل‌های نیک‌خواهانه هستند. وقتی اصلاح فاه می‌آید، آنها پاکسازی می‌شوند. موجوداتی که با راه‌حل‌های نیک‌خواهانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند به بهترین شیوه در فا جذب می‌شوند. و مریدان دافا چیزی حتی بهتر از راه‌حل نیک‌خواهانه دریافت می‌کنند، زیرا مریدان دافا فعالانه تزکیه می‌کنند، و به سوی آینده در حال تزکیه خود هستند، پس این با ارزش‌تر از آن است که نیک‌خواهانه حل و فصل شود.

پرسش: تمام مریدان دافا در فرانسه بهترین دروهای‌شان را به استاد می‌فرستند.

معلم: متشکرم. (تشویق)

پرسش: در فرانسه مرید دافایی هست که مشکلات ذهنی دارد. یکبار که در حال دادن فلایر به گردشگران چینی بود کنترل خود را از دست داد و جلوی گردشگرها شروع به داد و فریاد کرد، که اثری منفی داشت. وقتی جلوی سفارت افکار درست می‌فرستد نمی‌تواند آرام بماند، و دورتا دور سفارتخانه چیزهایی می‌نویسد.

معلم: وقتی به این چیزها می‌رسد، به‌عنوان مریدان دافا باید به‌خوبی آن‌ها را اداره کنید. آن شاگرد، اگر یک مرید دافا باشد، نمی‌تواند آن کارها را انجام دهد. ما تنها با رحمت می‌توانیم موجودات را نجات دهیم. انجام کارها به شکل غیرمعقول اثرات منفی به بار می‌آورد.

وقتی تعداد اندکی از شاگردان نمی‌توانند احساسات‌شان را کنترل کنند، شاگردان دیگر باید آنها را متوقف کنند. مریدان دافا یکی هستند، و شما باید با هم همکاری کنید و اجازه ندهید دیگر چنین چیزهایی اتفاق بیفتند- وقتی این چیزها پیش آید باید به‌طور مناسبی حل‌شان کنید. اگر آن شخص واقعاً مشکلات ذهنی دارد، پس فکر می‌کنم باید آن شاگرد را ترغیب کنیم در خانه تمرین کند؛ استاد در آن صورت نیز از او مراقبت خواهد کرد و نیازی نیست که او بیرون و در اجتماع برود. اگر مسئله مشکلات ذهنی نباشد پس باید به او کمک کنید.

پرسش: هر چیزی در کیهان تقدیر مشخصی برای خود دارد. بعضی موجودات محکوم به نابودی هستند. چه چیزی این تقدیر را برای آن نوع موجود تعیین می‌کند؟

معلم: «هر چیزی در کیهان تقدیر مشخصی برای خود دارد» به کل کیهان اشاره می‌کند. برای مثال حقیقت فای قدیمی، این واقعیت را از قبل تعیین کرده است که کیهان از میان شکل گیری - ایستایی - فساد - نابودی می‌گذرد. این وسعت خرد فای کهن است. اگرچه تقدیر کیهان به این شکل تعیین شده است، و با اینکه ریشه‌های آن موجودات خاص، درون کیهان، به لحاظ تاریخی به کیهان پیوند خورده است، اما برای هر کاری که یک موجود به‌طور مشخص انجام می‌دهد و میزان کارمایی که دارد، او باید برای تمام آن تاوان بدهد، و اگر کارمایش بزرگتر شود نابود خواهد شد. اینها موضوعاتی هستند که به خود آن موجود بستگی دارد. و همچنین اینکه یک موجود خودش چه جهتی را برمی‌گزیند، اساساً ثابت و پایدار نیست. اما از طریق عملکرد یک موجود، دیگران می‌بینند که در کیهان، بعداً و سپس پس از آن، و سپس پس از آن، چه اتفاقی برای او خواهد افتاد. به عبارتی دیگر جدا از ساختار زمانی این بُعد ما، در ساختار زمانی دیگر، کارهایی که او انجام خواهد داد و ادامه وضعیت کنونی‌اش را می‌بینید. اگر حالت او در زمان حال ناگهان تغییر کند، پس حالتش در مرحله بعدی نیز تغییر خواهد کرد، بنابراین این چیزها ثابت نیستند. اما کل شکل‌گیری - ثابت - فسادِ مقدرشده برای کیهان ثابت است.

پرسش: اینکه کسی بتواند یک مرید دافا باشد تا حد زیادی بستگی به رابطه تقدیری هر شخص دارد. پس علت اصلی روابط تقدیری چیست؟

معلم: من درباره روابط تقدیری در جوان فالون و در بسیاری از دیگر سخنرانی‌های فا صحبت کرده‌ام. به‌طور خاص در مورد روابط تقدیری مریدان دافا گفته‌ام. سه نوع وجود دارد، مریدان دافا در سه حالت قرار دارند. فکر نمی‌کنم تکرار آن در اینجا لزومی داشته باشد زیرا وقت زیادی نداریم. شاید نرسم تمام سؤالات را جواب دهم. (استاد به آرامی می‌خندند). در آموزش‌های قبلی فا به دنبال آن بگردید.

پرسش: بسیاری از هم‌تزکیه‌کنندگان درباره اینکه چگونه باید فا را در این سطح بشری کامل و بی‌نقص کنیم، نظرات مختلفی دارند.

معلم: کامل و بی‌نقص کردن این سطح بشری؟ این گفته‌ای نادرست است. اگر کاری را به‌خوبی انجام ندهید، این مسئله‌ای مربوط به تزکیه است، و موضوعی از «کامل و بی‌نقص کردن» نیست.

پرسش: چگونه شخص می‌تواند بر بنیان خود^۴ و محدودیت‌هایی که آن برایش ایجاد می‌کند غلبه کند؟

معلم: در تزکیه نباید به این چیزها وابسته باشید. آن نامربوط است. نگران نباشید که بنیان شما چیست. وقتی موجودی امروز از عهده آن برآمده که وارد دافا شود، بنیان‌اش بد نیست. به مردم دنیا نگاه کنید - بیش از ۷ میلیارد نفر در جهان زندگی می‌کنند، و چه تعداد مرید دافای دوره اصلاح فا وجود دارد؟ با این حال شما یکی از آنها هستید. بنابراین چرا هنوز باید در مورد بنیان‌تان صحبت کنید؟ (تشویق)

پرسش: زمانی که عضوی از یک گروه هستیم، و هماهنگ‌کنندگان تعدادی از پروژه‌ها افکار بشری قوی دارند، چگونه می‌توانیم به‌خوبی با هم کار کنیم؟

معلم: هر مرید دافایی درحال تزکیه است، هر شخصی مسیر خود را طی می‌کند، و همه آنها هنوز وابستگی‌های بشری دارند، به همین خاطر است که هنوز هم می‌توانید تزکیه کنید. آنگاه، وابستگی‌های بشری نمایان می‌شوند. زمانی که ناسازگاری یا اختلاف نظر وجود دارد برای همکاری با دیگر شاگردان بی‌میل نشوید. این را در ذهن‌تان نگه دارید که تمام شما در حال گذر از آن وضعیت هستید، و همه در زمانهای مختلف آن وضعیت را تجربه می‌کنند. باید دیگران را ببخشید و آنها را درک کنید، و به

هم کمک کنید تا بتوانید با هم همکاری کرده و کارهایی که یک مرید دافا برای اعتباربخشی به فا باید انجام دهد را به خوبی انجام دهید- اکنون/ این کاری است که باید انجام دهید.

پرسش: چه اتفاقی برای کشورهای می افتد که مرید دافایی ندارند؟ ما چگونه باید فا را در آن مناطق دور اشاعه داده و حقیقت را روشن کنیم؟

معلم: مریدان دافا کارهایی را که برای یک مرید دافا مقرر شده انجام می دهند. اگر می توانید، بروید و آن کارها را انجام دهید. می توانید بروید و فا را در مناطقی که مرید دافایی در آنجا وجود ندارد، اشاعه دهید. اما وقتی به مکان هایی می رسد که سخت است یا مناطقی که در رابطه ای نزدیک با آن دسته اوباش در چین هستند که مریدان دافا را مورد آزار و شکنجه قرار می دهند، در حال حاضر نباید به آنجا بروید. زیرا کارهایی هستند که باید در مرحله بعد انجام شوند.

پرسش: اگر در آینده موجودات دوباره دچار فساد شوند آیا باز هم اصلاح فا ضروری خواهد بود؟

معلم: این چیزی است که قبلاً هرگز اتفاق نیفتاده است و احتمالاً هرگز دوباره اتفاق نخواهد افتاد.

اگر موجودات در کیهان حتی بیشتر فاسد شده بودند، آنگاه اصلاح فا نمی توانست انجام شود. اصلاح فا اتفاق افتاد، این کار دقیقاً زمانی شروع شد که موجودات در کیهان و نوع بشر دیگر به حد کافی خوب نبودند و نزدیک بود دور ریخته شوند، اما به نقطه ای نرسیده بودند که قابل نجات نباشند. آنگاه بود که فا اشاعه یافت. اگر حقیقتاً آنها به اندازه ای بد شوند که به جهنم بروند، آنگاه در آن نقطه آنها دیگر ارزش نجات را ندارند، گرچه مطمئناً می توانم همه کار و هر کاری را انجام دهم و می توانستم آنها را نجات دهم.

پرسش: وقتی یک موشک به خارج از محدوده ۹ سیاره سفر کند، آیا از سه قلمرو بیرون رفته است؟

معلم: آن، صرفاً محدوده ای است که از لایه ذرات مولکولی ساخته شده است. برای تشریح محدوده سه قلمرو واقعاً استفاده از زبان بشری سخت است. الان وقتی درباره وسعت سه قلمرو به شما می گویم، از مفاهیمی که از ادراکات بصری و جسمانی بشری و ذراتی که در همان سطح هستند استفاده می کنم. عمده ترین تفاوت بین چگونگی دید موجودات خدایی و بشری نسبت به کیهان این است که موجودات خدایی بر اساس ساختار این یک لایه از ذرات به چیزها نگاه نمی کنند. آنها به طور همزمان از تمام جهات و بصورت سه بعدی به چیزها نگاه می کنند، بر مبنای ساختارهای ترکیبی کیهان در لایه های ذرات مختلف پایین تر از آن و لایه های ذرات مختلف بالاتر از آن نگاه می کنند. آنها می توانند نمود ساختاری کامل چیزها را در سطوح مختلف کیهان ببینند، و می توانند ببینند آنها در سطحی بنیادین چه شکلی دارند. از سوی دیگر، موجودات بشری فقط می توانند این دنیا را ببینند که از لایه ذرات مولکولی ساخته شده است؛ آنها تنها می توانند چیزهایی را ببینند که از این لایه ذرات درست شده اند. اما کیهان فقط از این لایه ذرات تشکیل نشده است. موجودات انسانی قادر نیستند تصویر واقعی را ببینند؛ موجودات انسانی فقط می توانند این یک لایه را ببینند. این در نتیجه جداسازی و محدودیتی است که به خاطر عوامل مختلفی وجود دارد، و در نتیجه محدودیت های ساختار چشم انسان است، که تمام اینها به این منظور هستند که این تصویر دروغین را برای بشر بوجود بیاورند. در واقع انسانها اجازه ندارند تصویر واقعی را ببینند. به بیان دیگر، حتی در مورد چیزهایی که از این لایه ذرات درست شده نیز انسانها اجازه ندارند تصویر کاملی ببینند، و دقیقاً به موجودات انسانی این نوع چشم داده شد تا درک شان را از کیهان محدود کند، که برای این فرهنگ اینجا ساخته شد. هر چیزی با هدف خاصی خلق شده است.

می دانید، فراتر از نور مادون قرمز و ماوراء بنفش، انواع دیگری از نورها هستند که قابل رؤیت نیستند و صداهایی که قابل شنیدن نیستند، اما قطعاً وجود دارند. وسایل و ابزار علمی امروزه می تواند آنها را کشف کند و فهمیده است که آنها وجود دارند اما چشم بشر نمی تواند آنها را ببیند. به عبارت دیگر، چشمان بشر حتی اجازه ندارد که تمام چیزهایی که در این سطح دنیای انسانی

هستند را ببیند. این نوع دنیایی که انسان اجازه دارد ببیند عمداً طوری طراحی شده که ادراک موجودات بشری در این حالت ثابت بماند. اما در واقع به طور مطلق ثابت و غیرقابل نفوذ نیست - از طریق تزکیه فرد می‌تواند بر آن غلبه کند. اما اینکه شخص تا چه اندازه می‌تواند بر آن غلبه کند و چقدر از حقایق کیهان را ببیند، بستگی به سطح تزکیه‌کننده دارد. برعکس، هر چه شخص مادی‌گراتر باشد بیشتر در دام این سردرگمی گیر می‌افتد. هر چه مادی‌گراتر باشد، افکار و درک‌هایش بیشتر در دام این «واقعیت» [این بعد] می‌افتد و بیشتر در میان این «واقعیت» قرار می‌گیرد.

خطوط مرزی بزرگتر سه‌قلمرو، به اندازه جهان کوچک است. در حقیقت خطوط مرزی سه‌قلمرو در عالم ذره‌بینی، یعنی وقتی در سطح ذره‌بینی به آن نگاه می‌کنید، اگر بگوییم «چند اینچ فاصله» [دارد] مبالغه کرده‌ام. می‌دانید، ذرات ذره‌بینی ذرات یک سطح بالاتر را ساخته‌اند. پس به عبارت دیگر، ذرات در سطوح مختلف از ذرات کوچکتر یک سطح زیر [آن] تشکیل شده‌اند. می‌توان گفت مرزهای سه‌قلمرو درست همین جا قرار دارد، درست در میان همه چیز، در عالم ذره‌بینی همه چیز. به شیوه‌ای که مردم مدرن فکر می‌کنند و آن را می‌فهمند هیچ فاصله‌ای وجود ندارد - تقریباً نمی‌توانید این فاصله را اندازه بگیرید. اما ذرات سطوح مختلف که سه‌قلمرو را تشکیل می‌دهند مرزهای خود را در سطوح مختلف دارند. یعنی وقتی از صفحه‌های مختلف به آنها نگاه می‌کنید، سطوح گوناگون، مرزها و فواصل خود را دارند. کیهان موجودیت بسیار پیچیده‌ای دارد. سه‌قلمروی که ما درباره‌اش صحبت می‌کنیم محدوده‌ای است که برای اصلاح فایه که قرار بود اتفاق بیفتد، انتخاب شد. اما ذرات مشابهی در حالت‌های یکسانی وجود دارند که هم راستا با سه‌قلمرو وجود دارند و به حوزه حتی گسترده‌تری متصل هستند. و بسیاری از موجودات الهی در سطوح بسیار بالا به طور کلی به آن نیز به‌عنوان «پایین‌ترین سطح» اشاره می‌کنند. به هر جهت سه‌قلمروی که ما می‌گوییم، این محدوده‌ای است که به طور خاص انتخاب شده است. محدوده آن بُعدهای دیگری که از ذرات هم‌سطح با سه‌قلمرو تشکیل شده‌اند به طور باورنکردنی بیکران هستند.

پرسش: چرا مریدان دافا شما را لرد بوداها می‌نامند؟ چرا اینطور است که شما از مکان بالاتر و دورتری آمدید؟

معلم: (استاد به آرامی می‌خندند) در واقع من هیچ عنوانی ندارم. فقط چون در یکی از نوشته‌هایم آوردم «رحمت لرد بوداها...» شاگردان اینطور برداشت کردند: آیا استاد لرد بوداها است؟ حقیقت این است که مردم هر چه مرا صدا بزنند، نادرست است. زندگی هر شخص سرچشمه‌ای دارد و آن مکانی در کیهان است و همزمان عوامل دورتر و دیرینه‌تری دارد، و این شامل موجودات در پایین‌ترین سطح نیز می‌شود - حتی علف‌های روی زمین سرچشمه و عوامل دورتری دارند. در دوره‌های تاریخی مختلف گیاهان گوناگونی وجود داشتند، و طی دوره پیچیده و طولانی تاریخ کیهان، سیارات و ذرات مدام از هم پاشیده و سپس دوباره به دنیا می‌آمدند، متلاشی شده، دوباره به دنیا می‌آمدند، به طور مستمر نو می‌شده‌اند. و مقدار زیادی غبار در کیهان احتمالاً عوامل موجوداتی هستند که در زمان خیلی خیلی قبل متلاشی شدند. مقدار زیادی خاک و غبار که روی زمین می‌نشیند می‌تواند موادی از گذشته بسیار بسیار دور باشد. سپس علف‌ها مواد داخل آن خاک و غبار را جذب می‌کنند، و شاید آن علف نیز عوامل گوناگونی از گذشته‌های دور را با خود دارد. این، صحبت کردن درخصوص آن از نظر سطح ظاهری مواد است. هر چیزی زنده است - تا وقتی چیزی وجود داشته باشد، زنده است.

از دیدگاهی دیگر، انجیل می‌گوید یهوه انسان را از خاک رس آفرید. در حقیقت، چیزی که یهوه خلق کرد یک گونه از انسان‌های سفیدپوست بود، نه تمام سفیدپوستان. تمام سفیدپوستان به یک گونه تعلق ندارند - آنها توسط خدایان متعددی بوجود آمدند. زردپوستان نیز توسط خدایان مختلف بوجود آمدند. و مردمان دیگر، مثلاً هندی‌ها، مصریان باستان و غیره همگی توسط خدایان مختلف خلق شدند. مردم معتقدند خدا انسان را شبیه خودش خلق کرد، درحالی‌که در حقیقت این چگونگی عملکرد توانایی یک خداست - انسانی که او خلق کرد در پایین‌ترین قسمت خود او و در پایین‌ترین سطح ذرات او محصور است، اینگونه است. ساده بگوییم، آن ذره‌ای در کف پای آن خداست؛ شما می‌توانید آن را یک سلول بنامید. قبلاً در سخنرانی‌های فا گفته‌ام که تک‌تک سلول‌های یک موجود - انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و غیره - به شکل بدن اصلی است.

زمانی که در گذشته هر جزء موجودات بشری خلق شد، شامل تمام چیزهایی که روح و جوهر آنها را تشکیل می‌دهد، از مواد و عناصر درون سه قلمرو بوجود آمد. البته خدایانی که مردم مختلف را خلق کرده بودند از مردمان خودشان مراقبت می‌کردند. این ادامه داشت تا زمان اخیر که زمان اشاعه فا نزدیک بود، که در آن مرحله بسیاری از روح‌های درون پوسته‌های بشری از موجوداتی بودند که از سطوح بالا آمده بودند، و جایگزین روح‌های انسان‌های قبل شدند. چیز دیگری که باید روشن شود این است که هر چیزی که از لایه ذرات سطح ظاهری انسان ساخته شده، پوسته بشری نامیده می‌شود. و آن شامل استخوان‌ها، اندام‌های داخلی و پوست شخص می‌شود. این پوسته ظاهری بشری بعد از پیری می‌میرد، اما خیلی از چیزهایی که این لایه در طول عمر خود دریافت کرده است به نسل بعد منتقل می‌شود. در طی سال‌های سال، نسلی بعد از نسل دیگر، انسان‌ها در حال منتقل کردن محتوای فرهنگی بودند که خدایان برای انسان خلق کردند. در سطح شناختی، موجودات بشری در مورد این‌ها چیزی نمی‌دانند اما آنها دروناً جزئی از وجود انسان‌ها است. وقتی به زمان اخیر می‌رسد، درحالی‌که خیلی از موجودات که برای فا آمدند به شکل انسان باز پیدا شدند، روح‌های انسان‌هایی که توسط خدایان خلق شده بودند در جهان مردگان ماندند، و موجودات الهی که از سطوح بالا و فراتر از سه قلمرو آمدند به عنوان انسان باز پیدا شدند و آن لباس [پوسته بشری] را پوشیدند. پس به بیانی دیگر، پوسته بشری که در گذشته توسط آن موجود خدایی خلق شده بود توسط موجود خدایی دیگری بر تن کرده و پوشیده شد.

پس چیز دیگری اینجا باید روشن شود: آن موجود خدایی متفاوت، ممکن است پایین‌تر از آن خدایی که موجود انسانی را خلق کرد نباشد؛ ممکن است بالاتر، یا البته پایین‌تر، یا در یک سطح باشد. او آمد و [پوسته] بشری را بدست آورد که موجودی خدایی خلقش کرده بود، و آن به این معنی است که یک موجود خدایی دیگر، وارد حد و مرزهای آن موجود خدایی‌ای که در ابتدا بشر را خلق کرد، شده است. اغلب می‌گوییم که مردم امروز پیش‌زمینه‌ای قابل توجه دارند- اگر از مردم دنیا کسی باشد که روحی که خدایان در ابتدا خلق کردند را داشته باشند، تعدادشان اندک است. بدون توجه به اینکه چه کسی باشد، وقتی وارد این دنیای توهم می‌شود، با هر چه که تماس داشته باشد و هر چه با چشم‌هایش ببیند، به همین شکل است، از لحظه‌ای که از شکم مادر متولد می‌شود اینگونه دنیا را می‌بیند. و در این اجتماع توهم، او نیز مانند هر فرد دیگری کارما بوجود خواهد آورد. بیشتر اینکه، نوع بشر امروزه فرهنگی درست کرده است که باعث می‌شود مردم حتی بیشتر در این جامعه گم شوند، تا بتوانند خود را در این فرهنگ ماده‌گرایی بالا بکشند. برای موجودات بشری اینجا بی‌نهایت سخت است که طرز فکرشان صعود کند- برای یک شخص فهمیدن اینکه چه چیزهایی فراتر از همه اینها است، فقط از طریق تزکیه بدست می‌آید.

پدیده دیگری نیز وجود دارد. خدایان مختلف مردمان گوناگونی را خلق کردند، اما طی چند هزار سال گذشته، ادیان مختلف در خارج از منطقه یا گروه قومی خود اشاعه پیدا کرده‌اند. در نتیجه برخی از مردم به خدایان دیگری ایمان پیدا کردند. و این باعث ناراحتی خدایانی شد که آنها را خلق کرده بودند. و بیشتر اینکه، آن موجود خدایی که فرد هم‌اکنون به آن اعتقاد دارد، نمی‌تواند مردمی را نجات دهد که توسط خدای دیگری خلق شده‌اند. و گروه‌های قومی بسیاری، دیگر نمی‌دانند خدای حقیقی‌شان کیست. این وضعیت اغلب در تاریخ اتفاق افتاده است، در نتیجه چاره‌ای برای آن موجود خدایی که آن انسان‌ها را خلق کرد باقی نمی‌گذارد جز اینکه آن انسان‌هایی که خلق کرده است را رها کند. یکبار که این اتفاق بیفتد، خیلی از گروه‌های قومی تبدیل به مردمی می‌شوند که ریشه‌ای ندارند و هیچ‌یک از موجودات خدایی از آنها مراقبت نمی‌کنند. چیزهایی مثل آشفتگی اجتماعی، از دست دادن عقلانیت و بی‌حرمتی به موجودات خدایی، اکثراً از این مردم سر می‌زند. این افراد و گروه‌های قومی همگی ضعیف و ناتوان هستند.

در مورد اینکه چرا استاد از مکانی دورتر و بالاتر آمده است، در واقع شاید خیلی از مریدان دافای حاضر در اینجا نیز از مکان‌هایی بالاتر و دورتر آمده باشند. (تشویق به آرامی شروع می‌شود و سپس اوج می‌گیرد) فقط اینطور است که من از مکانی کمی دورتر آمدم، و به همین خاطر در طول اصلاح فا می‌توانم همه را نجات دهم. در این مورد که از کجا آمدم، برای موجودات در کیهان، اینکه از سطحی پایین یا بالا آمده باشم اکنون موضوعی بی‌ربط است- موضوع بسیار مهم‌تر این است که به سمت چیزی که بالاترین و نهایی‌ترین است می‌روم. برای شما این کافی است که بدانید من برای اشاعه این دافا و گسترش آن آمدم.

پرسش: برخی از شاگردان دافا بر این باورند که به طور برنامه‌ریزی شده روشنگری حقیقت برای وکلا، یادگیری قانون با جزئیات، و به دنبال کسب نتایج دلخواه بودن، بی‌احترامی به وکلا است. ممکن است در این باره استاد چند کلمه‌ای بگویند؟

معلم: اجتماع بشر امروزه توسط خود او در چهارچوب فضایی تنگ محصور شده است. خرد انسان محدود است، و محدودیت‌های زیادی بشر را در قالب خود اسیر کرده است. حل کردن بسیاری از مسائل واقعاً سخت است، و نجات مردم مشکل است. این چیزها را با خرد اداره کنید. در این مورد که چه کار باید کرد، البته این موضوعی از روشنگری حقیقت نیست. برطبق شرایط خاص تان عمل کنید. هیچ یک از چیزهایی که در جریان اعتباربخشی به فا به آنها برمی‌خورید یکسان نیستند، پس برای من غیرممکن است بتوانم به طور جامع همه چیز را پوشش دهم یا درباره این موارد خاص در اینجا صحبت کنم، بنابراین شما هنوز هم خودتان باید چیزهایی که با آنها روبرو می‌شوید را اداره کنید. فهمیدن اینکه چگونه کارها را به خوبی انجام دهید بخشی از اعتباربخشی شما به فا و پیمودن مسیر خودتان است.

پرسش: آیا نمایش تمرین‌ها برای مردم، از جمله برای توریست‌های چینی، روشنگری حقیقت محسوب می‌شود؟

معلم: نمایش دادن تمرین‌ها می‌تواند اثر مشخصی داشته باشد. هر کاری که انجام می‌دهید به تأثیر مثبت معینی می‌رسد. اما اگر درباره حقایق صحبت نکنید، وارد جزئیات نشوید و فقط تمرین‌ها را انجام دهید، پس در حال حاضر نخواهید توانست مسائل پیچیده بسیاری که در حال حاضر در ذهن مردم است را حل کنید.

پرسش: مریدان دافا از شیشوانگ بانا استان یون‌نان، دانشگاه چینگهوا در پکن، جیاوگوان در استان گانسو، استان هیئی، استان گوانگ دونگ، نیوزلند، پرو، شهر تیان جین، مونترال کانادا، شهر چانگ چون، پکن، شهر شین یانگ، شهر هاربین، لشان استان سیچوان، کوه ایمی، گوانگجو، شهر جینگجو و مودیان جیانگ درودشان را به استاد می‌فرستند.

معلم: از همه سپاسگزارم. (تشویق)

پرسش: ناگر هم‌ترکیه‌کنندگان به اشتباه کسی را جاسوس قلمداد کنند آن شخص چه باید بکند؟

معلم: اجازه دهید کمی درباره مسئله جاسوسان صحبت کنم. (استاد به آرامی می‌خندند) (حاضرین می‌خندند) آیا می‌دانید در واقع استاد چگونه به این مسائل از منظری دیگر نگاه می‌کند؟ مطمئناً آن چیزهایی که نیروهای کهن درست کردند آزمایشاتی هستند که مریدان دافا را هدف قرار داده است، اما در حقیقت می‌گویم که آنها توهین به فا هستند، آنها موجب شرمساری بشر هستند، آنها به فا بی‌احترامی می‌کنند، آنها مداخله‌گران در اصلاح فا هستند، و نباید اتفاق می‌افتادند. اما دقیقاً به دلیل اینکه موجودات، دیگر در حد انتظار نبودند اصلاح فا ضروری شد. به رغم همه اینها، چنین شغلی در بین انسان‌ها پدید آمد. پس آیا این گونه است که فقط پست‌ترین و بدترین مردم برای جاسوس بودن انتخاب شدند؟ خیر. کاری که یک شخص انجام می‌دهد تا حد زیادی بوسیله ترجیح خود او تعیین می‌شود، اما کسانی هم هستند که به اکراه و بر اساس اقتضای شرایط یک شغل را انجام می‌دهند، و کسانی هستند که به دلیل اینکه باهوش قلمداد شده و قادر به انجام شغل‌های خاصی هستند، انتخاب می‌شوند. به عبارت دیگر انتخاب شغل یک فرد توسط خوب یا بد بودن سرشت او تعیین نمی‌شود. آیا افراد خوب در بین جاسوسان هستند؟ قطعاً. شغل‌های مختلف در جامعه بشری به ما نمی‌گویند که شخصی خوب یا بد است، یا اینکه آیا آن موجود می‌تواند نجات یابد یا خیر.

من این مسئله را دیدم، بنابراین از زمان شروع آموزش فا گفته‌ام - و براساس همان [تا به اینجا] این کار را انجام داده‌ام - هیچ شغل یا جایگاه اجتماعی را از قلم نمی‌اندازم؛ بدون توجه به اینکه کارتان چیست شما را نجات خواهم داد. این در به‌طور گسترده‌ای باز است، کاملاً باز است، آنقدر باز که در حقیقت دیگر دری وجود ندارد - تا زمانی که بخواهید ترکیه کنید، می‌توانید داخل شوید. هر کسی را نجات می‌دهم، مهم نیست شغل‌تان چه باشد. اما اینکه شخص وارد شود یا نشود به خودش بستگی

دارد، و اینکه بتواند فا را کسب کند مسئله‌ای مربوط به خود اوست. برای مردم امروزی سخت است کاری را انجام دهند که باب میل‌شان است - چطور ممکن است شخص برود و هر کاری می‌خواهد در زندگی‌اش انجام دهد؟ چگونه می‌تواند این‌قدر ساده باشد؟ واقعاً مشکل است. به عبارت دیگر، شخص که در این دنیا زندگی می‌کند نمی‌تواند هر شغلی که می‌خواهد را انتخاب کند. من این را دیدم، و علاوه بر آن، تمام موجودات بشری برای فا آمده‌اند، پس اهمیتی ندارد چه کاری انجام می‌دهید و شغل‌تان چیست، می‌توانم شما را نجات دهم. اما اینکه بتوانید در تزکیه به خوبی پایدار باشید، و همچنین اینکه بخواهید تزکیه کنید یا نکنید به خودتان بستگی دارد.

من در این باره صریح بوده‌ام و آن را عملی کرده‌ام. اما طی این سالها بسیاری از شاگردان مان هنوز حقیقتاً مقصود پشت کلمات استاد را درک نمی‌کنند. من کاملاً این در را گشوده‌ام، و اجازه دادم مردم از هر شغل و هر بخش جامعه داخل شوند. پس چرا شما هنوز به‌طور غیرضروری بر خط‌کشی و تمایز ایجاد کردن اصرار می‌ورزید؟ (تشویق) این بدین دلیل است که موجودات بشری در حال تزکیه هستند، نه موجودات خدایی. زمانی که انسان‌ها تزکیه می‌کنند، افکار بشری دارند و این افکار بشری شامل عادات و وابستگی‌ها و تمایلات حرفه‌ای هم می‌شود که نتیجه شغل‌شان است و ناآگاهانه تأثیر خود را می‌گذارند. وقتی فرد به‌خوبی تزکیه نمی‌کند، وابستگی‌های عادی و همیشگی او که در شغلش شکل گرفته‌اند، نمایان می‌شوند. بنابراین مطمئناً گرایش‌ها یک شخص به‌عنوان جاسوس یا مأمور ویژه نیز نمایان می‌شوند، و آن فرد زمانی که نمی‌تواند یک آزمایش را بگذراند، ممکن است حتی کارهایی را اشتباه انجام دهد. مخصوصاً در این زمانی که مریدان دافا در حال آزار و شکنجه شدن هستند، زمانی که او نتواند یک امتحان خاص را بگذراند؛ در لحظه‌ای از گیجی و سردرگمی، اطلاعاتی را گزارش خواهد کرد. اما در سطحی بنیادی، اینکه او فردی بد یا قابل نجات است فقط در آن یک لحظه تعیین نمی‌شود. باید به او اجازه دهید اشتباه کند و به او فرصت دهید اعمالش را تصحیح کند - به همین خاطر این فای ما شکوهمند است. (تشویق)

قبلاً گفته‌ام که هیچ کسی نمی‌تواند به دافا آسیب بزند، و فقط هنگامی که مریدان دافا به‌خوبی عمل نمی‌کنند به دافا آسیب می‌زنند. بنابراین در طی این آزار و شکنجه، آن دسته ارادل می‌خواهند از مریدان دافا استفاده کنند تا به دافا آسیب بزنند، اما در حقیقت یک ذره هم نمی‌توانند صدمه بزنند. چیزی که گفتم بر این اساس است که، یک مرید دافا به‌طور حقیقی در حال تزکیه است، اما در طول تزکیه‌اش اصول فا را آنقدرها عمیق و کامل درک نمی‌کند، و در مسیرش به‌خوبی پیش نمی‌رود، و اثری بد می‌گذارد. درواقع او فقط می‌تواند اینجا در بین انسان‌ها اثری بگذارد - هیچ کسی نمی‌تواند تأثیری بر جوهر و ماهیت دافا داشته باشد. در مورد آنهایی که در طول آزار و شکنجه به سمت مقابل رفته‌اند، آنها دیگر مریدان دافا نیستند، اما آنهایی که برمی‌گردند، این موضوعی متفاوت است. وقتی که آنها دیگر مرید دافا نباشند، در اصل جزئی از آن دسته اهریمنی شکنجه‌گران شده‌اند، عمداً کارهای بد انجام می‌دهند، دانسته چیزها را خراب می‌کنند، حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند، و دروغ را به جای راست جا می‌زنند. آن نمی‌تواند به دافا صدمه بزند، و تنها به مریدان دافا کمک می‌کند که بیشتر و بیشتر منطقی شوند، و افکارشان بیشتر و بیشتر درست شود، و باعث می‌شود که آنها آگاه‌تر و هشیارتر شوند. آیا این همان نتیجه آزار و شکنجه نیست؟ آیا همگی شما بالغ و کامل نشده‌اید؟ چیزی که می‌گویم این است که فقط وقتی مریدان دافا خودشان به‌خوبی عمل نمی‌کنند اثر و نتیجه‌ای بد در دنیا خواهند گذاشت. اگر یک مرید دافا ذهنیت یک بشر عادی را داشته باشد و به‌خوبی عمل نکند، یا قبلاً جاسوس بوده، یا به‌دلیل اینکه یک شاگرد نتوانسته است امتحانی را بگذراند کار اشتباهی انجام دهد، و به این ترتیب همه او را بیرون کنند یا جور دیگری با او رفتار کنند، واقعاً باعث شود فرصت تقدیری هزاران ساله او از بین برود، و سبب شود او به سمت مقابل برود، آن وقت بگذارید به شما بگویم، این حقیقتاً انجام دادن کاری بد است. (تشویق)

فقط وقتی قادر باشیم که ببخشیم، می‌توانیم مردم را نجات دهیم. اگر هر کدام از مریدان دافا می‌توانست این‌گونه فکر کند، پس در این باره ببینید، با آن قدرت برآمده از رحمت، آیا هیچ فضایی برای وجود عوامل بد باقی می‌ماند؟ حال که به اینجا رسید بگذارید به شما بگویم، جاسوسان حرفه‌ای نمی‌توانند وارد شوند. [جاسوسانی که میان ما هستند] شاگردان [دافا] هستند که سابقاً پیش از ۱۹۹۹ در آن شغل بودند و به‌خوبی تزکیه نکردند، یا شاگردانی که در مرحله‌ای از روی ترس تسلیم شیطان شدند و به‌خوبی عمل نکردند. اگر به آنها بگویید که واقعاً به فا آسیب بزنند، آنها این کار را نمی‌کنند. صرفاً این‌طور است

که در زمان خاصی سردرگم شدند، خوب عمل نکردند و نتوانستند امتحان را بگذرانند، و در آن مرحله مسیر اشتباهی را برگزیدند. همچنین تعدادی از مریدان دافا هستند که به چیزهای کمی که دارند وابسته‌اند، و برخی فقط می‌خواستند تا حدی کاری انجام دهند که آن عوامل رذل جاسوس دست از سرشان بردارند. حقیقت این است که غیرممکن است کسی واقعاً [بتواند] به دافا آسیب بزند.

بنابراین دقیقاً این اتفاق زمانی می‌افتد که برخی از شاگردان هنوز وابستگی‌های بشری دارند و هنوز در بعضی جنبه‌ها به‌خوبی عمل نمی‌کنند. در مورد این نظر که جاسوسان واقعاً در بین ما پنهانی وارد شده و نفوذ می‌کنند، به شما می‌گویم، این غیرممکن است، چون کاری که ما انجام می‌دهیم تزکیه است. آنها می‌خواهند از شاگردان استفاده کنند تا به آنها به اصطلاح «اطلاعات» بدهند و آنها بتوانند اهدافشان را پیدا کنند. اما تمام این‌ها بی‌فایده است، و آنها خودشان را فریب می‌دهند. آن عوامل جاسوسی کاملاً به‌خوبی می‌دانند که فالون گونگ هرگز هیچ رازی ندارد، و خیلی خوب می‌دانند فالون گونگ گروهی از مردم خوب هستند که فقط مخالف آزار و شکنجه‌اند. آنها خودشان این را می‌دانند. یکی از روش‌های نادرستی که به کار می‌برند این است که جوی درست می‌کنند که به مردم فشار بیاورد و آنها را تحریک کند - در چین از آنها استفاده می‌کردند تا این کمپین‌ها را بوجود بیاورند. این تمام چیزی است که آنها برای انجام امور می‌دانند، و چیزهای خاصی را بزرگ‌نمایی می‌کنند تا مردم را تحت تأثیر قرار دهند. آیا این روی تزکیه‌کنندگان کار می‌کند؟ چندین سال گذشته است، و آیا مریدان دافا پابرجا تر و منطقی‌تر نشده‌اند؟ (تشویق) آیا کسی از این ترسیده است؟ هیچ کسی نترسیده. آیا هیچ‌یک از مریدان دافا در سرزمین اصلی چین، تحت چنین آزار و شکنجه شرورانه‌ای ترسیده است؟ البته کسانی هستند که نتوانستند آن را پشت سر بگذرانند، اما ورود آنهايي که نتوانستند، عمداً توسط نیروهای کهن برنامه‌ریزی شد. گفته‌ام که تمام موجودات برای فایده‌اند، اما همه آنها برای ایفای نقشی مثبت نیامده‌اند. هدف نیروهای کهن این بود که این نوع موجود نقشی منفی را ایفا کند تا مریدان دافا بتوانند آبدیده شوند. به این صورت است؛ اینگونه نیست که افراد فرومایه بتوانند هر کاری انجام دهند. انسان‌ها نمی‌توانند این چیزها را به‌طور واضح ببینند، و انسان‌ها فقط به کارهایی که دوست دارند انجام دهند وابسته‌اند، اما هر کاری که انسان‌ها انجام می‌دهند باید برایش بپردازند. این قطعی است. (تشویق)

همچنین می‌دانم واقعاً مأموران ویژه‌ای هستند که از شکاف‌های شاگردانی که وابستگی‌هایی دارند، استفاده کرده‌اند. آن به خاطر شاگردانی است که به‌خوبی عمل نکرده و بسیار وابسته‌اند. آن تعداد اندک شاگردانی که هشیار نیستند باید به این توجه کنند.

هم‌اکنون این‌ها را از زاویه‌ای مثبت آموزش دادم. اما این را نیز می‌دانم که وقتی استاد بارها و بارها فرصت دوباره می‌دهد هنوز هم تعداد کمی هستند که آن را درک نمی‌کنند و بخشنده‌گی مداوم استاد را جدی نمی‌گیرند و به کار کثیف جاسوسی مشغول هستند، به وجدان خودشان و به مریدان دافا خیانت می‌کنند. آنها مکرراً برای شیطان، به اصطلاح «اطلاعات» تأمین می‌کنند، و در چشم خدایان، اثرات منفی که اعمال آنها برای دافا دربردارد اکنون فراتر از آن است که بتواند بپردازند. این نوع مداخله و مزاحمت برای اصلاح فایده در حقیقت مستقیماً شرکت در آزار و شکنجه است، و پیامدهایش همانند جزای آن دسته ارادل در چین خواهد بود که مریدان دافا را شکنجه می‌کنند. بیشتر از این حرفی برای گفتن به این افراد ندارم، و چیزی که کمی پیش‌گفتم برای چنین شخصی مصداق ندارد. همین که به این نقطه رسیدم، یک موجود خدایی گفت: «به نظر می‌رسد تنها فرصتی که برای‌شان باقی مانده این است که برای مراسم تدفین‌شان برنامه‌ریزی کنند.»

پرسش: شما گفتید که با خوب انجام دادن سه کار، همه چیز دربرگرفته خواهد شد. آیا این بدان معنا است که تمام وابستگی‌های شخص و تضادهایی که داشته، با نیکخواهی حل و فصل خواهد شد؟ صمیمانه از استاد درخواست می‌کنم مرا در این باره آگاه کنند.

معلم: (استاد به آرامی می‌خندند) اگر یک شخص نتواند آن مشکلات اساسی را در تزکیه‌اش حل کند، پس نمی‌توانید بگویید که او در حال تزکیه است. تزکیه چیست؟ هدف نهایی تزکیه چیست؟ آن برای این است که از مردم عادی فراتر روید.

وقتی که دیگر یکی از آنها نباشید، آیا تضادها، وابستگی‌های گوناگون و عوامل مختلف مردم عادی هنوز تأثیری بر شما دارند؟ قطعاً خیر. اما اینکه بتوانید از آن بیرون بیایید و به سوی خارج از آن تزکیه کنید، اینکه بتوانید با پشتکار به پیش بروید، در تزکیه به سرعت یا به کندی پیشرفت کنید - تمام آن به خود شما بستگی دارد. من به عنوان استادان قطعاً در قبال شما مسئول هستم. اما اینکه بتوانید با پشتکار رو به جلو حرکت کنید هنوز به شما بستگی دارد. آیا یک موجود خدایی می‌تواند با هر نوع از وابستگی‌های بشری به نوسان درآید؟ ابداً، ممکن نیست. بنابراین هر چیزی قابل حل و فصل است. فقط اینکه به چگونگی تزکیه خودتان بستگی دارد. اگر صرفاً با ذهنی که بر حل این مسئله متمرکز است در حال تزکیه هستید، پس به‌طور حقیقی تزکیه نمی‌کنید. تزکیه باید کاملاً بدون قید و شرط باشد.

پرسش: آن سطحی از کیهان که توسط یک مرید دافا بوجود می‌آید زیاد دوام نمی‌آورد. استاد لطفاً اگر امکان دارد این را روشن کنید؟

معلم: من به شما نگفتم که دوامی ندارد. در حال حاضر شما انسان‌ها با ذهنیت بشری فکر می‌کنید. (استاد به آرامی می‌خندد) یک فکر بشری... از آنجاییکه انسان‌ها هیچ قدرتی ندارند، چیزی که بیرون می‌فرستند مثل حبابی از هوا است، ریز است، و در زمانی اندک از هم می‌پاشد. اما چیزهایی که از افکار یک مرید دافا برمی‌خیزد نیرومند است، و هر چه سطح مرید بالاتر باشد، آن چیزهایی که از افکارش بیرون می‌آید بزرگتر و قوی‌تر است، و دوام بیشتری دارد. برای یک موجود خدایی غول‌پیکر، یک فکرش می‌تواند عوالم و بدن‌های کیهانی را خلق کند. در واقع، عوامل بنیادین بیشتری دخیل هستند. فاکتور تماماً دربرگیرنده و تماماً کامل‌کننده است، و تمام عوامل ناکامل در کیهان کهن اکنون به شکلی عالی در اصلاح فاکتور شده‌اند. پس از آنجا که آن فاکتور تماماً دربرگیرنده و تماماً کامل‌کننده است، حتی سرشت بنیادین کیهان یعنی شکل‌گیری - ثبات - فساد تغییر کرده است، و مفهوم زمان آن نمی‌تواند توسط ذهنی بشری درک شود.

پرسش: اخیراً هم تزکیه کنندگان اغلب از نرم‌افزارهای الکترونیکی برای به اشتراک گذاشتن درک‌هایشان و مطالعه فا استفاده می‌کنند، و حتی شدیداً از بکار بردن آن حمایت می‌کنند. در نتیجه افراد فرصت کمتری برای به اشتراک گذاشتن افکار و مطالعه فا به صورت حضوری دارند.

معلم: حقیقتاً آن درست نیست. بجز عده کمی از مریدان، شما نباید این کار را بکنید. اما این به معنی ممنوع کردن استفاده گاه به گاه آن در زمان‌هایی که خیلی مشغول هستید نیست، فقط به آن عادت نکنید. این چیزی نیست که بخواهم به جای بگذارم. اشکالی ندارد که خودتان به شکل یک گروه، فا را مطالعه کنید، و شخصاً فا را مطالعه کنید و تبادل اندیشه کنید. وقتی که مشغول هستید می‌توانید از [چنین نرم‌افزاری] بهره ببرید، اما همه شما نمی‌توانید، و به‌طور مکرر نمی‌توانید از آن استفاده کنید.

پرسش: من تفاوت بین چیزهایی که ناپاک هستند و چیزهایی که منحرف شده‌اند را درک نمی‌کنم، استاد ممکن است لطفاً آن را تشریح کنید؟

معلم: ناپاکی و انحراف چیزها دلیل اصلی سقوط کیهان قدیم است، و آن به خاطر سرشت کیهان قدیم است. شکل‌گیری - ثبات - فساد - نابودی نهایت خرد فا در گذشته بود، و آن راهی برای پاکسازی دوره‌های قلمروهای خاص مختلف بود، اما وقتی همه چیز به آن مرحله رسید، به انتهایش رسیده است. تا جایی که به ناپاکی و انحراف مواد مربوط می‌شود، اگر از جنبه اجتماع بشری به آن نگاه کنید، ناپاکی بوجود آمده توسط علم نوین در هوا، خاک، فلز، آب و عناصر شیمیایی دیگر نمی‌تواند توسط بشر حل و فصل شود. از دید موجودات خدایی، تفکر نوع بشر بسیار منحرف شده است به‌طوری‌که آنها دیگر بشر نیستند. همه چیز در کیهان به صورت چرخه‌ای است، بنابراین وقتی آن چیزها توسط موجودات سطوح بالاتر استخراج و بیرون کشیده

می‌شوند، باعث خواهند شد عناصر و موجودات در بُعدهای بالاتر آلوده شوند. بیان آن به شکلی ساده اینگونه است. به صحبت‌هایم در چند سخنرانی فا در گذشته نظری بیندازید.

پرسش: در مورد نقش وب‌سایت مینگهویی در روشنگری حقیقت، شاگردان خارج از کشور چگونه باید با هم کار کرده و کمک کنند؟

معلم: نقش وب‌سایت مینگهویی در روشنگری حقیقت قابل جایگزین شدن نیست. آن مهمترین پنجره‌ای است که از آن طریق حقیقت در مورد آزار و شکنجه و وضعیت کلی دافا و اعتباربخشی مریدان دافا به فا را درمی‌یابیم. وقتی به موضوعات مربوط به مریدان دافا می‌رسد، همیشه باید با هم همکاری کرده و به‌خوبی کار کنید.

پرسش: اخیراً با شاگردی برخورد کردم که ادعا می‌کند به کمال رسیده است و اکنون می‌تواند در روش دیگری تزکیه کند. می‌توانم بیرسم آیا او در راهی شیطانی روشن بین شده یا فقط اجازه داده تصوراتش لگام گسیخته شوند؟

معلم: می‌گویم او دچار تب شده است، (حاضرین می‌خندند) و آن تب او را گیج و آشفته کرده است. در واقع، هر کسی که آن را بگوید در خطر است. افرادی که خردمند نیستند، افکار درست ندارند و هشیار نیستند کسانی هستند که موجودات خدایی بیشتر از همه آنها را حقیر می‌شمرند.

پرسش: آیا برای رسانه‌ها مناسب است که عکس استاد را منتشر کنند؟

معلم: فکر می‌کنم خوب است و مشکلی ندارد، چراکه من روش‌های خود را دارم. (استاد به آرامی می‌خندند) (تشویق)

پرسش: استاد در سفر به آمریکای شمالی برای آموزش فا بیان کردند، «من خودم هم نمی‌دانم چه کسی هستم.» این را خوب درک نمی‌کنم.

معلم: درک چه چیز آن سخت است؟ چیزی که گذشته است گذشته، و اکنون من برای تمام موجودات یک معما هستم، و در آینده کسی نخواهد فهمید که من کجا هستم. من تماماً قادر هستم، و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع من شود. مرا هر چه که بنامید دقیق نیست. در آینده موجودات مختلف مرا در تصویر گروه قومی خود خواهند دید. همه چیز توسط من پدید آمد، و با این حال من در میان هیچ چیزی نیستم - معنایش این است. (حاضرین می‌خندند و تشویق می‌کنند)

پرسش: بیماری‌هایی که از حیوانات به انسان منتقل می‌شوند مانند آنفلوآنزای مرغی و جنون گاوی به تازگی در سراسر دنیا ظاهر شده‌اند. می‌توانم از استاد محترم بیرسم، این پدیده چگونه به پیشروی اصلاح فا مربوط است؟

معلم: نوع بشر کارمای بسیار زیادی دارد. آن به این خاطر است که موجودات بشری هم اکنون از هر نظر به جایگاه خطرناکی سقوط کرده‌اند، کارمای آنها بزرگتر و بزرگتر می‌شود، و فراتر از آن، طرز نگرش آنها به دافا... بیشتر آن بوسیله خود انسان ایجاد شده است. این ظاهراً به‌طور مستقیم به اصلاح فا ربطی ندارد، اما همه چیز حول محور دافا می‌چرخد، و هیچ چیز تصادفی اتفاق نمی‌افتد. با این چیزها به مردم هشدار داده می‌شود.

پرسش: چرا آنهايي که به کار جاسوسی بین شاگردان مشغول‌اند هنوز بیدار نشده‌اند؟ اگر هویت آنها را درست در مقابل‌شان آشکار کنیم، آیا آن برخلاف نیک‌خواهی است؟

معلم: انجام آن برای محافظت از فا نمی تواند بر خلاف نیک خواهی تلقی شود. پس چرا آنها را بیدار و هشیار نکنید، یا اگر می خواهید، می توانید آنها را افشاء کنید. بهتر این است اگر می توانیم آنها را نجات دهیم، اما اگر قابل نجات نیستند این انتخاب خود آنهاست.

پرسش: بعضی از مریدان دافا مقالاتی را در اینترنت درباره معجزات مربوط به دافا گذاشته اند، و این باعث شده تا تعدادی از خوانندگان اینترنتی، دافا را درست درک نکنند.

معلم: بحث حول این موضوع به طور مسئولانه مشکلی ندارد. نگران سوء تفاهم ها نباشید، اما چیزها را به شکلی عجیب و دور از فهم انجام ندهید. اگر اعتبار بخشی به فا را بزرگوارانه و خرمندانه انجام دهید، مشکلی وجود نخواهد داشت. در نهایت، مریدان دافا تزکیه کننده هستند؛ ما جزئی از گروه سیاسی مردم عادی در جامعه نیستیم، ما گروهی از تزکیه کنندگان هستیم، و بسوی الوهیت تزکیه می کنیم، بنابراین البته که معجزات حقیقتاً رخ می دهند. (تشویق)

پرسش: شما گفته اید که اگر شخص نتواند تمایلات و جاذبه های جنسی را ترک کند، نمی تواند مطلقاً به کمال برسد. اخیراً هنوز هم خیلی از مریدان هستند که از تمایلات و جاذبه های جنسی دست نکشیده اند. لطفاً به من بگویید واحد سنجش کمال چیست؟ آیا این واحد سنجش توسط ذرات برآورد می شود؟

معلم: هیچ کسی تا به حال چنین چیزی نگفته است - آیا این از افکار لگام گسیخته شما آمد؟ هرگز به شما چنین نگفته ام که رابطه ای بین کمال و چیزی مانند واحد سنجش وجود دارد. مریدان دافا: خیلی وقت پیش به شما گفتم که جاذبه ها و تمایلات جنسی مواعی مهلک در مسیر هستند که یک تزکیه کننده حتماً باید بر آنها غلبه کند. [آن افراد] بیش از حد توسط احساسات و هیجانات انسانی هدایت می شوند. اگر حتی نتوانند خودشان را از چیزی به این کوچکی بیرون بکشند، به نظر می رسد که در گذشته در آن زمان نیروهای کهن باید برای شان نظم و ترتیب داده باشند که آنها را پشت دیوارهای زندان در سرزمین اصلی چین قرار دهند، چراکه فقط تحت چنان اوضاعی آن مشکل را حل می کردند، مگر نه؟ نمی دانم در چنان محیط سختی، چگونه رفتار می کردید. آیا به خاطر اینکه زندگی تان بسیار راحت است به این شکل درآمدید؟ تمام کسانی که این وابستگی را از بین برده اند و برای این رفتارشان بهانه می تراشند خودشان را فریب می دهند و سعی می کنند دیگران را فریب دهند - به این شکل نیست که من نظم و ترتیب خاصی برای تان برنامه ریزی کرده باشم.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که نیازی نیست در زمان های تعیین شده افکار درست بفرستیم؟

معلم: آیا وبسایت مینگهویی اعلام نکرد که تمام مریدان دافا در سراسر دنیا باید به عنوان یک گروه در زمان های مشخص افکار درست بفرستند؟ فکر می کنم که این ایده خیلی خوبی است، بنابراین چرا شما این کار را نمی کنید. در مورد سایر موضوعات خاص، می توانید کارها را بر طبق شرایط مختلف در مناطق مختلف انجام دهید.

پرسش: هرگاه که استاد را می بینم تمام سؤال هایم ناپدید می شود. با وجود معلم در اینجا، و فا در اینجا، هیچ چیزی نیست که حل نشود. ما واقعاً باید قدر این زمان را بدانیم.

معلم: با افکار درست قوی، در حقیقت هر چیزی حل می شود. و با افکار درست قوی، هر چیزی شفاف می شود. وقتی کسی افکار خالص ندارد، همیشه زمانی است که وابستگی هایی دارد که نمی تواند رها کند. وقتی دروناً احساس راحتی ندارد شفاف و خالص فکر نمی کند.

پرسش: لطفاً می‌توانید به ما بگویید در رابطه با اعتبار بخشی‌مان به فا آیا نمایش‌های جادویی در کنسرت‌های مریدان دافا مناسب است؟

معلم: در واقع فکر نمی‌کنم چیز اشتباهی در آن مورد وجود داشته باشد. از نظر من شکل‌های اجراهای هنری، شکل‌های اجراهای هنری هستند. اگر آن چیزی است که مردم از تماشایش لذت می‌برند و دوست دارند، و رنگ و بوی بدی ندارد، پس فکر می‌کنم خوب است.

پرسش: دافا از طریق مکانیزم‌هایش مطمئن می‌سازد که موجودات در آینده وابستگی یا خودخواهی رشد ندهند حتی بعد از اینکه آنها در کیهان از دوره زمانی بسیار طولانی عبور کنند، و بنابراین کیهان کامل و هماهنگ خواهد بود و هرگز نابود نخواهد شد.

معلم: خیر اینگونه نیست. این درک درست نیست، و مقصود این نیست. دافا کامل و هماهنگ است، و سرشت بنیادین کیهان عاری از خودخواهی است. وقتی یک موجود تزکیه کرده و به آن قلمرو می‌رسد، او نیز به آن صورت خواهد شد. فا هستی را برای تمام موجودات فراهم کرده، فا برای تمام موجودات، مکانیزم‌های کیهان و تنوع غنی‌ای در کیهان آفریده، و فا تمام موجودات را خلق کرده است، تمام چیزهای بی‌شمار، آسمان و زمین‌ها، انسانها، و موجودات خدایی را خلق کرده است. اما اینکه موجودات چگونه خودشان رفتار می‌کنند تا حدود مشخصی انتخاب خود آنهاست.

پرسش: درود به استاد از سوی مریدان دافا در بیچانگ و گجوبا در استان هوبئی، سه‌گرنه، ملیورن، استان هاییان، نون‌گان، کایان، و شهر جیلین از استان جیلین، هیز از استان شاندونگ، استان هیلونگجیانگ، ناحیه دروازه شمالی معبد آسمان از پکن، استان سیچوآن و زیانگ از شهر چنگدو.

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

پرسش: در کتاب‌تان گفته‌اید که وقتی دیگران به‌طور بدی با شما رفتار می‌کنند، به شما تقوا می‌دهند و باید به خاطر آن خوشحال باشید. اما اگر به خاطر آن خوشحال باشیم، آیا به اندازه کافی نیکخواه هستیم؟

معلم: (حاضرین می‌خندند) این نداشتن نیکخواهی نیست. زمانی که پای احساسات و نفع شخصی در میان است تنها تزکیه‌کنندگان حقیقی و مریدان دافا قادرند تکان نخورده باقی بمانند. در مورد اینکه شخص حمله‌کننده به شخص ضربه‌خورده تقوا می‌دهد، آن نتیجه سرشت کیهان است؛ آن چیزی نیست که فقط با خوشحال بودن بتوانید بگیرید. وقتی کسی که ضربه خورده در حالی که درد را تجربه می‌کند هیچ خشم و نفرتی نداشته باشد و آن را با لبخند جواب دهد، آیا این نیکخواهی نیست؟ از دیدگاه انسانی، هیچ کسی نخواهد گفت او نیکخواه نبوده است - وقتی کسی به او ضربه می‌زند، او با لبخند جواب داده و هیچ تنفیری ندارد. البته یک تزکیه‌کننده نباید مانند یک فرد عادی که چیزی بدست آورده لبخند زده یا بخندد (حاضرین می‌خندند)؛ باید احساس راحتی داشته باشید، و همه خواهند گفت شما فرد خوبی هستید. وقتی کسی به شما بدی می‌کند، می‌توانید به او توصیه کنید کارهای خوب انجام دهد تا تقوا از دست ندهد، و این نیکخواهی شما نسبت به اوست. اگر او گوش نکند و هنوز بخواهد بدجنسی کند، پس در نتیجه عمل زشتش جزا خواهد دید. درست همانند آن پلیس‌های فرومایه و افراد بد در اردوگاه‌های کار در چین، این آنها هستند که می‌خواهند کارهای شیطانی انجام دهند و وقتی آنها را ترغیب می‌کنید دست بردارند، از شنیدن امتناع می‌کنند. در این صورت ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم؛ آنها بر کتک زدن مردم اصرار می‌ورزند و هر چه هم بشود دست بر نمی‌دارند. آنگاه بعد از انجام ضرب و شتم‌ها، وقتی زمانش برسد به جهنم می‌روند. این عدم نیکخواهی مریدان دافا نیست.

هر بعدی حقیقت فای همان بُعد را دارد. اگرچه حقایق در سطوح بالاتر، عالی‌تر می‌شوند، در هر بُعد معین، اگر یک موجود بتواند از حقایق آن بُعد پیروی کند، پس او در آن بُعد موجود خوبی است. اگر بتوانید از آن حقایق فراتر روید، از موجودات

آن بُعد بالاتر می‌روید. هیچ کسی از ضربه خوردن خوشحال نمی‌شود، موجودات انسانی وقتی رنج می‌کشند خوشحال نیستند - موجودات انسانی در این بُعد به این صورت هستند. هیچ شخص عادی نمی‌گوید، «مهم نیست کسی با من بد رفتاری کند، به هر حال خوشحال خواهم بود.» فقط تزکیه‌کنندگان می‌توانند آن را انجام دهند، و آن، بودن در قلمروی بالاتر از مردم عادی است. اینکه وقتی که درد فیزیکی را تحمل می‌کنید قادر باشید شین‌شینگ خود را حفظ کنید، نیکخواهی یک تزکیه‌کننده است. در مورد اینکه بقیه به ما تقوا می‌دهند، اینطور نیست که مریدان دافا آن را از دیگران می‌گیرند، اینطور نیست که مردم هرگاه بخواهند می‌توانند آن را بدهند، و اینطور نیست که هرگاه کسی بخواهد بتواند آن را بگیرد. این مکانیزم کیهان است که این انتقال را انجام می‌دهد، این سرشت کیهان است که در حال عمل کردن است. کاری که من به عنوان استادان انجام داده‌ام آموزش حقایق فا به تمام موجودات است.

پرسش: از آنجاییکه مریدان باردار جوهر بدن بشری ندارند، چگونه می‌توانند بدن‌شان را تزکیه کنند؟

معلم: چه کسی می‌گوید مریدان باردار جوهر بدن بشری ندارند؟ هیچ چیز نمی‌تواند با تزکیه دافا مداخله کند. کاملاً برعکس، برای بچه هم خوب است.

پرسش: شوهر من [اسم حذف شده است]، به تازگی آزاد شده، ولی هنوز در سرزمین اصلی چین است. او فهمید که من به این کنفرانس فآ آمده‌ام و از من خواست تا به شما بگویم بسیار دلتنگ استاد ارجمند است.

معلم: متشکرم. (تشویق) به عنوان استادشان، حتی یک نفر از مریدان دافا در سرزمین اصلی چین را پشت سر جا نمی‌گذارم، به جز آنهایی که به طرف مقابل رفته‌اند و دیگر قابل نجات نیستند. (تشویق) به همگی آنها فکر می‌کنم.

پرسش: اخیراً حس کرده‌ام که زمان بسیار سریعتر می‌گذرد. آیا زمان در سه‌قلمرو اکنون تغییر کرده است؟

معلم: بله، زمان بسیار سریع می‌گذرد. قبل از اینکه اصلاح فای دنیای بشری به این بُعد مردم عادی برسد، زمان در این مکان بشری به‌طور کامل آهسته نخواهد شد.

پرسش: در نظام کیهان کهن، یک فکر اشتباه موجودی در سطوح بالا موجب می‌شود موجودات بی‌شماری به انحراف بروند. اما در کیهان جدید این اتفاق هرگز نخواهد افتاد. آیا به این دلیل است که مکانیزم کیهان جدید کاملتر است؟

معلم: این درک درست نیست، زیرا آن می‌تواند در کیهان جدید نیز اتفاق بیفتد. چرا من می‌گویم که هم اصلاح فا و هم تزکیه [شما] هر دو باید در حد استاندارد باشد؟ چه آنهایی که جذب شده‌اند یا چه آنهایی که در طول اصلاح فا توسط اصلاح شده‌اند، همگی باید کاملاً در حد استاندارد باشند. مریدان دافا، اگر به سطوح بالا تزکیه کنید و بر بدن کیهانی سطح بالایی حکمرانی کنید، تنها یک فکر شما در بدن کیهانی خودتان تماماً قدرتمند خواهد بود. این قطعی است. به این خاطر است که مریدان دافا باید به‌خوبی تزکیه کنند و بوسیله تزکیه درستکار شوند. البته تزکیه خودتان فقط بخشی از آن است. علاوه بر آن در طول اصلاح فا استاد به شما کمک می‌کند تا چیزهای کوچک ناخالص‌تان را که در سطح بنیادین هستند، حل کنید. بنابراین در آینده قطعاً بسیار صالح خواهید شد.

اهمیتی ندارد که چه مدت را در دنیای بشری گذشته‌اید، حتی اگر ده‌ها هزار سال هم باشد، وقتی که باز شدن گونگ اتفاق می‌افتد تمام آن در حقیقت برای شما مثل یک رؤیا خواهد بود. آنقدر مبهم خواهد بود که شبیه رؤیا به نظر می‌رسد، و به تدریج مانند این خواهد بود که انگار فراموش کرده‌اید. دیگر ساختار فکری بشری نخواهید داشت یا با ذهنیت بشری به نوع بشر فکر نمی‌کنید، افکار این چنینی نخواهید داشت، و ساختار ذهنی‌تان مانند یک موجود خدایی خواهد بود. قبلاً گفتیم که یک تاتاگاتا حتی افکار اسبها و گاوها را می‌داند، اما هرگز از روش آنها برای فکر کردن استفاده نمی‌کند.

پرسش: گهگاه قسمت‌هایی از اشعار استاد به ذهنم خطور می‌کند. آیا می‌توانم آنها را بلند بگویم؟ اگر می‌توانم، آیا باید کل شعر را بخوانم؟ اگر فقط دو خط بخوانم باید حتماً منبع را ذکر کرده و نام استاد را اضافه کنم؟

معلم: خیر، زمانی که فقط آنها را بلند می‌خوانید، لازم نیست. اما اگر آنها را می‌نویسید یا بصورت ویدئو یا صوتی ضبط می‌کنید، آنگاه قضیه متفاوت است. بسیاری از شعرهایی که نوشته‌ام در واقع به تزکیه دافا مربوط است، به این معنی که آنها نیز بخشی از فا هستند. پس نمی‌تواند به دلخواه توسط شخص دیگری به عنوان شعر خود او استفاده شود. زمانی که آنها را برای دیگران ذکر می‌کنید یا در مقاله نقل قول می‌کنید، این را در نظر داشته باشید.

پرسش: مریدان دافا در روسیه، و تمام مریدان دافای روسی زبان در جهان، مریدان دافا در ونکوور کانادا، یوجیاویر، تایوان، کره، ژاپن، شهر نان جینگ استان جیانگ سو، نگزاس آمریکا، شانگهای، مریدان جوان ونکوور کانادا، آانشان در استان لیائونینگ، و چائویانگ در استان لیائونینگ درودشان را به استاد می‌فرستند.

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

پرسش: مریدان دافایی که مهارت‌های فنی دارند، به خصوص آنهایی که در میان مردم عادی سرشناس هستند، واقعاً به همدیگر حسادت کرده و بسیار مغرورند. استاد، لطفاً در این مورد کمی راهنمایی کنید.

معلم: آنقدرها جدی نیست، هست؟ اما من ظهور وابستگی‌های پاک نشده را غیرمحمتم نمی‌دانم. اگر خودتان را به خوبی تزکیه نکرده و آن نوع وابستگی‌ها را داشته باشید، باید از دست آنها خلاص شوید. مهم نیست چه مهارت ویژه‌ای دارید نباید مغرور شوید. آیا می‌دانید که من، لی هنگجی، تنها کسی هستم که به‌طور کامل می‌تواند کل عالم و تمام نوع بشر را توضیح دهد؟ هیچ موجود دیگری امکان انجام آن را ندارد. (تشویق) اما هرگز به شما فخر نفرورخته‌ام. بنابراین مریدان دافا، شما نباید به خاطر اینکه کمی مهارت‌های کوچک بشری کسب می‌کنید به خود مغرور شوید. چیزی برای غرور داشتن وجود ندارد. حقیقت این است که چیزی که یاد گرفتید را باید یاد می‌گرفتید چراکه آن خواسته را داشتید و بر طبق آن در گذشته برای شما نظم و ترتیب‌هایی چیده شد و در اعتباربخشی به فا به آن نیاز بود، تمامش همین است.

پرسش: احساس می‌کنم اکنون مثل اینکه زمان هر روز با سرعت می‌گذرد و خیلی چیزها هستند که قادر نبودم به موقع و به‌خوبی انجام دهم. در یک تبادل تجربه در مینگهویی، یک شاگرد گفته بود که وقتی در وضعیت بسیار خوبی است می‌تواند کاری را به‌خوبی در زمانی اندک انجام دهد. آیا ممکن است استاد درباره مسئله زمان صحبت کنند؟

معلم: این چیزی است که هنوز به آن فکر می‌کنم: این صحیح است که مریدان دافای ما وابستگی‌های بشری دارند، اما آنچه کلیدی است این است که چگونه موفق می‌شوید که افکار درست خود را بنا سازید. اگر افکار درست شما قوی باشد و در هر لحظه مانند یک تزکیه‌کننده باشید - یا به جای گفتن «هر لحظه»، اجازه دهید بگوئیم وقتی به چیزهای خاصی برمی‌خورید، بتوانید مانند یک مرید دافا عمل کنید - آنگاه می‌دانید مسائل را اداره کنید، باعث می‌شوید معجزات رخ دهند، فوق عادی بودن را به‌نمایش خواهید آورد، قادر می‌شوید درست را از اشتباه تشخیص دهید، و خواهید توانست هر کاری را به‌خوبی انجام دهید. (تشویق) بعد از همه اینها، شما تزکیه‌کننده هستید. با مردم عادی تفاوت دارید. اگرچه همگی در توهم تزکیه می‌کنید و این سخت است که بسیاری از چیزهای مریدان دافا آشکار شوند، واقعاً به این معنا نیست که چیزی را نمی‌دانید. اگر افکار درست‌تان قوی باشد چیزهای فوق‌طبیعی حتماً نشان داده می‌شوند.

پرسش: چند تن از دوستانم را به‌همراه کودکان‌شان با خودم به اینجا آورده‌ام. با اینکه شما را می‌بینند اما نمی‌فهمند شما چه می‌گویید. آیا روح اصلی آنها در حال شنیدن است؟ آیا آنها می‌توانند به خانه‌های خود بازگردند؟

معلم: باید این را بدانید که من در حال آموزش فا به مریدان دافا هستم. (استاد به آرامی می‌خندند) اگر امروز یک فرد عادی بیاید، او خواهد فهمید من درباره چه چیزی صحبت می‌کنم، و برای کودکان حتی سخت‌تر است. اما تمام موجودات انسانی جنبه‌ای دارند که آگاه است؛ آن جنبه آنها خواهد فهمید و از آن سود خواهد برد. اما خیلی روی این چیزها تمرکز نکنید. برای شخصی که غیرقابل نجات است، آن فایده‌ای ندارد حتی با اینکه آن جنبه دیگرش آگاه است.

پرسش: وقتی موضوع مطالب روشنگری حقیقت در سطحی وسیع در چین مطرح می‌شود، برخی از شاگردان باور دارند که «تزکیه را ما اداره می‌کنیم، گونگ را استاد»، بنابراین انتخاب محتوا مهم نیست.

معلم: پس آنها به افراطی دیگر رفته‌اند. در اعتباربخشی به فا شما باید خردمند باشید. نحوه انتخاب و انجام بهتر کارها، اعتبار دادن شما به فا است و روشن کردن راه خودتان به طور صحیح است. اگر هر کاری توسط من انجام می‌شود، شما تبدیل به یک ماشین تحریر می‌شدید، آن وقت چرا باید شما را مریدان دافا می‌کردم؟ شاید خوب می‌بود به عنوان یک ماشین تحریر باز پیدا می‌شدید، درست؟ (حاضرین می‌خندند)

پرسش: مردمی هستند که در آینده فا را بدست می‌آورند و تزکیه می‌کنند، لطفاً به ما بگویید آیا مریدان دافا که در طول دوره اصلاح فا به خوبی عمل نکرده‌اند جزو آنها خواهند بود؟

معلم: نه جزو آنها نخواهند بود. در این مورد می‌توانم جوابی قطعی به شما بدهم. برای این دسته، این گروه - اینگونه خواهد بود.

پرسش: اکنون مریدان، با کارهای دافای‌شان بسیار مشغول هستند. آیا لازم است مریدانی وقت‌شان را بگذارند تا مقالات مردم عادی بنویسند تا در روزنامه‌ای که توسط مریدان دافا اداره می‌شود، بکار رود؟ یا باید بهترین تلاش‌مان را بکنیم تا از مقالاتی استفاده کنیم که در حال حاضر توسط مردم عادی نوشته شده است؟

معلم: فکر می‌کنم بستگی به نیازتان دارد. هر گونه آن را اداره کنید خوب است. فکر نکنید نوشتن مقاله‌های مردم عادی موجودات را نجات نمی‌دهد. شما در نجات موجودات سهم دارید که نتیجه تلاش‌های جمعی همه در آن رسانه است، حتی با اینکه آنچه می‌نویسید مقالات مردم عادی است. (تشویق) البته شما همیشه مقالات مردم عادی نخواهید نوشت، کارهای دیگری را هم که یک مرید دافا باید انجام دهد، انجام می‌دهید. مگر نه؟

پرسش: مریدان دافا در شمال و جنوب کالیفرنیا درودشان را به استاد می‌فرستند. استاد محترم، برخی از شاگردان قدیمی به دنبال توانایی‌های فوق‌طبیعی، انرژی و غیره هستند، و دوست دارند خودنمایی کنند. و یک نفر هست که موقع انجام تمرین‌ها و فرستادن افکار درست به خواب می‌رود، در عین حال وقتی با نیت خوب به او گوشزد می‌کردیم عصبانی می‌شد. نمی‌دانیم با او چه کنیم.

معلم: اگر او عصبانی می‌شود، پس بگذارید بشود. اگر عصبانی می‌شود به این معنی است که مشکلی در تزکیه‌اش وجود دارد. چرا وقتی کاری را اشتباه انجام داده باید عصبانی شود؟ حتی اگر به عصبانی شدن ادامه می‌دهد، هنوز هم باید به او گوشزد کنید با این نیت که در مقابل او مسئول هستید، در این صورت، نگران نباشید که عصبانی می‌شود. (تشویق)

به رخ کشیدن توانایی‌های فوق‌طبیعی به مریدان دافا به چه منظور است؟ چه چیزی برای خودنمایی وجود دارد؟ چرا آنها را به رخ یاوران تاریک‌شور نمی‌کشید؟ آیا آن بهتر نیست؟ آیا در واقع تمام این توانایی‌ها برای اینکه در دافا تزکیه می‌کنید به شما داده نشده است؟ نروید این چیزها را به رخ سایر شاگردان بکشید، از خودراضی نشوید و فکر نکنید خیلی توانا هستید - به هر حال آن توانایی‌های کوچک شما چه کار می‌تواند بکنند؟ استاد را وادار نکنید که در این موارد دوباره شما را سرزنش کند -

حداقل باید کمی مناعت طبع داشته باشید. آنقدر توسط وابستگی‌ها کنترل شده‌اید که دیگر درست درک نمی‌کنید. به جز تعداد کمی از افراد که از روی وابستگی، هنگامی که خودنمایی می‌کنید به شما گوش می‌کنند، می‌دانید شاگردان دیگر چگونه شما را می‌بینند؟

به محض اینکه آنها را نمایش می‌دهید، هیچ می‌شوند. به این چیزها وابسته نباشید، چه رسد به اینکه با وابستگی‌های بشری آنچه را که دیده‌اید بین شاگردان مان پخش کنید. در حقیقت، اینطور نیست که در مورد این چیزها نمی‌توان بین تزکیه‌کنندگان صحبت کرد، و این طور نیست که شما نمی‌توانید توانایی‌های فوق‌طبیعی داشته باشید. نکته کلیدی این است که قصد و نیت پشت آن چیست. اگر آن به روشی مثبت استفاده شود به مریدان دافا سود خواهد رساند؛ اگر برای خودنمایی باشد، با آنها مداخله خواهید کرد.

امروز مریدان دافا در حالی که به فا اعتبار می‌بخشند در حال به کمال رساندن افتخار بلند غیرقابل قیاس و شکوه و همچنین مقام دستیابی خود هستند. هیچ چیز نمی‌تواند مانع شود- هر کسی در این راه مداخله کند مرتکب گناه شده و این مطلقاً ممنوع است. اگر وقتی یکی دو بار اتفاق می‌افتد از گوش دادن به دیگران امتناع کنید، و برای مدت طولانی ادامه دهید، پس حتماً به این دلیل آن را انجام می‌دهید که نیروهای کهن می‌خواهند شما را به سمت دیگر هل دهند- آن نقشی است که شما ایفا می‌کنید. اگر واقعاً به آن نقطه برسید، غیرقابل نجات در نظر گرفته خواهید شد. من نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را تأیید نمی‌کنم. استاد در حال نجات و رهایی شماست و به شما فرصت دوباره می‌دهد. به‌طور مکرر به این صورت نباشید. اگر وقتی حقایق را آشکار می‌کنید، موجودات را نجات می‌دهید و با آزار و شکنجه مقابله می‌کنید، قدرت‌های الهی خود را به‌درستی به روشی عالی نشان دهید، آنگاه من و تمام مریدان دافا شما را تمجید خواهیم کرد، آیا اینطور نیست؟

بدن کیهانی بسیار بیکران است طوری که ورای توصیف است. خیلی چیزها هستند که به شما نمی‌گویم. چیزی که شما می‌دانید بسیار ناچیز است. وقتی یک موجود خدایی بسیار سطح بالا وسعت و عظمت بدن کیهانی بزرگتری را می‌بیند، شوکه شده و زبانش بند می‌آید؛ می‌دانید، حتی یک موجود خدایی اینطور است. بنابراین وقتی یک موجود بشری چیزهای خیلی کمی درباره یک بُعد بزرگتر یاد می‌گیرد، البته که به هم می‌ریزد. اما مریدان دافا باید خردمند باشند.

پرسش: رسانه‌هایی که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند در خارج قدرتمند و مؤثر هستند. در این آخرین مرحله از اصلاح فا، آیا این رسانه‌ها باید در مقیاسی وسیع و از طریق کانال‌های جاری روشننگری حقیقت، مانند اینترنت، پست، و غیره وارد سرزمین اصلی چین شوند؟ همچنین، آیا باید سطحی که در آن، مردم سرزمین اصلی چین چیزها را درک و قبول می‌کنند، در نظر بگیریم؟ این را می‌پرسم زیرا مردم در سرزمین اصلی چین با مردم خارج متفاوت هستند. آنها به‌شدت با دروغ مسموم شده‌اند.

معلم: گفته‌ام که کارهایی که در حال حاضر انجام می‌دهیم تا حد زیادی به شیوه‌ای منطقی در حال انجام است. چه مردم در داخل سرزمین اصلی چین و چه چینی‌های خارج از سرزمین اصلی آن را می‌فهمند. فکر می‌کنم شیوه‌ای که مراکز رسانه‌ای اداره می‌شوند خوب است. به لحاظ چگونگی گزارش چیزها و نوشتن مقالاتی برای روشننگری حقیقت، مردم در سرزمین اصلی چین کاملاً قادر به درک و قبول آن هستند.

اکنون کاملاً امکان پذیر نیست که سرزمین اصلی چین را هدف قرار دهیم. در آینده روزنامه‌هایی که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند بزرگترین روزنامه‌های کل جهان خواهد بود، (تسویق) زیرا تمام آن رسانه‌هایی که دروغ پخش کردند مرتکب گناه شدند، و آن افراد باید برای آن بپردازند، همانطور که رسانه‌های شان هم توان می‌دهند.

[خوب به نظر می‌رسد] باز هم تمام سؤال‌های تان را پاسخ دادم. (تسویق) جامعه بشری از میان روندی ۱۰۰ میلیون ساله گذشته است. و همه موجودات برای فا آمده‌اند- تمام موجودات در سه قلمرو برای فا آمده‌اند، برای فا خلق شده‌اند و برای فا شکل گرفته‌اند. آن شامل چیزهای بی‌شماری است. و هر چیزی در دنیای بشری حول دافا می‌چرخد، چه مردم عادی آن را حس کنند

و چه نکنند؛ چه شما فکر کنید آنها از آن آگاه هستند یا نه؛ همه چیز حول دافا می‌گردد. آن شامل تمام مردم در دنیای امروزی می‌شود، بدون توجه به اینکه آنها در مورد آزار و شکنجه بی‌تفاوت به نظر می‌آیند یا به آن اهمیت می‌دهند- آنها حول دافا می‌چرخند. اصلاح فا نیاز دارد که تعدادی از افراد در وضعیت خاصی باشند، مهر و موم شوند و آنجا نگه‌داشته شوند تا گروه بعدی افراد بتوانند تزکیه کنند. به عبارت دیگر اگرچه همه چیز بی‌نظم و ترتیب به نظر می‌آید، در حقیقت منظم است، و همه چیز به دقت به اصلاح فا پیوند دارد.

هر کاری که انجام می‌دهیم باشکوه است. هر کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند نجات موجودات است. و هر کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند واقعاً بی‌نظیر است. باشکوه است چراکه از دافا است، باشکوه است چراکه دافا این گروه از تزکیه کنندگان را بنا نهاده است، و همچنین به این دلیل که دافا در سه قلمرو و در دنیای بشری اشاعه می‌یابد و در عین حال این زمین کوچک در حقیقت اثری بر بدن‌های کیهانی بسیار بزرگ می‌گذارد. چیزها به نظر معمولی می‌آیند، و انگار خیلی تفاوتی با امور مردم عادی ندارند، اما تقوای عظیم، منطبق با بزرگترین بدن کیهانی است.

مریدان دافا هم اکنون از میان چنین زمان سختی عبور کرده‌اند. آرزو می‌کنم که همه شما آخرین قدم سفرتان را به خوبی بردارید و این سفر را که در حال حاضر تمام کرده‌اید، گرمی بدارید. نحوه اعتباربخشی شما به فا، آینده‌تان را نشان خواهد داد. (حاضرین تقریباً یک دقیقه تشویق می‌کنند)

آموزش فا در کنفرانس فای بین‌المللی ۲۰۰۵ منهن

لی هنگچی، ۲۴ آوریل ۲۰۰۵، نیویورک

(تشیویتی پرشور)

عصر بخیر! (تشیویتی پرشور)، (حضار: عصر بخیر، استاد!)

شما سخت کار کرده‌اید. (دست می‌زنند) به عنوان مریدان دافا در میان آزمون‌ها و مشقات بوده و آبدیده شده‌اید و بیشتر و بیشتر بالغ شده‌اید. اعم از این که مریدان دافا در سرزمین چین هستید یا مریدان دافای خارج از سرزمین همین امر مصداق دارد - شما به‌طور فزاینده‌ای درحال منطقی شدن، خوش‌فکر شدن هستید و به‌طور فزاینده‌ای از این که چگونه مسیرهایتان را طی کنید آگاه می‌شوید. اکنون، هنگامی که با آزار و شکنجه مواجه می‌شوید و با انواع و اقسام نظرات منفی که مواجه می‌شوید، می‌توانید آن‌را به‌طور منطقی اداره کنید. و هنگامی که حقایق را آشکار می‌کنید، آن‌را از روی آرزوی نجات موجودات ذی‌شعور انجام می‌دهید، بنابراین تأثیری شگرف دارید.

موقعیت کنونی نشان می‌دهد که درحال حاضر و به‌ویژه از زمان انتشار نه شرح و تفسیر، بسیاری از مردم دنیا بیدار شده‌اند. مردم چین، بیشتر از دیگران، برای مدت‌زمانی طولانی توسط ظواهر دروغین فرهنگ حزب که توسط ایدئولوژی کمونیستی اهریمنی به‌وجود آمد، در تاریکی نگه داشته شده‌اند. مردم به‌تدریج درحال خوش‌فکر شدن هستند و سرشت حقیقی خودشان درحال احیاء دوباره است. از زمان انتشار نه شرح و تفسیر، شما چیزهای عظیم بسیاری را تجربه کرده‌اید، چیزهایی از همه نوع - هم مثبت و هم منفی. چشم‌گیرترین آن، هر روزه هزاران نفر از حزب بیرون می‌روند و این مسئله روح شیطانی حزب بدنهاد و افراد بد را ترسانده است. اکنون، قبل از سقوط قریب‌الوقوع آن، شیطان - همان‌طور که مردم را از کوره به‌در می‌برد و آن‌ها را سردرگم و مسموم می‌کند و دروغ‌هایی را می‌سازد - یک‌بار دیگر می‌گوید که ما درحال انجام امور سیاسی هستیم. هرچند که شما واقعاً درحال انجام کارهای سیاسی نیستید آن اصرار می‌کند که هستید. هر وقت که آن‌ها مردم را مورد آزار و شکنجه و حمله قرار داده‌اند، همیشه دروغ‌هایی را سرهم کرده‌اند، مردم را عصبانی نموده و سعی کردند تا آزار و شکنجه خودشان را توجیه کنند. و هنگامی که به کسی حمله می‌کنند همیشه فرد را هرچه که دوست دارند بنامند، می‌نامند. مریدان دافا فقط کارهایی را انجام می‌دهند که قرار است انجام دهند. آن‌ها خردمند و منطقی هستند و می‌دانند که درحال انجام چه کاری هستند، و هیچ یک از دروغ‌های اهریمن یا اتهاماتی که از فرهنگ حزب سرچشمه می‌گیرد نمی‌تواند با آنان تداخل کرده یا آن‌ها را عصبی کند.

وقتی به تزکیه‌کنندگان ارتباط پیدا می‌کند، هیچ‌یک از رویکردها، ترفندها، آزار و شکنجه، تحریک یا سردرگمی و مسمومیت مردم معمولی نمی‌تواند آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و آن چیزها بر روی مریدان دافا حتی کمتر کارایی دارد. آزار و شکنجه اکنون به این حد طولانی شده است و با این حال آن‌چه مضحک می‌باشد این است که آن افراد رذل، جاسوس‌های پلید و رهبران باند رذل که در شکنجه مریدان دافا دست داشته‌اند هنوز موفق نشده‌اند ببینند که مریدان دافا چه کسانی هستند، هنوز نمی‌دانند ماهیت این تزکیه‌کنندگان چیست، و هنوز سعی می‌کنند که آن رویکردهای انسان‌عادی را در ارتباط با آنان به کار گیرند. آیا این خنده‌دار نیست؟ در واقع، این حقیقت دارد که زمانی که مردم عادی به چیزهای ظاهری نگاه می‌کنند، وقتی با طرز تفکر افراد معمولی به امور می‌نگرند، و به‌ویژه زمانی که با عقاید و منطق منحرف فرهنگ حزب به چیزها نگاه می‌کنند، نمی‌توانند قلمرو یا وضعیت ذهنی یک تزکیه‌کننده را درک کنند. هنگامی که با افکار بشر عادی نگاه می‌کنند، هیچ چیز با هم جور در نمی‌آید؛ هیچ‌یک از رویکردهایی که افراد بد در آزار و شکنجه به کار برده‌اند کارایی نداشته است. بنابراین هیچ کوششی توسط افرادی که در این سطح بشری هستند برای تأثیر گذاشتن بر سطوح و قلمروهای بالاتر از دنیای بشری هرگز با موفقیت همراه نبوده است.

از زمان انتشار نه شرح و تفسیر، افراد معمولی بسیاری که توسط دروغ‌های روح اهریمنی حزب بدنهاد تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، گفته‌اند که ما درحال سیاسی شدن هستیم. اما همان‌طور که همگی می‌دانید، ما "سیاسی" نشده‌ایم. حتی اگر افرادی که درحال آزار و شکنجه شدن هستند درگیر سیاست شوند، چیز شرم‌آوری نیست؛ آن فقط منطقی و طبیعی است. اما هیچ‌یک از کارهایی که ما انجام داده‌ایم در پشت خود انگیزه سیاسی ندارد، ما کارها را با انگیزه‌های سیاسی انجام نمی‌دهیم. چگونه تزکیه‌کنندگان حقیقی ممکن است بتوانند درگیر سیاست‌های دنیایی شوند؟ اصلاح فا در کیهان درحال روی‌دادن است و هم‌اکنون تزکیه‌کنندگان دافا درحال اعتبار بخشی به فا هستند و هدف‌شان نجات موجودات ذی‌شعور است. در طی دوره اصلاح فا، به‌منظور اعتبار بخشی به فا، مریدان دافا می‌توانند از هر شکلی در اجتماع بشری که برای اصلاح فا مناسب است استفاده کنند، اما در آن صورت هم، آن‌ها از چیزها فقط بر اساس آن‌چه که برای نجات موجودات ذی‌شعور مورد نیاز می‌باشد به‌طور انتخابی استفاده می‌کنند. [این درست است] زیرا همه چیز در سه قلمرو به‌خاطر اصلاح فا شکل گرفت. هنگامی که موجودات ذی‌شعوری را می‌بینید که لازم است نجات یابند، آن‌چه که حیاتی است، این است که کاری کنید که نجات یابند. وقتی ما از این چیزهای دنیای بشری استفاده می‌کنیم، فقط پس از در نظر گرفتن آن‌چه که موجودات ذی‌شعور می‌توانند درک کنند و آن‌چه که می‌تواند به نجات‌شان کمک کند، انجام می‌شوند. شکل‌گیری سه‌قلمرو به‌خاطر اصلاح فای امروز بود و همه چیزها و موجودات ذی‌شعور بی‌شمار درون سه قلمرو به‌خاطر اصلاح فا آمدند، به‌خاطر اصلاح فا خلق شدند و به‌خاطر اصلاح فا شکل گرفتند. به‌عبارت دیگر، تمامی موجودات ذی‌شعور و چیزهای گوناگون به‌خاطر آن این‌جا آمدند. و هر رویدادی در این‌جا، به‌خاطر اصلاح فا بنا نهاده، خلق شده و شکل گرفته است. بنابراین در طی اصلاح فا مریدان دافا می‌توانند هر شیوه‌ای را که باعث آسان‌تر شدن نجات موجودات می‌شود، به‌دلخواه به‌کار گیرند، به شرطی که چیزی باشد که مردم دنیا بتوانند بفهمند و بدین ترتیب از طریق آن نجات یابند. با وجود این، ما چیزها را به‌طور انتخابی و به‌طریقی شایسته و درست به‌کار می‌گیریم.

اجازه دهید نه شرح و تفسیر را به‌عنوان نمونه در نظر بگیریم. هدف ابتدایی انتشار نه شرح و تفسیر آشکار کردن ماهیت حزب کمونیست چین (حکچ) بود تا افرادی که توسط حکچ گمراه شده بودند، بتوانند ببینند که آن‌چه چیزی است و شیطانی بودن حکچ را تشخیص داده و بدین ترتیب نجات یابند. آن [انجام] شد زیرا زمانی که مریدان دافا درحال آشکارسازی حقیقت بودند، بسیاری از افراد از گوش کردن امتناع کردند، به‌خاطر این‌که تحت نفوذ روح اهریمنی حزب بدنهاد و تبلیغات فرهنگ حزب بودند که توسط افراد بد حکچ به‌کار گرفته شد. بسیاری از افراد بدون مقدمه می‌گفتند، "اگر حزب می‌گوید که شما بد هستید، شما بد هستید." و تعدادی از افراد که طرز تفکرشان توسط فرهنگ حزب منحرف شد می‌گفتند، "اگر من در آن موقعیت بودم، من نیز، همانند کاری که حزب کرده است، آن‌را سرکوب می‌کردم." به‌علاوه، تعدادی از مردم هنوز فریب‌خورده هستند و به آن‌چه توسط ماشین تبلیغات تحت کنترل حکچ گفته می‌شود، باور دارند؛ حتی هنوز به آن آدم ردل رژیم حکچ باور دارند و هنوز اعتقادات شرارت‌آمیز او را به‌عنوان حقیقت در نظر می‌گیرند. با وجود آن موقعیت در برابر ما، چه‌کار می‌بایستی انجام می‌دادیم؟ آیا می‌توانستیم از مهربان بودن دست برداریم؟ پس آیا می‌توانستیم آن افراد را نجات ندهیم؟ بدیهی است که ما باید آن‌ها را نجات دهیم. همان‌طور که همیشه گفته‌ام، هیچ‌یک از افراد چینی امروزه ساده یا معمولی نیستند. توسط این حقیقت که پوسته ظاهری بشری یکسان به نظر می‌رسد، فریب نخورید- فردی که مسئول آن [پوسته بشری] است، درواقع دیگر آن‌چه که سابقاً بود نیست، و در اکثر موارد، موجوداتی که از سطوح بالایی به پایین آمدند مسئول [آن پوسته بشری] هستند. و تعداد بسیار عظیمی از پادشاهان در طول تاریخ از ملل مختلف در چین بازپیدا شدند. بنابراین گروه مردم در چین امروز از معمولی [بودن] بسیار فاصله دارند. فقط این‌طور است که وقتی یک فرد بازپیدا می‌شود یا یک موجود الهی به این دنیا پایین می‌آید، وارد وهم و خیال می‌شود و افراد در وهم و خیال مستعدند که مورد بهره‌برداری قرار گیرند. اما آن‌ها همگی در نظر گرفته شده بودند که فا را کسب کنند و نجات یابند و آنان رابطه‌های تقدیری فوق‌العاده‌ای دارند.

در مورد موجودات بسیاری، اگر آن‌ها به سه‌قلمرو بیابند هیچ راهی برای رجعت به جایی که از آن‌جا آمدند ندارند. هیچ موجودی در تاریخ که این‌جا آمد تا شکل انسانی به خود بگیرد به رجعت نائل نشد. و در هیچ موردی از گذشته که افراد به‌طور موفقیت‌آمیزی به سوی خدا یا بودا [شدن] تزکیه کردند، این‌طور نبود که این خود فرد باشد که به‌طور حقیقی موفق شده باشد.

همیشه روح کمکی بود که با استفاده از بدن اصلی فرد تزکیه می‌کرد، درحالی که روح اصلی حقیقی یک شخص - درست خود شخص - هرگز با موفقیت تزکیه نکرد. درخصوص مواردی که آن افراد به‌خوبی تزکیه کردند، پس از یک دوره زندگی تزکیه کردن، فردی به شکل خودشان واقعاً با موفقیت تزکیه می‌کرد، اما آن روح کمکی بود، درحالی که روح اصلی - یا، آن شخص - مجبور بود که دوباره وارد چرخه تولد دوباره شود. به‌عبارت دیگر، درباره این بیندیشید که چرا بسیاری از موجودات سطح بالا جرأت کردند یک‌چنین خطری را پذیرفته و به سه‌قلمرو بیایند. آن‌ها خدایان هستند، بنابراین ما چگونه می‌توانیم آن‌ها را نجات ندهیم؟ آیا آن‌ها برای کسب فایده‌اند؟ اگر به آن از زاویه دیگری نگاه کنید، آیا شجاعت آنان در آمدن به این‌جا شیوه‌ای از اعتبار بخشی به اصلاح فایده‌یستن امیدشان به اصلاح فایده نبود؟ این دلیل آن است که چرا گفته‌ام ما نمی‌توانیم آن‌ها را پشت‌سر جا بگذاریم، و ما باید آن‌ها را نجات دهیم و به راه‌هایی برای نجات آن‌ها بیندیشیم! حتی اگر چه آن‌ها ممکن است به‌خاطر منحرف شدن مفاهیم‌شان توسط فرهنگ حزب در طول زمان، اکنون سردرگم باشند یا ممکن است توانایی‌شان را در درک حقیقت یا واقعیت از دست داده باشند، اما هنوز باید راه‌هایی پیدا کنیم تا آن‌ها را نجات دهیم.

هم‌اکنون بزرگترین مانع این است که فرهنگ حزب درحال اثرگذاری بر موجودات ذی‌شعور است و موجب می‌شود که آن‌ها توانایی دیدن یا شنیدن حقیقت را نداشته باشند. با این موقعیت موجود، نه شرح و تفسیر با هدف کمک به مردم در دیدن ماهیت بنیادین ح‌ک‌چ منتشر شد. بسیاری از مردم پس از این‌که به‌طور آشکار ماهیت شیطانی آن‌ها را دیدند و آموختند که حزب بدنهاد فرهنگ ما را به تباهی کشانده است، گفتن این را که آنان به حزب ایمان دارند متوقف کرده و بسیاری از مردم از باور داشتن به آن حکومت ردل دست برداشتند. هدف ما و نقطه شروع ما ماهیتاً سیاسی نیست و ما خواهان قدرت سیاسی مردم عادی نیستیم. ما درحال نجات مردم هستیم! اگر ح‌ک‌چ، درحالی که در مرگش دست و پا می‌زند، هنوز سعی در به‌کارگیری شیوه‌های مختلفی برای خراب کردن نجات موجودات ذی‌شعور می‌کند، پس ما راه‌های دیگری برای مواجه شدن با آن داریم - فای بودا بی‌کران است! (تشیویتی پرشور)

این اصلاح فایده برای نجات تمامی موجودات برنامه‌ریزی شد. خواه یک موجود خوب بوده یا بد بوده، یا اشتباهاتی که او در طی روند تاریخ انجام داده بود، هراندازه بزرگ بودند، هیچ‌یک علیه او به حساب نمی‌آمدند. هنگامی که تمامی کیهان بد شده است، در برخی موارد شما می‌دانید که موجودات خاصی اشتباه عمل کرده‌اند و در برخی موارد نمی‌دانید، بنابراین در تعیین این‌که چه کسی خوب است و چه کسی نیست، یا چه کسی مطابق معمول است و چه کسی نیست چه هدفی وجود دارد؟ بنابراین آن چیزها مورد توجه قرار نمی‌گرفتند و هر فردی قرار بود نجات یابد. اما یک موضوع وجود دارد که حساس‌ترین مسئله است: اصلاح فایده کیهان نمی‌تواند مورد تداخل قرار گیرد. پس در ارتباط با همه موجودات در سراسر این کیهان، شامل موجودات و افراد درون سه‌قلمرو، امروز نگرش آنان به دافا حداکثر اهمیت را دارد. تنها استاندارد، این بود - ما امروز فقط به نگرش موجودات نسبت به دافا نگاه می‌کردیم. بنابراین به‌عبارت دیگر، قبلاً، هدف، از بین بردن آن ح‌ک‌چ بدنهاد نبود، اگرچه هر عمل شیطانی غیرقابل تصویری را انجام داده بود، فرهنگ آن حزب پلید را خلق کرده و مردم بی‌شمار و موجودات دیگری را به قتل رساند. آن بدین دلیل بود که در اصلاح فایده چیزی که درست نباشد می‌توانست اصلاح شود، و چیزها حتی نیازی نمی‌داشتند که تزکیه‌کنندگان به‌طور مستقیم با آنان مواجه شده یا این‌که آن‌ها را درست کنند - آن چیزها در سطحی بنیادین در طی اصلاح فایده اصلاح می‌شدند. به‌عبارت دیگر، به آن چیزها در لایه سطحی در کل پرداخته نمی‌شد. حتی آن ارواح شیطانی حزب بدنهاد می‌توانستند اصلاح شده و به موجودات خوبی تغییر یابند. اما در طی این اصلاح فایده، آن‌چه که برای جامعه در سطح مردم معمولی سودمند بود [مورد آزار و شکنجه قرار گرفت]. در طی سال‌هایی که فالون‌گونگ در جامعه چین اشاعه یافت، آن باعث تغییرات بنیادین در دیدگاه‌های بسیاری از مردم چین شد، استاندارد اخلاقی‌شان ارتقاء یافت و از نظر فیزیکی سالم شدند. ح‌ک‌چ می‌داند که قدرت سیاسی‌اش غیرقانونی است، بنابراین مکرراً در مورد "ثبات" فریاد برآورده و می‌خواسته است که از قدرت سیاسی خود حفاظت کند. البته، تمام آن‌ها امور مردم عادی هستند و ما آن‌چه را که آن‌ها انجام می‌دهند نادیده می‌گیریم. اما زمانی که دافا در چین اشاعه یافت، آیا آن برای مردم در آن جامعه خوب نبود؟ آیا به‌طور موثری جامعه را تثبیت نکرد؟ زمانی که مردم تمایل داشتند که به‌خوبی عمل کنند، هنگامی که همه آن‌ها سرکار مسئولیت‌هایشان را به انجام می‌رساندند و هنگامی که همه آن‌ها در هر

موقعیتی به عنوان افرادی خوب عمل می‌کردند، آن استحکام ذهنی، در حال تبدیل به استحکام مادی بود، بنابراین فکر کنید که چه قدر منفعت اقتصادی را برای کشور و مردمش به ارمغان می‌آورد و چه قدر کار خوب انجام می‌داد. آن کمک کرد که استانداردهای اخلاقی مردم بازگردد- دربارهٔ این بیندیشید که چه قدر آن جامعه باثبات می‌شد. و چه کسی در حال حکومت کردن بر آن جامعه بود، بنابراین چه کسی از آن نفع می‌برد؟ آیا این مشهود نبود؟ اما آن حزب بدنهاد «به تسخیر روح شیطانی درآمده» و باند افراد پلیدش، که متهم به انجام کارهای شیطانی به میل و دلخواه خود و بدون قید و بند بودند، با این وجود این طور انتخاب کرد که ما را مورد شکنجه و آزار قرار دهد. خوب، بنابراین، از آن جا که آزار و شکنجه را برگزیدند، از همان روز که آزار و شکنجه را برگزیدند خدایان تصمیم گرفتند که کاری کنند که آن‌ها از بین بروند. آن‌ها مجبور خواهند شد برای هر کاری که در طی آزار و شکنجه در ارتباط با مریدان دافا انجام داده‌اند و برای مسموم کردن مردم دنیا تاوان پس بدهند. اما در حقیقت گناه حتی بزرگترشان این است که آن‌ها با اصلاح فاعداخل کردند.

شما می‌دانید، در اصلاح فاعداخل همان طور که جریان عظیم اصلاح فاعداخل می‌کند تعداد زیادی از موجودات در بعدهای دیگر بلافاصله از بین می‌روند. آن خیلی سریع انجام می‌شود. مهم نیست که کل اصلاح فاعداخل چه قدر سریع به جلو هل داده می‌شود، با این حال آن هنوز به روندی احتیاج دارد. زیرا بعدهای کیهان شامل زمان‌های مختلفی است. هر سیاره زمان خودش را دارد، هر ذره زمان خودش را دارد، هر منطقه شکل گرفته شده توسط ذرات، زمان خودش را دارد و هر منطقه شکل گرفته شده توسط سیارات، زمان خودش را دارد. منطقهٔ نه سیارهٔ اصلی، راه شیری، کهکشان‌های دیگر، کل همهٔ کهکشان‌ها، این جهان، جهان‌های ورای این جهان، جهان‌های گستردهٔ عظیم‌تر... همهٔ آن‌ها زمان‌های خودشان را دارند. زمان‌ها در هر یک از این جهان‌ها و بدن‌های کیهانی متفاوت هستند و تفاوت‌ها عظیم می‌باشند. با نگاه به آن از زاویهٔ تمامی کیهان، به نظر می‌رسد که این اصلاح فاعداخل کیهان به سرعت یک حرکت دست، کامل می‌شود. اما همان طور که آن دست حرکت می‌کند، زمان در بعدهای خاصی به‌حدی سریع است که ده‌هزار سال گذشته است. در برخی از بعدها زمان به همان میزان تکان دست سپری می‌شود. در برخی، صدها یا هزاران سال طول می‌کشد. در این مکان موجودات انسانی واقعاً چندان بد نیست- فقط بیش از دوازده سال از زمان آغاز اصلاح فاعداخل گذشته است. البته، هر چند استاد حتی قبل از انتقال فاعداخل کار کردن روی آن بود. حقیقت این است که، آن خیلی سریع پیشرفت کرده است. آن ارواح شیطانی و افراد پلیدی که اعمالی اهریمنی در ارتباط با مریدان دافا انجام داده‌اند فقط در طی این اختلاف زمانی، قبل از ورود اصلاح فاعداخل انجام آن هستند. در حقیقت مدت زمانی که طول می‌کشد خیلی کوتاه است. اگر زمان نوع بشر برنامه‌ریزی شده بود که به همان سرعت اصلاح فاعداخل پیشرفت کند، آن موقع در زمانی که به اندازهٔ یک حرکت دست طول می‌کشد، آن به پایان می‌رسید. چنین احساس می‌شود که این‌جا در این مکان بشری زمان به آهستگی حرکت می‌کند، اما در حقیقت آن واقعاً سریع در حال حرکت است. از آن‌جا که سرعت اصلاح فاعداخل باید بسیار سریع باشد، سرعتی که به سمت جلو در حال پیشروی است از تمام زمان‌ها در کیهان پیشی می‌گیرد. نیروهای کهن نیز به‌منظور دخالت در اصلاح فاعداخل به‌سرعت در حال عمل هستند، و زمان در سه‌قلمرو توأم با آن، سرعت گرفته است.

قبلاً به شما گفته‌ام که این‌جا در بین موجودات انسانی زمان واقعاً سریع شده است. دربارهٔ آن در چند موقعیت برای شما صحبت کرده‌ام و [سرعت آن] چند برابر تغییر کرده است. در یک مرحله گفتم که یک روز در حال حاضر در مدت آن‌چه قبلاً گذر یک ثانیه بود می‌گذرد و بعداً به شما گفتم که یک سال اکنون در مدت آن‌چه سابقاً گذر یک دقیقه بود می‌گذرد. اما اگر چه سرعت بسیار سریع بوده است، موجودات این‌جا نمی‌توانند آن را تشخیص دهند. و علت این است که اشیاء درون این مکان و تمامی عوامل این مکان، مطابق با آن، با سرعتی سریع‌تر در حال رفتن هستند. زمان و مکان، محیط‌های مختلفی در کیهان و شکل‌های متفاوت بعدها را خلق کرده‌اند. موجودات و تمامی چیزهایی که این‌جا وجود دارند، همراه با زمان، در حال شتاب پیدا کردن هستند. این دلیل آن است که چرا شما نمی‌توانید حس کنید که آن در حال شتاب پیدا کردن است. نه تنها حرکت به سمت جلوی اصلاح فاعداخل با سرعتی شدید می‌باشد، بلکه وضعیت قدیمی امور نیز با سرعتی فزاینده در حال عمل کردن است. با این همه، زمان اکنون خیلی کوتاه است. ماده‌ای که موجودات انسانی را می‌سازد محدودیت‌های خودش را دارد، بنابراین اگر زمان بسیار سریع به جلو برود، موجودات ذی‌شعور درون سه‌قلمرو قادر به تحمل آن نیستند. آن اکنون تقریباً به انتهای آن‌چه موجودات انسانی در ارتباط با

زمان می‌تواند سازگاری حاصل کنند رسیده است. تنها راهی که موجودات انسانی می‌توانند شتاب پیدا کردن زمان و چگونگی مقایسه آن با گذشته را تشخیص دهند با استفاده از حسی است که ممکن است بر اساس برداشت‌شان داشته باشند. و مردم مسن‌تر این را حتی بهتر می‌دانند: قبلاً مثل این احساس می‌شد که یک فرد می‌توانست کار زیادی را در یک‌روز انجام دهد، یک روز طولانی احساس می‌شد و به نظر می‌رسید که هرگز تاریک نمی‌شد، درحالی که اکنون غروب بلافاصله پس از طلوع می‌آید و قبل از این که کار زیادی انجام داده باشید، تاریک می‌شود. چیز دیگر این است که، [اگر زمان به حد زیادی سرعت می‌یافت]، گنجایش جسم انسانی پا به پای آن نمی‌رفت. ماده در هر لایه در معرض محدودیت‌های آن لایه است، بنابراین عناصر مادی قادر نمی‌بوند پا به پای آن بروند. سرعت اصلاح فاعل، درواقع، بی‌نهایت سریع است. مهم نیست که آن موجودات اهریمنی ممکن است چه قدر وحشی یا خطرناک به نظر آیند، پایان وحشتناک‌شان نزدیک است. (تشیویق پرشور)

بنابراین از زمان انتشار نه شرح و تفسیر، مریدان دافا از طریق آشکارسازی حقایق و نجات موجودات واقعاً به افراد زیادی کمک کرده‌اند بیایند که وضعیت حقیقی را درک کنند. و به‌ویژه، بسیاری از مردم خواسته‌اند که از حزب کنارگیری کرده و خودشان را از آن چیز شیطانی جدا سازند. اجازه دهید آن‌را بیشتر مورد ملاحظه قرار دهیم. برخی از افراد ممکن است بگویند، "لزومی نمی‌بینم که از حزب دست بکشم. من می‌دانم که آن خوب نیست و از مدت‌ها قبل، پرداخت حق عضویت را متوقف کردم." اما این، [از آن] مواردی نیست که شما بتوانید فقط درباره‌اش فکر کنید و آن به حساب آید. در گذشته هنگامی که با شور و اشتیاق مشت بالا بردید و پیمانی تا سرحد مرگ با آن پرچم سرخ‌رنگ بستید، گفتید که زندگی‌تان را برای آن می‌دهید، که تمامی حیات‌تان را وقف آن می‌کنید. بنابراین اگر امروز به‌طور علنی قصد و نیت و کناره‌گیری خود را اعلان نکنید، آن چگونه می‌تواند به حساب آید؟ شما فکر می‌کنید که صرف داشتن آن فکر در ذهن‌تان، آن به حساب می‌آید. افکار مردم بی‌ثبات است. مغز یک فرد فقط یک مرکز پردازش است و همه انواع پیام‌ها و اطلاعات از میان مغز بشر می‌گذرند، نقش خودشان را ایفا کرده و خود را به نمایش می‌گذارند و آن شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهند. منشأ افکار یک فرد بی‌نهایت پیچیده است. بنابراین اگر می‌خواهید نگرش یک فرد را مورد قضاوت قرار دهید، این که او چه می‌کند و چه نوع فردی است، شما باید برطبق اعمالش قضاوت کنید. افکارش به حساب نمی‌آیند. چرا ما همیشه باید برطبق اعمال شخص قضاوت کنیم؟ اگر شخصی می‌خواهد کاری نادرست انجام دهد، نمی‌توانید او را به جرمی متهم کنید قبل از این که آن‌را انجام دهد؛ فقط پس از این که آن‌را انجام دهد می‌توانید او را متهم کنید. زیرا منشأ افکار شخص و خود افکار فوق‌العاده پیچیده هستند. یک فرد دارای یک روح اصلی و روح(های) کمکی است، او همه انواع نگرش‌هایی را که پس از تولد شکل گرفته‌اند دارد و خوبی و اهریمنی هر دو بخشی از طبیعت او هستند. همچنین عواملی بیرونی وجود دارند که قسمتی را به عهده دارند. اعمال یک شخص انعکاس‌های حقیقی آن فرد هستند. بنابراین براساس شیوه‌ای که خدایان می‌نگرند، روح شیطانی و آن حزب بدنهاد قبلاً متهم بوده‌اند زیرا مریدان دافا را آزار و شکنجه کرده و با اصلاح فاعل تداخل ایجاد کرده‌اند. آن‌ها درحال حاضر آنان را به‌عنوان اهریمنی‌ترین چیز در نظر می‌گیرند و تصمیم به از بین بردن‌شان گرفته‌اند. پس چگونه آنان از بین خواهند رفت؟ و چه کسی در ناپود شدن گنجانده می‌شود؟ آیا کافی خواهد بود که فقط ارواح شیطانی حزب بدنهاد از بین برده شوند؟ اعضاء حزب و انجمن جوانان که در انجام اعمال بد به روح شیطانی آن حزب بدنهاد کمک کرده‌اند، درحال انجام دستور اهریمنی آن در این جهان هستند. به طریق دیگری بیان کنیم، حتی اگر شما هیچ کار بدی انجام نداده باشید، وقتی یکی از اعضاء آن هستید، بخشی هستید که به آن استحکام می‌بخشید، یک جزئی از اهریمن و بدین طریق در معرض از بین رفتن هستید. بیشتر این که [روح(های) اهریمنی] در همه بعدهای سه قلمرو، مخصوصاً در دنیای بشری درحال اثرگذاری است. بسیاری از مردم بدون این که مجبور شوند بخشی از آن هستند و مشتاقانه توسط آن مورد استفاده قرار گرفته و به آن کمک می‌کنند. با وجود این موارد، پس آیا آن‌چه برای اعضاء حزب در شرف وقوع است وحشتناک نیست؟

برای مدت زمانی طولانی آن حزب بدنهاد با روح شیطانی‌اش به‌طور حساب‌شده افراد ماهر، توانا و چهره‌های برجسته را به داخل رده خود کشاند تا خودش را قوی کند، نشان دهد که بزرگ است، کاری کند که گویی آن واقعاً از افراد ستاره تشکیل می‌شود. حقیقت این است که، حتی شیطان می‌داند که آن افراد لزوماً مخلص نیستند و این دلیل آن است که چرا هر جایی که یک حرکت سیاسی [ح‌ک‌چ] پیش می‌آید آن‌ها قربانی می‌شوند. با این حال، هنگامی که زمان تسویه حساب کردن با حزب بدنهاد فرا

می‌رسد، زمانی که اصلاح دنیای بشری [توسط] فا اتفاق می‌افتد، هیچ‌یک از آن موارد مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرند؛ تا زمانی که شما عضوی از آن هستید، هر چیزی در این روند بلافاصله از بین خواهد رفت. به‌خاطر این که مریدان دافا درحال نجات دادن موجودات ذی‌شعور هستند - حتی درحالی که به شدت مورد شکنجه و آزار قرار می‌گیرند - با استفاده کامل از هر فرصتی و به‌خطر انداختن ایمنی خودشان مردم را درباره حقیقت آگاه می‌کنند. آن‌ها به مردم دنیا درباره این چیزها گفته‌اند و درحال نجات آن‌ها هستند. با این حال برخی از مردم گوش نمی‌کنند و خوب، با امتناع از شنیدن، موضع خود را نشان داده‌اند. برخی از مردم [تشریح و تفسیر را] خوانده‌اند، اما هنوز نمی‌خواهند دست بکشند، در این مورد هم دست نکشیدن آن‌ها به مثابه این است که موضع خودشان را نشان داده‌اند.

مریدان دافا از روی نیک‌خواهی و با آرزوی نجات دادن مردم، آن‌چه را که درحال انجام آن هستند انجام داده‌اند، نهایت تلاش‌شان را عرضه می‌کنند و هر کاری که می‌توانند برای نجات مردم انجام می‌دهند. بنابراین از روز نخست تا کنون، همیشه موجودات ذی‌شعور را نجات می‌داده‌ایم و هرگز هیچ کار خاصی را برای کسب برخی چیزهای سیاسی دنیوی انجام ن داده‌ایم. ما اهمیتی به قدرت سیاسی نمی‌دهیم. هدف یک تزکیه‌کننده این است که فراسوی دنیای انسانی برود و به کمال وجودی‌اش برسد. زمانی که به کسب چیزهای دنیوی یا علائق شخصی وابسته شود، نمی‌تواند به کمال برسد. وقتی یک تزکیه‌کننده در این جهان تزکیه می‌کند قرار است که از انواع وابستگی‌های انسانی رها شود و فقط پس از آن می‌تواند موجودی الهی گردد. در غیر این صورت، هر وابستگی یا هر عاملی در دنیای انسانی که بر ذهن شما سنگینی می‌کند قفلی می‌شود که شما را به پایین می‌بندد و از رفتن بازمی‌دارد. این دلیل آن است که چرا هنگامی که به دافا اعتبار می‌بخشید و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، هم‌زمان خودتان را تزکیه می‌کنید. شما همه در این باره روشن هستید. به عبارت دیگر، ما به هیچ وجه به دنبال چیزهای بشری نیستیم.

مردم معمولی - مردمی که فا را کسب نکردند، مردمی که نمی‌دانند مریدان دافا چه هستند و با تزکیه بیگانه‌اند - در درک دافا و مریدان دافا ناتوان هستند. در افکار مردم امروز منافع شخصی در درجه اول قرار دارد. بسیاری از فعالیت‌های دموکراتیک و افرادی از گروه‌های سیاسی غیردولتی وجود دارند که آن‌ها نیز با ح‌ک‌چ بدنهاد مخالفت می‌کنند. اما من پی‌می‌برم که برای آن‌ها به انجام رساندن کارها سخت است. و برخی از رفتارشان واقعاً ضعیف و نگران‌کننده است. اگر به آن‌ها واقعاً قدرت سیاسی واگذار می‌شد، آیا عملی می‌بود؟ آن‌ها به منافع شخصی به‌شدت وابسته هستند. اکنون، حتی قبل از این که کارهای زیادی انجام داده باشند، هنگامی که علائق شخصی‌شان مطرح و درخطر باشد، قبل از این که هر کار دیگری انجام دهند شروع به کشمکش با یکدیگر می‌کنند. چگونه خدایان می‌توانند درخصوص این که مسئولیت یک ملت را به‌عهده بگیرند به آنان اعتماد کنند؟ (دست می‌زنند) بنابراین، موجودات انسانی... آن‌ها به این مرحله رسیده‌اند و من فقط درباره افراد خاصی صحبت نمی‌کنم... وضعیت تمامی اجتماع و اخلاقیات در اجتماع، هر دو به‌سرعت درحال سقوط هستند. آن‌ها به‌طور سریعی بدون این که مردم متوجه آن شوند به سراشیبی می‌روند و مردم بدون این که متوجه باشند کوچک‌ذهن شده‌اند. وابستگی آن‌ها به منافع شخصی از آرمان‌های سیاسی‌شان، خواسته‌های سیاسی‌شان و تمایل‌شان برای جنگیدن به‌خاطر اهداف‌شان پیشی گرفته است. آن‌چه می‌خواهیم بگویم این است که ارزش‌های اخلاقی برای مردم معمولی نیز مهم است. اگر ارزش‌های یک فرد کم باشد، خدایان به دیده حقارت به او می‌نگرند. هر فردی، هر موجودی، فقط زمانی که هر دوی آرمان‌ها و اخلاقیات را دارا باشد می‌تواند کارها را به نتیجه برساند، مطمئناً این‌طور است. هنگامی که فا دنیای انسانی را اصلاح می‌کند، یا قبل از آن، هنگامی که ح‌ک‌چ بدنهاد سقوط می‌کند، چه کسی [بر چین] حکومت خواهد کرد؟ ما مریدان دافا، بر آن حکومت نخواهیم کرد، زیرا ما تزکیه‌کننده هستیم، افرادی که بدن‌شان در جهان مادی است اما فکرشان فراسوی آن است. و ما به هیچ وجه به قدرت سیاسی آن‌جا علاقه‌مند نیستیم. (دست می‌زنند) پس چه کسی برای آن مناسب است؟ خدایان کسانی را که آرمان‌های بزرگی دارند، کسانی را که توانایی دارند، کسانی را که دارای ارزش‌های اخلاقی والایی هستند، پیدا می‌کنند. [این، آن چیزی است که] شما می‌توانید روی آن حساب کنید! و اما درباره افرادی معمولی که امروز قادرند به دافا اعتبار ببخشند و کسانی که از ح‌ک‌چ بدنهاد دست می‌کشند - و من درباره مریدان دافا صحبت نمی‌کنم - شما خارق‌العاده هستید، آرزوی من این است که، اگر حقیقتاً بخواهید کارهای زیادی را در اجتماع به

نتیجه برسانید، شروع کنید که به پالایش رفتارتان اهمیت دهید. فقط پس از آن قادر هستید مطابق مسئولیت بزرگی مثل آن، زندگی کنید.

آنچه درحال صحبت درباره آن بودم در واقع چیزهای حاشیه‌ای بودند. در ارتباط با تزکیه‌کنندگان نیازی به صحبت درباره آن چیزها نیست، اما در این باره صحبت کردم، زیرا می‌دانم که در میان شنوندگان امروز، شاگردان جدید و نیز افرادی که هنوز میدان دافا نیستند، حضور دارند. هر چه که باشد، آن چه را که برای مردم خوب است، می‌خواهم. من، لی‌هنگجی، درحالی که در این دوره زندگی در چین بازپیدا شده‌ام، درک عمیقی از آن ملت دارم و همچنین آن چه را که برای مردم خوب است می‌خواهم. (دست می‌زنند). از آن جا که وقت محدود است و شما هنوز مقالاتی برای ارائه دارید، بیشتر صحبت نمی‌کنم. (تشویق، درخواست از استاد برای این که بیشتر بماند) اگر بیش از حد صحبت کنم، با وضعیت جاری اموری که در آن به فا اعتبار می‌بخشید، تداخل ایجاد خواهد کرد، زیرا شاگردان سؤالات بسیاری را خواهند پرسید که ارتباطی به وضعیت جاری اعتباربخشی به فا ندارد. اگر امروز زیاد می‌گفتم، چیزهایی را که شما لازم است درحال حاضر انجام دهید، ممکن بود ضعیف کند. بنابراین باید به شرایط جاری توجه کنیم و کارهایی را که لازم است انجام شوند تضعیف نکنیم. امور درحال حاضر اساساً این گونه هستند. اگر چیزهای جدیدی هستند که لازم است انجام شوند، میدان دافا به‌طور طبیعی به آن آگاه خواهند شد.

مایلم از این فرصت استفاده کرده و به شما این را بگویم: درحالی که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، فراموش نکنید که خودتان را تزکیه کنید. (دست می‌زنند) نیاز دارید همه آن سه کار را انجام دهید. باید همیشه افکارتان را درست نگاه دارید و هنگامی که با شیطان یا موقعیت‌های ویژه‌ای مواجه می‌شوید، باید زیاد افکار درست بفرستید؛ نیاز دارید که حقیقت را آشکار کنید و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، اما حتی بیشتر این که، باید خودتان را به‌خوبی تزکیه کنید. اگر خودتان را به‌خوبی تزکیه نکنید تقوای عظیم نخواهید داشت، آن چه می‌گویید هم‌سو با فا نخواهد بود و پس از آن احتمالاً نمی‌توانید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. وقتی آن چه می‌گویید هیچ تقوای عظیم و هیچ قدرتی نداشته باشد، هیچ اثری نخواهد داشت و اهریمن از آن بهره‌برداری خواهد کرد. بیشتر این که، اگر خودتان را به‌خوبی تزکیه نکنید و افکار درست‌تان ضعیف باشند، هنگامی که کارهای خاصی را اداره می‌کنید گرایش خواهید داشت که به سمت شیوه‌های تفکر بشری سوق پیدا کنید و پس از آن قادر نخواهید بود اثر نجات بخشی موجودات ذی‌شعور را داشته باشید. تعداد زیادی از مردم معمولی در انجام کارها درحال کمک به میدان دافا هستند، اما آن‌ها در حقیقت، مردم عادی هستند که درحال انجام کارهای میدان دافا هستند. از سوی دیگر، شما میدان دافا هستید. آن چه که درحال انجام آن هستید چیزهایی هستند که برای انجام شدن در نظر گرفته شده‌اند و شما درحال پایه‌گذاری تقوای عظیم‌تان هستید و در مسیری الهی به سمت کمال درحال حرکت هستید. بنابراین اگر خودتان را تزکیه نکنید عملی نخواهد بود. در این باره بیشتر صحبت نمی‌کنم. وقت‌تان را بیشتر نمی‌گیرم. فا را بسیار مطالعه کنید، کتاب را بسیار بخوانید.

مهم نیست کارها برای میدان دافا چه قدر سخت است و سفرتان ممکن است چه قدر توان فرسا باشد، آینده شما درخشان است. شما بیشتر و بیشتر درحال مشاهده این هستید که چه قدر آینده‌تان درخشان است و درباره نوع مسیری که می‌خواهید بپیمایید روشن می‌شوید. استاد بهترین‌های هر چیزی را برای شما مهیا کرده است، اما شما باید آن را این‌جا بسازید! (تشویق گرم)

با رسیدن به جایی که میدان دافا امروز هستند، آن‌ها تحسین موجودات از همه سطوح، بالا و پایین، را به‌دست آورده‌اند و موجودات شیطانی ترسیده و وحشت زده هستند. هم‌اکنون موجودات شیطانی اساساً به‌روشی غیرعقلانی، درحال پیروی از عواملی که در ابتدا توسط نیروهای کهن برنامه‌ریزی شدند هستند؛ آن‌ها درحال مورد استفاده قرار گرفته شدن هستند و درحال انجام کارهایی هستند که با اصلاح فا مداخله می‌کند. برخی از موجودات شیطانی لحظه‌ای که در مجاورت میدان دافا قرار می‌گیرند برمی‌خیزند و می‌گریزند. برخی درحالی که اکنون کارهای بد انجام می‌دهند از ترس می‌لرزند، مردد هستند. بنابراین میدان دافا نباید بترسند، و آن‌ها باید همه چیز را به شیوه‌ای درست و باوقار اداره کنند. این موجودات اهریمنی هستند که می‌ترسند. در آغاز آزار و شکنجه، به نظر می‌رسید که میدان دافا منزوی شده باشند و آن بدین علت بود که در آن زمان عوامل شیطانی بسیار زیادی وجود داشتند. اما درواقع حتی در آن زمان نیز منزوی نبودند، زیرا خدایان و بدن‌های قانون استاد در اطراف وجود داشت، گونگ وجود داشت و بخشی از شما که به‌طور کامل تزکیه شده بود آن‌جا بود. چیزها امروز حتی بهتر هستند. بسیاری از عوامل

شیطانی رفته‌اند، ارواح اهریمنی حزب بدنهاد کمتر هستند و میدانی که مریدان دافا در جهان شکل داده‌اند، با تراکم آن که اکنون بسیار زیاد می‌شود، عظیم شده است. کار مهمی که این میدان درحال انجام آن است، کمک به مریدان دافا در نجات موجودات ذی‌شعور و بازداشتن موجودات شیطانی، به‌ویژه اصلی‌ترین آن‌ها می‌باشد. بنابراین آن، اصولاً امور دنیوی مردم معمولی را به حال خود رها می‌کند. اگر می‌شد که این میدان تأثیری گسترده ایجاد کند، تأثیر، کاملاً باشکوه می‌بود و از میدان اهریمنی ح‌ک‌چ پلید بسیار پیشی می‌گرفت. در عین حال، میدان حزب بدنهاد روح شیطانی‌زده، به‌طور چشمگیری درحال زایل شدن و کوچک شدن است. بنابراین موجودات اهریمنی وحشت زده هستند.

در حقیقت، میدان [دافا] نه تنها به مریدان دافا در آن چه که درحال انجام آن هستند کمک می‌کند، آن همچنین مردم دنیا را تشویق می‌کند، شهامت مردم چین، هم داخل و هم خارج سرزمین چین را تقویت می‌کند، به آن‌ها کمک می‌کند تا خودشان را از کنترل آن عوامل شیطانی رها کنند و تأثیری مثبت در تمامی جوانب دارد. بنابراین امیدوارم در سفری که در پیش رو دارید، حتی بهتر عمل کنید، درست و با وقار باشید، افکار درست قوی‌تری داشته باشید، و حتی بهتر عمل کنید. مهم نیست که با چه موقعیتی ممکن است مواجه شوید یا ممکن است در چه شرایطی خودتان را بیابید، باید همانند یک مرید دافا باشید و نمی‌توانید به‌طور نسنجیده عمل کنید. شما باید افکار درست کافی داشته باشید. (دست می‌زنند)

شکل و حالت تزکیه‌ای که مریدان دافا امروز تمرین می‌کنند از شکل‌های تزکیه در گذشته متفاوت است. شما کسانی هستید که حقیقتاً موجودات ذی‌شعور را در مقیاسی وسیع نجات می‌دهید، شما کسانی هستید که به‌طور حقیقی چنین مأموریت عظیمی را دارید. این دلیل آن است که چرا حالتی را که متجلی می‌کنید، کاملاً از حالت تزکیه در گذشته متفاوت است. و دقیقاً به‌خاطر این دلایل، حتی بیش‌تر اهمیت دارد که شما تزکیه خودتان را نادیده نگیرید یا از این چیزها به‌عنوان بهانه‌ای برای نواقص‌تان استفاده نکنید. بنابراین امیدوارم در مسیر پیش‌رو به‌خوبی عمل نمایید. بسیار خوب، این‌جا تمام می‌کنم، این تمام آن چیزی بود که امروز می‌گوییم. (تشویقی پرشور و طولانی)

آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۵ کانادا

(لی هنگجی، ۲۲ مه ۲۰۰۵، در تورنتو)

(تشویق پرشور) صبح بخیر! (تشویق) (حضار: «صبح بخیر استاد!»)

به خاطر دارم که قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، کنفرانس فای تورنتوی ما اینجا برگزار شد. (تشویق پرشور) در آن زمان، وقتی سرکوب و آزار و شکنجه ح.ک.چ شیطان در آستانه شروع بود، چیزی به شما گفتم: «گفتم که فقط اگر تحت تأثیر قرار نگیرید می‌توانید تمام وضعیت‌ها را اداره کنید.» (تشویق پرشور) البته، برخی از شاگردان آنچه را که گفتم درک کردند، درحالی که سایرین آن را این‌گونه برداشت کردند که، هیچ کاری انجام ندهند، هیچ اقدامی نکنند. (معلم می‌خندند) (همه می‌خندند) «تحت تأثیر قرار نگرستن» به این اشاره می‌کند که افکار درست محکم و ایمان راستین یک فرد تحت تأثیر قرار نگیرد. منظور، نادیده گرفتن مسئولیت یک مرید دافا در نجات موجودات ذی‌شعور، و حتی برنگزیدن مسیر تزکیه و رشد خودتان با گذر از سختی‌ها نبود. چگونه می‌تواند این عملی باشد؟ اما هرطور که افراد انجام دادند، هر چه باشد این تزکیه است، از این رو هر فردی درک متفاوتی داشت و هر یک، دافا را با درجات مختلفی از وابستگی‌های بشری برگزیده بودند؛ در روند تزکیه، افکار بشری وجود دارد که از بین بردن آنها سخت است و این باعث درک‌های مختلف و برداشت‌های مختلفی از فا می‌شود. بنابراین در میان این آزمون سخت، درک شاگردان مختلف از دافا و مقدار وابستگی‌های‌شان کاملاً نمایان شد و دیده‌اید که در طول این آزار و شکنجه، افراد چگونه به‌طور متفاوتی رفتار کرده‌اند. این آزار و اذیت بر ما تحمیل شد و نباید مورد تأیید قرار گیرد، اما از طریق این آزار و اذیت، کوتاهی‌ها در تزکیه واقعاً دیده شده است، درست همان‌گونه که جنبه باشکوه مریدان دافا دیده شده است. برای شما اینکه استاد را تا این مرحله دنبال کرده‌اید و از میان آزار و اذیت با موفقیت گذر کرده‌اید، این واقعاً باشکوه است. (تشویق پرشور)

گفته‌ام که اگر برای این آزار و شکنجه نمی‌بود، تزکیه مریدان دافا شکل دیگری را برمی‌گزید. البته، آنچه گذشته، گذشته است و این چیز نیست که دیگر گذشته و قابل بحث نیست. اما با توجه به مسائل جاری، در این شرایط، وقتی مریدان واقعی دافا بتوانند پابرجا بمانند و خودشان را در فا رشد دهند و همزمان که این آزار و شکنجه را نفی می‌کنند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و تا این مرحله را با موفقیت سپری کنند، این واقعاً باشکوه است. شما دیده‌اید که این آزار و اذیت چقدر پلید، خشن و فریبکارانه بوده است و علاوه بر آن، شامل چیزی بوده که آن را از آزار و اذیت‌های مریدان موجودات روشن‌بین گذشته متمایز ساخته است: در طول تاریخ، آزار و اذیت‌ها به‌طور باز و علنی انجام شدند، در صورتی که امروز، ح.ک.چ شیطان همه تجارب و ترفندهای پلید آزار و اذیت مردم در گذشته تاریخ را در دست خود دارد، از این رو در این آزار و اذیت و سرکوب پلید، در نهان، بسیاری از ترفندهای وصف‌ناپذیر به کار گرفته شده است. بنابراین وقتی نوبت به کمک به مردم می‌رسد تا از این مسئله مطلع شوند، کمک به اجتماع که آگاه شوند و وقتی می‌خواهیم مردم دنیا نسبت به این آزار و اذیت وحشیانه واکنش نشان دهند، یا راهنمایی‌شان کنیم تا از مریدان دافا حمایت کنند- انجام این کار خیلی سخت به نظر می‌رسد. زیرا شیطان روی حقیقت سرپوش گذاشته است و ترفندهایی که در آزار و اذیت به کار بستند، بی‌نهایت پلید هستند. هرگز در گذشته چیزی مانند این روی نداده است. این محصولی از این است که حزب کمونیست پلید بیش از یک قرن پلیدترین تجارب را جمع کرده و به‌شکلی بی‌نهایت مخفیانه، روی جنایات خود در این آزار و شکنجه سرپوش گذاشته است.

به عبارت دیگر، این آزمون سخت که بر مریدان دافا تحمیل شد، در تاریخ سابقه نداشته است. در گذشته وقتی آزار و اذیت شروع شد، [افراد بد] کارها را به‌طور علنی انجام می‌دادند و با جو ناگوار و فراگیری که مانند سرنگون شدن دنیا احساس می‌شد، بیهوده تلاش می‌کردند مریدان دافا را سرکوب کنند. اما نیروهای شیطان، اهریمنان فاسد و حزب بدنهاد نتوانستند موفق شوند. بعداً متوجه شدند که با گذشت زمان، این رویکردشان توجه بین‌المللی را به خود جلب و مردم چین را ناراحت و عصبانی

می‌کند و گستره وسیع‌تری از مردم، از مریدان دافا و تلاش برای توقف این آزار و شکنجه حمایت می‌کنند. از این رو به تدریج این آزار و اذیت را به شکلی مخفیانه تبدیل کردند. سپس، اول اینکه، در ظاهر به نظر می‌رسید ح.ک.چ بدنهاد دوباره پیروزی کسب کرده و دوم اینکه، تصویر کاذبی ترسیم کرد که در ظاهر، مسائل آرام و هماهنگ به نظر می‌رسید. همزمان، در پشت صحنه، به شکلی پلید به آزار و اذیت فریبکارانه مریدان دافا ادامه داد. در مراحل بعد، به مرحله‌ای رسید که حتی ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های تحت کنترل ح.ک.چ دیگر نامی از آن نمی‌بردند. اما هرگز دست از این آزار و اذیت سرکوب‌گرانه برنداشتند. این‌ها شیوه‌های آزار و اذیتی است که یک رژیم تبهکار به کار می‌برد، چیزی که هرگز در گذشته دیده نشده است. شما دیده‌اید که تحت این شرایط، رسانه‌های جریان اصلی در هر کشوری در دنیا، اکثراً این آزار و اذیت مریدان دافا را گزارش نکرده‌اند و در حالی که این جنایات و گناهان انجام می‌شود، آنها سکوت اختیار کرده‌اند.

البته، عامل دیگری نیز وجود دارد، این است که اکنون چین یک بازار اقتصادی برای همه دنیا شده است و بسیاری از کشورها به شرایط سرمایه‌گذاری آنجا تمایل نشان می‌دهند. این گونه نیست که ح.ک.چ منابع استثنایی داشته باشد، یا ح.ک.چ بهتر شده و شرایط چین را بهبود بخشیده، یا حزب کمونیست پلید رویکردهایی عالی داشته، و در نتیجه سرمایه‌گذاران سراسر دنیا را جذب کرده است. در واقع، خیلی ساده است: ح.ک.چ مردم چین را فقیر و پر از ترس کرده است و در نتیجه آنها می‌خواهند پول بیشتری پس‌انداز کنند؛ همچنین اخلاق کاری مردم چین آنها را به سمتی سوق داده که در شغلی که دارند پیوسته و طولانی مدت کار کنند. این مسئله باعث جذب سرمایه‌گذاران شده است. در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردم پس از اینکه مقداری پول درآوردند کار کردن را متوقف می‌کنند و تا وقتی آن را خرج نکرده باشند دوباره کار نمی‌کنند. اما مردم چین، در حالی که ح.ک.چ آنها را فقیر و هراسان کرده است، چنین شخصیتی را شکل داده‌اند که می‌خواهند به پس‌انداز کردن پول ادامه دهند و در نتیجه تا وقتی که بتوانند پول پس‌انداز کنند به کار کردن ادامه می‌دهند. این مسئله تعداد بسیار زیادی از سرمایه‌گذارانی را جذب کرده است که به محیط کار پایدار نیاز دارند، مخصوصاً آنهایی که نیازمند پرسنل فنی هستند. از این رو ح.ک.چ پلید از این قالب ذهنی مردم چین بهره‌برداری کرده و از مردم چین و سرمایه‌گذاران و مقدار عظیمی از منابع انسانی، مادی و مالی استفاده کرده تا مردم را سرکوب کند و فالون‌گونگ را مورد آزار و اذیت قرار دهد. و این گونه است که بسیاری از کشورها، به خاطر منافع اقتصادی، در خصوص این آزار و شکنجه موضع خود را اعلام نکرده‌اند.

از طریق این آزار و شکنجه دیده‌ایم که در این اجتماع بشری، هیچ یک از چیزهایی که از آنها طرفداری می‌شود قابل اعتماد نیست. بسیاری از افراد در سراسر دنیا هستند که درباره حقوق بشر صحبت می‌کنند و بسیاری از کشورها هستند که حرف از آزادی عقاید می‌زنند، تا حدی که به نظر می‌رسد هر کسی در همه جای این دنیا این مسائل را پایه‌ای‌ترین نیاز زندگی و یکی از مهم‌ترین حقوق فرد در نظر می‌گیرد. اما وقتی ح.ک.چ مردم چین را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد و به شکلی بسیار شیطانی و شدید، حقوق بشر و آزادی عقیده آنان را پایمال می‌کند، بسیاری از حکومت‌ها و رسانه‌های سراسر دنیا سکوت اختیار کرده‌اند. به عبارت دیگر، وقتی منافع مادی در خطر باشد، تمام حرف‌ها درباره آزادی عقیده و حقوق بشر، ناگهان برای‌شان بی‌معنی می‌شود. در خصوص وجدان مردم نیز، می‌توانیم ببینیم که در این شرایط، از آن به اصطلاح وجدان مردم نیز خبری نیست. گویا چنین چیزهایی صرفاً به عنوان ابزاری برای حفاظت از علایق عملی و شخصی افراد خاصی تبلیغ می‌شوند. از سوی دیگر، دافا حقیقت واقعی کیهان است که از طریق تزکیه به درک آن رسیده‌اید. آن تا ابد تغییرناپذیر است. آموزش راستین آن باید در تمام شرایط و موقعیت‌ها پابرجا بماند و چیزهایی هستند که مردم نیاز دارند بدون توجه به وضعیت، از آنها پیروی کنند. در هر شرایطی، تا وقتی که افکار درست تزکیه‌کننده قوی باشد، می‌تواند از طریق آن بهبود یابد، راهنمایی و کمک بگیرد، و بدین وسیله افکار درستش را تقویت کند و به او کمک می‌کند مزاحمت از طرف هرگونه ترفند بشری یا وسوسه شیطانی که سر راهش قرار می‌گیرد را از خود دور کند. همان‌طور که تزکیه‌کنندگان در ارتقای خود پیشرفت می‌کنند، این قانون کیهان و باور راستین انسان به خدایان، و تجلی حقیقت است. هیچ‌یک از چیزهایی که مردم عادی به منظور حفاظت از علایق مردم عادی، با بوق و کرنا ادعا می‌کنند نمی‌تواند با آن مقایسه شود. به عبارت دیگر، تمام اینها ورای سطح مردم عادی می‌رود و به همین دلیل است که مریدان دافا می‌توانند از این آزار و شکنجه با موفقیت گذر کنند.

همراه با این دو دلیل، در واقع عامل دیگری در بنیادی‌ترین سطح وجود دارد که در پشت عدم اعلام موضع بسیاری از کشورها و تقریباً همه رسانه‌های مهم سراسر دنیا قرار دارد. و آن، عوامل نیروهای کهن در کیهان کهن است که تمام مردم دنیا که فا را کسب نکرده‌اند را مسدود می‌کنند و به آنها اجازه نمی‌دهند در این امر درگیر شوند. هدفشان این است که کاری کنند مریدان دافا در مکان‌های خاصی مورد «آزمایش» قرار گیرند. اگر مردم دنیا واقعاً درگیر می‌شدند، آنگاه «آزمایش‌های» مریدان دافا آنقدر پلید نمی‌بود یا به هدف خود نمی‌رسید، همان هدف که مشخص شود آیا مریدان دافا از طریق «سختی‌های» دشوار و خشنی که برای‌شان تدارک دیده شده می‌توانند مطابق [استاندارد] باشند یا خیر. این، دلیل نهایی آن است که چرا آنها این کار را انجام داده‌اند.

اما بدون توجه به اینکه دلیل آن چه چیزی باشد، در طول این آزار و شکنجه، مریدان دافا و من در برابر این آزار و شکنجه به‌طور کامل مقاومت کرده‌ایم. از این رو در حالی که به‌طور کامل در برابر این آزار و شکنجه مقاومت می‌کنیم، اینکه از الزامات استادان، الزامات من، پیروی کنید، و این حالت تزکیه منحصر به فردی را که دارید حفظ کنید و به‌عنوان یک مرید دافا در هر کاری که مسئول آن هستید به‌خوبی عمل کنید- این همان معنی کوشا بودن است. قبلاً به شما گفته‌ام که وقتی نوبت به تزکیه می‌رسد، هر تزکیه‌کننده در گذشته، مانند شما، وضعیت تزکیه سختی می‌داشت، وضعیتی همراه با آزمایش‌های سخت طولانی مدت. و مخصوصاً وقتی یک شخص در شرایطی تزکیه می‌کند که چیزهایی که به شکل عملی به او نفع می‌رسانند درست در اطراف او قرار دارند، این واقعاً سخت است. بسیاری از فرصت‌های به‌دست آوردن، درست اینجا قرار دارند و تزکیه‌کنندگان را وسوسه می‌کنند، و وقتی فقط کمی حفاظ خود را پایین بیاورید، تفکر تان، درک تان و حتی افکار بشری تان شما را به حرکت در مسیر این جریان سوق می‌دهند. از این رو این شکل از تزکیه بسیار سخت است. اما با نگاه از زاویه‌ای دیگر، به‌خاطر اینکه آن سخت است، این نشان می‌دهد که امروز مریدان دافا می‌توانند تا سطوح بالایی تزکیه کنند. اگر محیط این قدر سخت نمی‌بود، آنگاه آزمایش‌های مستقیم لایه سطحی بشری تزکیه‌کننده و آزمایش‌های مستقیم بدن اصلی وجود آن فرد این قدر شدید نمی‌بود.

می‌دانید، خواه مذاهب بود یا شکل‌های گوناگون تزکیه در تاریخ، در تزکیه فرد، آنها مسئول بیرونی‌ترین لایه فرد و همان چهره اصلی، نبودند. به عبارت دیگر، برای‌شان مهم نبود که آیا روح اصلی فرد می‌توانست در تزکیه موفق شود یا خیر. به همین دلیل است که اکثر آنها به تزکیه‌هایی با زمان‌هایی طولانی در سکون (دینگ) می‌پرداختند. حالات گوناگون متجلی شده هنگام از بین برده شدن وابستگی‌ها در سکون، فقط می‌تواند برای روح کمی فرد روی دهند. اما این شکل از تمرین، که مریدان دافا به این شکل در اجتماع بشری تزکیه می‌کنند، باعث می‌شود وابستگی‌های بشری باقیمانده تزکیه‌کننده و بسیاری از وسوسه‌های نفع شخصی برای فرد در سطح و ظاهر، به مستقیم‌ترین شکل متجلی شود. و این منجر به تأکید روی تزکیه تزکیه‌کننده‌ای که در سطح قرار دارد می‌شود، در نتیجه ایجاد تغییرات در سمت لایه سطحی بشری عاملی کلیدی است. آنگاه این چالش برانگیزترین نکته تأکید در تزکیه می‌شود. علاوه بر آن، فرض بر این است که بدن اصلی فرد، هدف نجات و آنچه قرار است رشد یابد باشد، از این رو تزکیه واقعی فرد، مهم‌ترین می‌شود و روش تزکیه به‌گونه‌ای است که لایه سطحی فرد به‌طور مستقیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد. آزمایش‌های روح کمی و سایر موجوداتی که در بدن بشری حضور دارند آنقدر مستقیم نیستند، چراکه همگی آنها تا حدی از این توهّم فراتر رفته‌اند، در صورتی که فرد [در لایه سطحی] به‌وسیله تمام چیزهایی که به شکلی عملی به او سود می‌رسانند به‌طور مستقیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد. این چیزی است که درباره تزکیه مریدان دافا منحصر به فرد است. و وقتی گفتیم: «اکنون موجودات بشری می‌توانند به‌طور واقعی به‌سوی خدا شدن تزکیه کنند» منظورم همین بود. گفتم که، «در شکل، اکنون واقعاً خود فرد است که در حال تزکیه است» زیرا در روند تزکیه، این بدن بشری است که بدنی مهم و اصلی شده است.

در گذشته، وقتی این دافا ابتدا آموزش داده شد، بسیاری از خدایان درک نمی‌کردند و در نتیجه می‌گفتند: «به انسان‌ها بیش از حد بها می‌دهی.» منظورشان این بود که: «به‌جای اینکه روی ما تمرکز کنی، روی انسان‌ها تمرکز می‌کنی.» چه کسی تا به حال در گذشته انسان‌ها را جدی گرفته است؟ موجودات بشری وابستگی‌های بسیار زیادی دارند، رفتارشان خیلی بد است و منطق‌شان خیلی آشفته است. فکر می‌کردند: «چرا می‌خواهی انسان‌ها را نجات دهی؟» البته، دلایل بسیاری در این زمینه وجود

دارد که آنها اطلاعی نداشتند. در آموزش‌های قبلی با شما در میان گذاشتم که خدایان سطح‌پایین از وضعیت واقعی مسائل در سطح ظاهری بشریت آگاهی ندارند. در طول سال‌های بسیار زیاد، در تاریخ بشری اتفاقات بسیار زیادی روی داده و موجودات بشری سطحی، در بازپیدایی‌های گوناگون‌شان مقدار بسیار عظیمی پایداری و تحمل کردند. اصلاح فاعال نجات همه موجودات است، پس چگونه امکان دارد آن موجودات نجات داده نشوند؟ وقتی دافا، فاعال در کیهان را اصلاح می‌کند، مسائل به‌گونه‌ای متفاوت از هر روش تزکیه‌ای در گذشته انجام می‌شوند، [همان روش‌های تزکیه] که فقط مسئول یک نوع خاصی از موجودات یا موجودات درون گستره خاصی بودند. اصلاح فاعال قرار است تمام موجودات قابل نجات را نجات دهد، که شامل تمام موجوداتی می‌شود که خدایان آفریدند و در بدن اصلی یک فرد حضور دارند. بیشتر اینکه، بسیاری از افراد در طول سال‌های بسیار طولانی از میان سختی‌های عظیمی گذشته‌اند، پس چگونه امکان دارد آنها نجات داده نشوند؟ آیا انسان‌ها موجودات مهم و اصلی در سه قلمرو نیستند؟ آیا همه موجودات در سه قلمرو، نباید نجات داده شوند؟ پس این شکل تزکیه و نیز بنیانی که نژاد بشر پایه‌ریزی کرده‌اند و سختی و رنجی که در طول سال‌های بسیار طولانی تاریخ از میان آن گذشته‌اند - آیا دقیقاً این چیزها نیستند که موجودات بشری را قادر کرده‌اند که بزرگترین تقوای عظیم تمام زمان‌ها را کسب کنند؟ و آیا این موجودات نباید برجسته‌ترین در نظر گرفته شوند و اولین موجودات برای نجات در نظر گرفته شوند؟ وقتی این مکان بشری به‌عنوان نقطه پایه‌ای اصلاح فاعال ساخته می‌شود، آیا آن را مناسب این موضوع نمی‌کند که اولین اولویت، آزاد کردن [و نجات] این گروه از موجودات یعنی موجودات بشری، باشد؟

البته، هیچ‌یک از این‌ها آنقدرها ساده نیست. هر چیزی از امروز، در گذشته پیش‌بینی شد. در گذشته وقتی سه قلمرو در ابتدا شکل گرفت، نظم و ترتیب‌ها ایجاد شد و آنگاه در شکل بشری در بیرونی‌ترین لایه انسان، موجودات و شرایطی که دوره اصلاح فاعال نیاز می‌داشت به‌تدریج نظم و ترتیب داده شد و سپس [تمام] این‌ها به آن موجودات اجازه داد تا در روند گذر از چنین سال‌های طولانی، تقوای عظیم بسیار زیادی را کسب کنند. به عبارت دیگر، آنچه در ظاهر و سطح یک موجود بشری قرار دارد صرفاً یک بشر نیست. رفتار و خرد ناقص و ناکامل [موجودات بشری] نتیجه‌ای از محدودیت‌های ناشی از قلمرویی است که موجودات بشری در آن هستند، و نیز ناشی از محیط سه قلمرو و استانداردی است که هنگام آفرینش انسان از آن استفاده شد. صرفاً نمی‌توان از روی تجلی چیزها، آن را درک کرد، زیرا هرچه سطح یک عامل بالاتر باشد، تشخیص آن در [سطح] ظاهر بدن بشری سخت‌تر است. درحالی که آن چیزها تشخیص داده نمی‌شوند، وضعیت واقعی انسان، برای موجودات سطوح بسیار زیادی همیشه پنهان بوده است. این‌گونه نیست که هر خدایی رابطه بین سه قلمرو و کیهان را می‌داند. همان‌طور که می‌دانید، در طول تاریخ، فرهنگ و پیش‌گویی‌های زیادی به اجتماع بشری منتقل شد، اما درخصوص خدایان، حتی آنهایی که به سه قلمرو نزدیکترین هستند درباره بسیاری از این چیزها نمی‌دانند. آیا این عجیب نیست؟ پس چرا این‌گونه است؟ چرا آنها نمی‌دانند؟ وقتی موجودات بشری می‌توانند آموزه‌های راستین خاصی را دریابند که در برخی پیش‌گویی‌های گذشته یافت می‌شود، همین‌طور پیش‌گویی‌های بسیار دقیقی را که در طول تاریخ بشری، اینجا به‌جای مانده؛ چگونه است که خدایان نمی‌دانند؟

درواقع رازهای بسیاری در دنیای بشری و در سه قلمرو وجود دارد و بسیاری از این اسرار برای خدایان ناشناخته است. و بین زمان بشریت و زمان آن خدایان بسیار زیاد، تفاوت‌های عظیم و بسیار زیادی وجود دارد. فرض کنید یک موجود بشری یک ذره باشد، آنگاه یک موجود خدایی که در اندازه یک ذره بزرگتر است - یعنی اگر از نظر حجم صحبت کنیم - آنچه درخصوص تاریخ بسیار طولانی دنیای بشری می‌تواند تشخیص دهد و از آن آگاه باشد و بداند، بسیار محدود است. وقتی به ذره‌ای می‌رسد که حجمش کوچکتر از ذرات نژاد بشری است، یا به خدایی که کوچکتر از یک ذره مولکولی است، زمان او بسیار سریع سپری می‌شود. به همین دلیل است که بسیاری از موجودات درباره تاریخ اصلی سه قلمرو، دلیل وجود سه قلمرو یا معنی واقعی وجود زندگی هیچ چیزی نمی‌دانند. یک خدا واقعاً نمی‌میرد، اما او در قلمروی خود، تولدی دوباره دارد. صرفاً از کلمه «تولد دوباره» برای توصیف آن استفاده می‌کنم. او نیز به‌واسطه [قانون] ایجاد، ثبات، فساد، انهدام که در کیهان وجود داشته است، شبیه‌انگونه که موجودات بشری از روند تولد، پیری، بیماری و مرگ می‌گذرند، دوباره از نو شروع می‌کند و سپس بازپیدا می‌شود. در زمان آفرینش این کیهان، اصل [و قانون] دوباره‌نوشتن چرخه‌ای، در حقایق فاعال قرار داده شد و از این‌رو این پدیده به‌طور مشابه در

قلمروی خدایان وجود داشته است. صرفاً این طور است که برای خدایان، زمان در [قلمروهای مربوط به خودشان] بی‌انتهای به‌نظر می‌رسد. همچنین، خدایان از روند تولد دوباره خود آگاه هستند، برخلاف موجودات بشری که فکر می‌کنند مرگ وحشتناک است و مطمئن نیستند که آیا زندگی بعدی نیز وجود دارد یا خیر. این‌ها بخشی از توهم هستند و چیزهایی نیستند که انسان‌ها اجازه داشته باشند بدانند. اما خدایان، در حالت خدایی خود، آنها را می‌دانند. صرفاً این‌طور است که وقتی دوباره متولد می‌شوند حافظه‌شان از گذشته، پاک می‌شود- وقتی دوباره متولد می‌شوند تمام حافظه از گذشته از دست می‌رود. این‌گونه هستند. اما برای آنها، هر چیزی آنقدر طولانی است که گویی زندگی هرگز پایان نمی‌پذیرد. در روند تولد دوباره، دیگر چیزی از مسائل گذشته نمی‌دانند. از این‌رو در طول سال‌های بسیار طولانی، این‌گونه نیست که همه خدایان در کیهان، تاریخی که در سه قلمرو آشکار شده را می‌دانند. و حتی درخصوص اصلاح فای امروز، این‌گونه نیست که همه خدایان می‌دانند درباره چیست و حتی همگی آنها بتوانند هر مرحله از اصلاح فا را درک کنند یا ببینند. موجودات قلمروهای بی‌شمار فقط وقتی اصلاح فا را می‌بینند که تقریباً درست در مقابل آنها قرار گرفته باشد، تا وقتی وارد نشده آن را نمی‌بینند. به‌همین دلیل است که در این اصلاح فا، موجودات کیهان به شکل‌های متفاوت رفتار کرده‌اند. برخی درک مثبت، برخی درک منفی و برخی درک منفعل دارند. این‌گونه هستند. می‌توانیم به شما بگوییم، تمام شکل‌های مختلف رفتار موجودات بشری در جوامع بشری امروزه را که دیده‌ایم، تقریباً شبیه چگونگی مسائل در قلمروهای بالاتر هستند.

قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، وقتی فا به‌طور گسترده‌ای درحال اشاعه بود، موجودات و خدایان قلمروهای مختلف در چه حالی بودند؟ آنها می‌گفتند: «اوه، دافا خیلی عالی است. حیف است که چنین قانون خوبی به انسان‌ها آموزش داده شود و وقتی انسان‌ها در بدترین [حالت] خود هستند این کار انجام شود.» برخی از آنان فکر کردند: «شاید فقط با اشاعه آن در چنین زمانی شکوه دافا می‌تواند نشان داده شود.» موجوداتی نیز بودند که فکر می‌کردند: «لی هنگجی بخشنده است، پس بیایید همه چیزهای بد را به سمت او هل دهیم و بگذاریم او گناهان و کارما را از بین ببرد.» آنها از این فرصت بهره‌برداری کردند تا کارهای بدی انجام دهند. کارمایی که [مرا] تحت فشار قرار می‌داد به اندازه آسمان بزرگ بود و بسیاری از خدایانی که این را دیدند فکر می‌کردند: «آیا هنوز قادر خواهد بود آن را بردارد؟» گرچه فکرها و درک‌های مختلفی در بین آنها بود، اما نقشی که در آن زمان ایفا کردند اکثراً مثبت بود. اما وقتی در ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ آزار و شکنجه شروع شد، تفکرشان تغییر کرد. تعداد زیادی از موجودات در قلمروهای گوناگون رویکردی راضی و منفعل را برگزیدند و صرفاً مسائل را تماشا می‌کردند؛ با دیدن اینکه اهریمنان فاسد کارهای شیطانی انجام می‌دادند و این آزار و شکنجه را پیش می‌بردند هیچ کاری انجام نمی‌دادند، گویی درحال تماشای این بودند که آیا از آن با موفقیت گذر می‌کنم یا خیر. آنها فکر می‌کردند: «اگر بتوانی آن را با موفقیت پشت سر گذاری، پس اوه، این بسیار خارق‌العاده است و من حمایت می‌کنم.» اما به‌واسطه موانعی که پس از تحریک شدن نیروهای کهن و موجودات کهن پدیدار شدند و با دیدن دنیای مملو از نیروی شیطانی مسلط، هر یک از موجودات افکار خودخواهانه داشتند. اکثراً فکر می‌کردند: «خیلی سخت است که این موفق شود. اگر این عملی نشود من تحت تأثیر قرار خواهم گرفت.» از این‌رو هیچ موضعی اعلام نکردند. تقریباً تمام موجودات در قلمروهای بسیاری زیاد این‌گونه بودند. آنچه این قانون کیهان قصد دارد نجات دهد، دقیقاً این موجودات قلمروهای بسیار زیاد هستند. اما الزامات برای موجودات نمی‌تواند خیلی بالا در نظر گرفته شود. اگر همه این‌قدر راستین بودند کیهان به اصلاح فا نیاز نمی‌داشت. دقیقاً به‌خاطر اینکه موجودات این‌گونه شدند و دیگر خوب نیستند، این‌گونه رفتار کرده‌اند. و خدایان این‌گونه نسبت به اصلاح فا و میدان دافا رفتار کردند.

البته، همان‌طور که کل اصلاح فا به‌طور پیوسته به پیش می‌رود، وضعیت در دنیا و کل سه قلمرو به‌طور پیوسته تغییر می‌کند. رفتاری که امروز از مردم مشاهده می‌کنید خیلی شبیه چگونگی مسائل در آسمان‌ها است. به‌طور متفاوتی بیان کنیم، اگر موجودات بسیاری از مردم دنیا متناظر با آن بدن‌های آسمانی باشند و پیش‌زمینه‌های خاصی داشته باشند، آنگاه درباره‌اش ببینید: آیا [چگونگی رفتارشان در اینجا] به‌طور مستقیم به چگونگی مسائل در قلمروشان در این زمان ارتباط ندارد؟ البته، انسان‌ها در بیرونی‌ترین لایه درباره این مسائل روشن نیستند. درحال حاضر بسیاری از افراد مایلند که قدم پیش گذارند، زیرا موجودات و پادشاهان بسیاری از قلمروهای مختلف می‌توانند ببینند که موفقیت دافا در اصلاح فا توقف‌ناپذیر و قطعی است.

از این رو یکی پس از دیگری موضع خود را اعلام می‌کنند و در اعمال‌شان آن را نشان می‌دهند. عوامل پایانی کیهان کهن، آمدن این مرحله را مدت‌ها پیش دیده بودند. بسیاری از موجودات نهایی هنوز بالاتری در این کیهان هستند و گرچه مرتبط با عوامل نیروهای کهن نیستند، به‌رحال موجودات کهن هستند و به مفاهیمی که پس از منحرف شدن شکل دادند پای‌بند هستند. وقتی به مریدان دافا نگاه می‌کنند، به ناکاملی‌های کیهان گذشته و مشخصات منحرف آن می‌چسبند و سعی می‌کنند از تمام آن چیزها حمایت کنند. آنها فکر می‌کنند که این نوع از آزار و شکنجه می‌تواند به تزکیهٔ مریدان دافا کمک کند. افکار و عقایدشان تأثیری بازدارنده دارد و حائلی بین دنیای سطحی و قلمروهای دیگر ایجاد کرده و مانع درک مردم از فایده می‌شود. آنها فکر می‌کنند که فقط وقتی کسی تحت این شرایط، از عهدهٔ آن برآید قابل قبول است و موجودات در قلمروهای پایین‌تر و مردم دنیا فقط زمانی می‌توانند نگره داشته شوند که تحت این شرایط موضع خود را اعلام کنند. اعلام موضع در چنین شرایطی گویای شکوه یک موجود است، اما آیا لازم است که آن حالتی را داشت که آنها نتوانند اصلاح فایده را درک کنند؟ و مهم‌تر از همه، کیهان آینده خواهان این نیست که کارها به این شیوه انجام شود. و اصلاح فایده این عوامل منفی متخاصم را تأیید نمی‌کند. به‌علاوه، در این زمان، نگرش یک موجود به اصلاح فایده‌ای است و این برای آن موجودات «نهایی بالاترین» که سعی می‌کنند روی اصلاح فایده تأثیر بگذارند نیز صحت دارد.

اصلاح فایده فقط روی آیندهٔ مریدان دافا، مردم دنیا یا موجودات قلمروهای مختلف تأثیر نمی‌گذارد، بلکه روی آیندهٔ تمام موجودات تأثیر می‌گذارد. با توجه به عظمت اصلاح فایده، چه کسی می‌تواند خارج از آن باشد؟ هم‌زمان، به‌خاطر اهمیت بسیار زیاد نگرش یک موجود نسبت به اصلاح فایده، هیچ‌کسی اجازهٔ این را ندارد که موجودات ذی‌شعور را قفل کند و باعث شود به‌طور جاهلانه‌ای نسبت به اصلاح فایده و دافا مرتکب گناه شوند. در اول نیز اختلال از جانب آن عوامل نیروهای کهن هرگز نمی‌بایست روی می‌داد. فقط وقتی واقعی است که موجودات ذی‌شعور قادر باشند بدون تحت کنترل قرار گرفتن به هیچ‌شکلی و در نبود مزاحمت از سوی هیچ‌عاملی، به امور نگاه کنند و موضعی برگزینند. وقتی این‌گونه نیست، آیا آنچه تدبیر کردند، یک تجلی نظم و تربیتی از این نیست که بر طبق خواست خودشان، موجودات خاصی کارهای خوب و موجودات خاصی کارهای بدی انجام دهند؟ آیا این رفتار واقعی آن موجودات است؟ این‌گونه نیست! اما در شرایط فعلی، عوامل کهن نهایی کیهان هنوز با آنچه نیاز است و آنچه لازم است برای آینده بنیان نهاده شود، در حال مداخله هستند.

امروز اعمال موجودات در این دنیا که شاهد آن هستیم، این‌گونه است که علی‌رغم تأثیر نیروهای کهن، موجودات و خدایان در قلمروهای مختلف به تدریج دافا را تأیید و از آن حمایت می‌کنند. اما این تأیید، پذیرش واقعی و بدون قید و شرط دافا، اصلاح فایده و مریدان دافا از سوی آنها نیست، بلکه برعکس نتیجه‌ای از نیروی فزایندهٔ موفقیت اصلاح فایده است که بر کل بدن کیهانی حاکم شده و هیچ انتخابی برای آنها باقی نگذاشته است. البته بخش قابل توجهی از آنها هستند که به‌طور واقعی درک می‌کنند، چراکه اکنون می‌توانند این روند اصلاح فایده را ببینند و ببینند که هر چیزی برای آینده مطمئناً حاصل می‌شود. البته، مردم دنیا از تمام این‌ها واقفاً آگاه نیستند. فقط می‌توانند ببینند که [فالون گونگ] مرعوب آزار و اذیت حکومت تیه‌کار ح.ک.چ نشده و آنها یک درکی در سطح بشری نشان داده‌اند که، «اوه، این فالون گونگ فرق می‌کند. هرچه باشد این بار فالون گونگ از ترس، تسلیم آن ح.ک.چ شیطانی پلید نشده است. بلکه برعکس به‌طور فزاینده‌ای درخشیده و شکوفا شده، درحالی که ح.ک.چ در روند آزار و اذیت فالون گونگ خودش را نابود کرده است. فالون گونگ خارق‌العاده است!» همچنین، درخصوص مردم چین، کیفیت حاصل از نمایش افکار درست مریدان دافا گویای این است که امید هست که ارزش‌های اخلاقی تمدن چین دوباره بازگردد. در آن اجتماعی که ح.ک.چ حکومت می‌کند آن مقامات فاسد و طماع و جنایاتی که روی می‌دهند خارج از کنترل می‌شوند. مسئلهٔ دیگر این است که، برای اینکه اجازه داد مردم چین فایده را درک و آن را کسب کنند، وقتی اصلاح فایده شروع شد، ذهن مردم چین رها شد و باعث شد خیلی باهوش شوند. اما در طول این آزار و شکنجه، آن باهوش شدن را برای درک فایده مورد استفاده قرار ندادند، و برعکس از آن برای ارتکاب گناه استفاده کردند. از این رو در طول چند سال قبل که مریدان دافا تحت آزار و شکنجه قرار داشتند آنها به جن، سن، رن حمله کرده و چیزهای اهریمنی تبلیغ کرده‌اند، و این باعث شده شیوه‌هایی که موجودات ذی‌شعور مرتکب جنایت می‌شوند بی‌نهایت پنهانی و پیچیده شود. دستهٔ رذل ح.ک.چ هیچ راهی ندارند که مخصصه جاری چین را اداره

کنند. آنها هیچ راهی ندارند جنایاتی که مرتکب شده‌اند و مشکلات پیچیده در اجتماعی که خود به وجود آورده‌اند و اکنون با آن مواجه هستند را برعکس کنند.

همه این‌ها را گفتم زیرا امروز دوباره اینجا نشستیم و فا را به شما آموزش می‌دهم. (تسویق پرشور) پنج یا شش سال گذشته است و امروز دوباره اینجا فا را آموزش می‌دهم و ممکن است احساس متفاوتی داشته باشید و ممکن است برای شاگردانی که دفعه قبل اینجا بودند حتی بیشتر این‌گونه باشد. اصولاً از آزار و شکنجه شدید پلید با موفقیت گذر کرده‌ایم، [و می‌توانم این را بگویم] چراکه در طول این اصلاح فا، عوامل ح.ک، چ پلید به طور زیاد و سریعی در تعداد وسیعی در حال نابود شدن هستند. مانند آنچه گفتم، آنها پلید، بدنهاد و بد هستند. تا وقتی که وجود دارند به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند. از این رو در چین، گرچه بازدارندگی‌های روی مردم آنجا از سوی عوامل شیطانی حزب کمونیست پلید، و همین‌طور در خصوص تعداد بسیاری از سایر مردم سراسر دنیا، در حال از بین رفتن، کاهش و کمتر شدن هستند، و دیگر به آن حد مؤثر نیستند، اما آزار و شکنجه علیه مریدان دافا هنوز تداوم دارد. [آن ادامه خواهد داشت] تا اینکه به طور کامل از بین بروند، و در آن مرحله آزار و شکنجه به پایان خواهد رسید. آن عوامل شیطانی ح.ک، چ پلید قطعاً به دست خدایان و در اصلاح فا پاکسازی می‌شوند! (تسویق پرشور)

خود ح.ک، چ پلید می‌تواند ببیند که در لبه پرتگاه توتولو می‌خورد و همه چیز از دست رفته است. بسیاری از افراد می‌خواهند برای خود یک راه فراری باقی گذارند و بسیاری سعی می‌کنند جنایاتی که در آزار و شکنجه مرتکب شده‌اند را مخفی کنند. و البته حتی افراد بیشتری می‌خواهند از آن سازمان‌های حزب پلید کناره‌گیری کنند. تمام اینها، آن جان‌سختان حزب شرور را در سرخوردگی و وحشت می‌اندازد. نکته قابل توجه اینکه، این کناره‌گیری از حزب باعث می‌شود از ترس به خود بلرزند. همه چیز برای‌شان از دست رفته و هم‌اکنون می‌توانند ببینند که برای‌شان تمام است. بدون توجه به اینکه مردم عادی، چه نگرشی [نسبت به آنچه روی می‌دهد] دارند یا نگران هستند که چه اتفاقی برای جامعه و تمدن چین روی دهد، بیهوده نگران هستند. از زمان‌های باستان خدایان هرگز از هیچ ملت یا فردی دست نکشیدند. وقتی خدایان بخواهند که جامعه‌ای دچار هرج و مرج شود، آن دچار هرج و مرج می‌شود؛ وقتی خدایان بخواهند فردی وحشیگری کند، او وحشیگری خواهد کرد؛ و وقتی بخواهند جامعه‌ای پایدار باشد، آن پایدار خواهد بود. بدون توجه به اینکه آن دسته کمونیست پلید چقدر بزرگ بود، وقتی [خدایان] خواستند آن منحل شود، در چند روز منحل شد. (تسویق) همگی به این بستگی دارد که آیا خدایان چیزی را نیاز داشته باشند یا خیر. آیا این‌گونه نیست؟

هر چیزی اینجا در اجتماع بشری برای اصلاح فا بنیان گذاشته شد و همه چیزهایی که امروز وجود دارد، به خاطر اعتباربخشی مریدان دافای من به فا وجود دارد. به خاطر داشته باشید: شما ستارگان امروز دنیا هستید، شما موجوداتی هستید که موجودات ذی‌شعور مشتاقانه نگاه‌شان می‌کنند، و شما موجوداتی هستید که آینده هر شخص در این دنیای بشری را تعیین می‌کنید! (تسویق) از این رو، نجات همه موجودات و به خوبی تزکیه کردن خودتان بیشترین اهمیت را برای شما مریدان دافا دارد. این فقط برای کمال وجود خودتان انجام نمی‌شود- درباره انجام رساندن امیدی که موجودات ذی‌شعور و موجودات بیشتری به شما بستند نیز هست! بسیار خوب، همین مقدار می‌گویم. (تسویق پرشور طولانی)

در حال حاضر [شما فقط باید روی] کارهایی که در حال انجام آن هستید [تمرکز کنید]، از این رو نمی‌خواهم با صحبت کردن درباره مسائل بسیار زیاد دیگری، توجه شما را از آنچه اکنون انجام می‌دهید به چیز دیگری معطوف کنم. کارهایی که اکنون انجام می‌دهید بسیار مهم هستند، بنابراین بیشتر نمی‌گویم. از همگی متشکرم! (تسویق پرشور)

^۱ یادداشت مترجم: این عبارتی است که بطور معمول حاکی از آن است که شخص چیزی را در کنترل کامل دارد، بدون توجه به اینکه چگونه دیگران ممکن است تلاش کنند که چیزها را تغییر دهند یا چگونه چیزها ممکن است به نظر برسند که باشند.

^۲ یادداشت مترجم: این ترجمه دو خط از هنگ بین، کتاب شعر استاد لی هنگجی است.

^۳ یادداشت مترجم: این دو جمله نوعی بازی با کلمات است. حرف چینی «پی» از دو قسمت تشکیل شده، یکی از آنها به معنای «هیچ» درک می‌شود و دیگری به معنای «احساس».

^۴ یادداشت مترجم: اصطلاح چینی که اینجا «کامل و بی‌نقص کردن» ترجمه شده، گاهی اوقات «هماهنگ کردن» هم معنی می‌شود.

^۵ یادداشت مترجم: اصطلاحی که اینجا «بنیان» ترجمه شده گاهی «کیفیت مادرزادی» هم معنی می‌شود.